



Ketabton.com

اختصار وقایع مهم هفته

در کشور

دولت هسپانیه مو سسه ملل متحد را بخاطر طرفی از باز داشتن مغربی ها از ورود در صحرای هسپانوی مورد نکو هش قرار داد، در حالیکه تلاش های دیپلوما تیک داکتر کورت و والد هایم سر منشی ملل متحد برای جلوگیری از جنگ در شمال غرب آفریقا ادا شده داشت.

دولت هسپانیه مو سسه ملل متحد را بخاطر طرفی از باز داشتن مغربی ها از ورود در صحرای هسپانوی مورد نکو هش قرار داد، در حالیکه تلاش های دیپلوما تیک داکتر کورت و والد هایم سر منشی ملل متحد برای جلوگیری از جنگ در شمال غرب آفریقا ادا شده داشت.

د ر این وقت بناغلی وحید عبدالله معین سیاسی وزارت امور خارجه و بناغلی سنگم سفیر کبیر هند مقیم کابل نیز حاضر بودند.

عیدی امین رئیس جمهور یوگندا گفت سه نهضت آزادی خواه انگولا موافقه کرده اند که یک حکومت اتحاد ملی تشکیل داد و اسیران جنگی را مبادله نمایند.

روز نامه های انگلیسی زبان چاپ دهلی جدید بطور عموم از فیصله ستره محکمه هند مبنی بر برائت میر من اندرا گاندی صدر اعظم آنکشور از فیصله یک محکمه اله آباد با خوشی استقبال کردند.

تر میم رواق مزار خواجه عبدالله انصاری در چوکات پرو ژه ترمیم آبادات وزارت اطلاعات و کلتور شروع گردید.

یک پایه ماشین جفل و تخم پایی بایک سیت سامان ملحقه آن از طرف اداره پرو گرام های انکشافی ملل متحد در کابل به وزارت - زراعت اهدا گردید.

قرار داد ساختن ماشین ها و تدویر مسلخ هرات شام روز ۹ عقرب بین ریاست انکشاف مالدارای هرات و کمپنی کرجفلید جمهورییت اتحادی المان در کابل عقد گردید.

وزرای دفاع ده کشور عضو اروپای غربی در هاگ راجع به تهیه مقدمات فر و ش مشترک اسلحه اروپایی به امریکا مذاکره نمودند. این مطلب را وزیر دفاع جمهورییت اتحادی المان اظهار داشت.

روزنامه های انگلیسی زبان چاپ دهلی جدید بطور عموم از فیصله ستره محکمه هند مبنی بر برائت میر من اندرا گاندی صدر اعظم آنکشور از فیصله یک محکمه اله آباد با خوشی استقبال کردند.

روزنامه های انگلیسی زبان چاپ دهلی جدید بطور عموم از فیصله ستره محکمه هند مبنی بر برائت میر من اندرا گاندی صدر اعظم آنکشور از فیصله یک محکمه اله آباد با خوشی استقبال کردند.



بناغلی محمد داؤد رئیس دولت و صدر اعظم هنگامیکه بناغلی محمد یونس نماینده خاص میرمن اندرا گاندی صدر اعظم هند را در قصر ریاست جمهوری پذیرفتند.

بناغلی رئیس دولت و صدر اعظم پنجاه و هشتمین سالگرد انقلاب اکتوبر را به زعماء حکومت و مردم اتحاد شوروی تبریک گفتند

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر داد که بناغلی محمد داؤد رئیس دولت و صدر اعظم طی تیلگرامی عنوانی بناغلی لیونید بریژنیف سرمنشی حزب کمونست، نیکولای بودگورنی صدر هیأت رئیسه شورای عالی والکسی کاسیگین صدر اعظم اتحاد جماهیر شوروی پنجاه و هشتمین سالگرد انقلاب اکتوبر را به زعماء حکومت و مردم اتحاد شوروی تبریک گفته اظهار داشته اند:

« مایه مسرت است که علایق دوستی و همجواری و تفاهم همکاری نزدیک و مثمر موجوده بین دو کشور بیشتر تقویت و استحکام می یابد. بناغلی محمد داؤد بایاد آوری خاطرات و نتایج خوش مسافرت شان به اتحاد شوروی برای تقویة روز افزون روابط دوستانه و همکاریهای همه جانبه دو کشور به نفع مردمان افغانستان و اتحاد شوروی و دیتاننت و صلح جهانی و همچنان برای صحت و سعادت زعماء و مردم کشور همسایه و دوست اظهار آرزو مندی کرده اند.»

قانون سیاحت بعد از تصویب مجلس عالی وزراء و منظوری بناغلی رئیس دولت و صدر اعظم در شماره سیزدهم جریده رسمی نشر و نافذ گردید .

بموجب این قانون زیباست گرځندوی علاوه بر فراهم آوری يك سلسله تسهیلات در امر توزیم پلانهای انكشافی طویل المدت و قصیر المدت توزیم را در چوكات پلانهای انكشافی دولت ترتیب و بعد از منظوری مقامات صلاحیتدار در معرض تطبیق قرار خواهد داد . قانون سیاحت بداخل هشت فصل و ۲۲ ماده تدوین شده است .

• • •

باساس مشی دولت جمهوری برای یکصد و شصت و هشت خانواده بی زمین در پروژه آبیاری کیله گی روز ۱۷ عقرب توسط بناغلی محمد آصف پاس یو سفی و اسی بغلان زمین توزیع گردید .

يك منبع آبیاری گت در این پروژه یکهزار و یکصد و هفتاد و شش جریب زمین برای یکصد و شصت و هشت خانواده ایکه قبلا استحقاق شان تثبیت گردیده بود توزیع شد .

منبع اضافه کرد پروژه آبیاری کیله گی در و لسوالی دوشی موقعیت دارد و تاکنون برای دو صد و شانزده خانواده یکهزار و پنجاه و بیست و شش جریب زمین توزیع گردیده است .

پروژه کیله گی از دریای بلخمری آبیاری می شود .

دولت جمهوری افغانستان اصلاحات ارضی را برای منافع اکثریت مردم افغانستان یکی از اقدامات عمده در پروگرام اصلاحات بنیادی خویش در نظر خواهد گرفت .
(از بیانات بناغلی رئیس دولت و صدراعظم)

خریداری پخته از زارعان

پنجشنبه ۲۲ عقرب ۱۳۵۴ - ۹ ذی قعدة الحرام ۱۳۹۵ - ۱۳ نوامبر ۱۹۷۵

بمنظور کمک به زارعین پخته کار و فراهم آوری تسهیلات برای آنها دولت ۲۷۲۵ ملیون افغانی را برای خریداری پخته منظور نموده است .

سلسله خریداری پخته از چندی باین طرف در ولایات کندز ، تخار ، بغلان ، هرات ، بادغیس ، فراه و شیندند جریان دارد ، که پخته کاران طی همین مدت عوض پخته تحویل دادگی شان پول نقد از کریدت دولت اخذ نموده اند .

در گذشته ها مؤسسات نساجی ، پخته را از زارعین طوری خریداری میکردند که برای يك مدت پول نقد به دهقان پخته کار تحویل داده نمی شد .

بهمین ترتیب پخته سورت شده توسط این مؤسسات به نازلترین قیمت خریداری میشد که به نفع زارعین پخته نبود . در حالیکه اکنون دولت سورت های مختلف پخته را به قیمت های معینه هر سورت خریداری مینماید ، تا در زمینه برای زارعین پخته کمک نموده و حاصلات پخته توسعه و گسترش بیشتر یابد .

بهمین ترتیب برای حمل و نقل پخته از مناطق مختلف و سایر حمل و نقل توسط دولت فراهم میگردد که این موضوع نیز به نفع زارع بوده و تاثیر مستقیم در وضع مالی دهقان و بلند رفتن سطح تولید پخته دارد .

هدف ازین کمک به پخته کاران اینست که در آینده مؤسسات نساجی انكشاف یابد . چه بمقدار زیاد تری پخته در داخل کشور ضرورت خواهد بود .

فعلا مصرف نساجی های بلخمری ، گلپهار ، بگرامی و سایر مؤسسات بافندگی به ۱۲ هزار تن میرسند ، که با تاسیس فابریکات جدید نساجی هرات ، قندهار و توسعه نساجی بلخ و بگرامی مصرف پخته در داخل کشور به ۲۵ هزار تن بالا خواهد رفت .

چون پنبه یکی از حاصلات عمده را در کشور ما تشکیل میدهد ، توجه به توسعه و گسترش حاصلات پخته گذشته از اینکه ضرورت نساجی ها و مؤسسات بافندگی را مرفوع میسازد ، در ازدیاد صا ذرات پخته بخارج و بلند رفتن سطح عواید ازین ناحیه نیز نقش بسیاری دارد . روی همین ملاحظه است که دولت به این اقدام مفید و پر ثمر دست زد تا اهداف که در آینده در قسمت توسعه و ازدیاد تولیدات نساجی دارد ، بر آورده گردد .

بهمین اساس چندی قبل در پهلوی سایر اقدامات جهت از دیاد حاصلات پخته و کمک به زارعان ، یکتعداد مؤسسات نساجی در ولایات به منظور بلند رفتن سطح تولیدات نساجی ملی اعلام گردید .



توابع همه سیاسی هفته

از شفیق راحل

مارش بزرگ

صحرای غربی

فرستادن بیش از دو صد هزار افراد ملکی غیر مسلح به صحرای غربی برای حل کردن يك معضله سیاسی توسط ملك حسن پادشاه مراکش در هفته گذشته یکی از اقدامات بی نظیر تاریخ بشمار میرود. تا حال در تاریخ دیده نشده بود که چنین بحری از انسان بر یکی از مستعمرات که قوای استعماری بحالت تیار سی و بصورت کاملاً مسلح نشسته سرازیر گردد. همچنان دیده نشده بود که رئیس يك دولت چنین امری را که در حقیقت يك سفر بری عظیم ملکی است بسرای مقابله با يك قوای مسلح دشمن صادر نماید. اطاعت به امر، توسط چنین يك کتله بزرگ با در نظر داشت حرارت و ریک شدید صحرا و خطر مرگ از تشنگی و گرسنگی نیز بر اهمیت مارش به صحرا که برای بیش از دو صد سال تحت استعمار

فرستادن بیش از دو صد هزار افراد ملکی غیر مسلح به صحرای غربی برای حل کردن يك معضله سیاسی توسط ملك حسن پادشاه مراکش در هفته گذشته یکی از اقدامات بی نظیر تاریخ بشمار میرود. تا حال در تاریخ دیده نشده بود که چنین بحری از انسان بر یکی از مستعمرات که قوای استعماری بحالت تیار سی و بصورت کاملاً مسلح نشسته سرازیر گردد. همچنان دیده نشده بود که رئیس يك دولت چنین امری را که در حقیقت يك سفر بری عظیم ملکی است بسرای مقابله با يك قوای مسلح دشمن صادر نماید. اطاعت به امر، توسط چنین يك کتله بزرگ با در نظر داشت حرارت و ریک شدید صحرا و خطر مرگ از تشنگی و گرسنگی نیز بر اهمیت مارش به صحرا که برای بیش از دو صد سال تحت استعمار

نقطه دیگر در سرحد صحرای غربی، مانگی ما که بدسته های هشت هزار نفری تقسیم شده بودند به مارش آغاز کردند این خطر هر لحظه دیده میشد که مابین های نهفته شده را زیر پا نماید، قوای اسپانیایی موقتاً بداخل خاک مستعمره عقب نشینی کردند و به این ترتیب يك ساحه (نو منزلند) یا سرزمین خالی را خلق کردند تا مارش کنندگان بتوانند با فراخ خاطر به پیشروی ادامه دهند. موقعیت مابین ها نیز طوریکه بعداً معلوم گردید هفت کیلو متر بداخل خاک صحرای غربی قرار داشت. هم حکومت اسپانیایی و هم حکومت مراکش هراس داشتند که مبدا انفجار مابین ها شروع گردیده و باعث تلف شدن مارش کنندگان گردد.

با این هراس و هم خوف اینکه مبادا الجزایر و موریتانیا مداخله نظامی نمایند مراکش و اسپانیایی عاجلانه به موافقه رسیدند که مطابق آن ملك حسن دريك بیانییه رادیویی امر داد تا مارش کنندگان فوراً به نقاط تجمع واقع سرحدات بر گردند باینترتیب يك ماسارش بزرگ خاتمه یافت.

موافقه .

متن موافقه نامه که مراکش و اسپانیایی در آن به توافق رسیده اند هنوز افشا نگردیده اما در حلقه های سیاسی حدس زده میشود که تفاهم موجوده روی چند پرنسیپ ذیل استوار است .

اول - يك ریفرنندم از (۷۵۰۰۰) باشند این مستعمره که از لحاظ ذخایر (فاسفیت) خیلی غنی میباشد اخذ شود .

دوم - در این ریفرنندم طوری زمینه سازی خواهد شد که اکثریت رای دهندگان از تقسیم مستعمره بدو قسمت (مراکش و موریتانیا) رای دهند .

فرانکو .

جاز و جنجال صحرای غربی وقتی آغاز شد که جنرال فرانکو رئیس جمهور اسپانیایی در بستر مرضی افتاده بود و (یوان کارلوس) جانشین وی به مجرد بدست گرفتن زمام امور مجبور بود فیصله ای در موضوع بنماید . سفرنابهنگام وی به صحرای غربی نشانه جدی بودن وی درموضوع صحرای غربی و توجه وی به امور تازه بدست گرفته شده بی دو لتی بود .

تأثیر تصمیم وی در موضوع صحرا يك نمونه از بالیسی و طرز کار یوان کارلوس است. اسپانیایی همین حالا آمادگی میگیرد تا با دوره بعد از فرانکو سازش کند و خط السیر آینده آن مملکت بصورت درست تثبیت گردد .

آنچه در موضوع صحرای غربی حقیقتاً تأثیر آور بودهما نابی مبلاتی کامل پارتمی های ذی علاقه از تصامیم شورای امنیت در مورد عدم فرستادن مارش کنندگان به آن مستعمره بود .

پیامخوانندگان

جهت کشف و تثبیت ذخایر معدنیکه بخصوص معدنیکه استخراج آن دارای اهمیت تجارتي میباشد مطالعات به شدت صورت گرفت . تفحصات درساحه معدن طلا ، سیماب، مس کرومیت و ابرک ادامه یافته و پروگرام تفحصات درساحه معدن مس لوگر که آینده خوبی را نوید میدهد، تشدید گردید. نقشه جیاالوجی افغانستان به مقیاس يك بر ۵۰۰۰۰ تکمیل گردید. اموراکتشافی طلای سمتی خانمه یافت و اقدامات جدی جهت استخراج آن رویدست گرفته شد .

پروگرام تفحصات نفت وگازبه منظور تثبیت ذخایر بیشتر آن ادامه و توسعه یافت و به اندازه تقریبا دو هزار متر برمه کاری اکتشافی واستخراجی مازاد بر پلان پیشبینی شده صورت گرفت. با افزایش در ذخیره گاز سلفر دار به اندازه (۱۵) میلیارد متر مکعب واستفاده از ذخیره سابقه قرارداد پروژه سازی فابریکه تجرید سلفر از گاز امضاء و کار آن عنقریب آغاز میگردد. همچنان با کشف ذخیره جدید نفت وتوسعه فعالیت درین ساحه پروژه سازی فابریکه تصفیه نفت که درگذشته به ظرفیت ۱۰۰ هزار تن در نظر گرفته شده بود بظرفیت بیشتر در ساحه تطبیق گذاشته خواهد شد .

بایب لاین هوایی گاز بطول ششصد و شصت متر بالای دریای آمو تکمیل و افتتاح گردید، از معدن بیرایت که در ماه اخیر سال ۱۳۵۲ افتتاح گردید به اندازه بیشتر از هفت هزار تن بیرایت استخراج گردید .

در ساحه صنایع در نتیجه افزایش مواد زراعتی بخصوص بخته واستفاده اعظمی از ظرفیت تاسیسات صنعتی موجوده و تثبیت ساعات کار وحدائق مزدکارگران در میزان تولیدات صنعتی بمقایسه سال ۱۳۵۱ افزایش قابل ملاحظه نمود .

جهت رفع قسمت بیشتر حواجی عامه در ساحه منسوجات نخی تجویز گرفته شد که فابریکه های نساجی افغان، بلخ و بگرامی بجای دوشفت در سه شفت فعالیت نمایند. این امر طوریکه گفته شده تنها در رفع نیازمندی مردم بصورت قابل ملاحظه کمک خواهد نمود بلکه زمینه استفاده را برای بیشتر از یک هزار نفر کارگر مهیا خواهد ساخت .

فابریکه کودوبرق حرارتی بعد از تکمیل امور ساختمانی وتولید دوره امتحانی اخیرا افتتاح گردید .

تاسیس بانک صنعتی افغانستان از طرف حکومت جمهوری افغانستان به سرمایه مجوزه ۲۴۰ میلیون افغانی تأیید گردید . پروگرام مرحله اول پارک صنعتی بشمول تامین تسهیلات مشترک از قبیل ورکشاپ ها وغیره بیشتر از شصت فیصد تکمیل گردید .

دین شماره

اورفی طلانی	ص ۶	نوشته احمد شاه علم
نمایشگاه آثار (ناناشورهای)	ص ۸	راپوراز عزیز
رشته نقره بی باین دوستک	ص ۱۰	راپوراز نوری
۶۳ نفر دختر و پسر در لیسه موزیک	ص ۱۱	راپوراز رحیم پیشتاز
گزارش خبرنگاران از سراسر جهان	ص ۱۲	ترجمه برومند
هنر در لابلای قرنها	ص ۱۴	نوشته : حامد نوید
زندگی انسانها در دل اقیانوس ...	ص ۱۶	ترجمه: از میرحسام الدین
داستان پولیسی	ص ۱۸	ترجمه : عبدالباقی هبء
آینده انقلاب وسایط مواصلاتی	ص ۲۰	ترجمه حبیب الله فرهنگند
کمیدی هستم ومیباشم	ص ۲۲	گزارش از: الف. ز
شرایط عادلانه زیست و کار	ص ۲۳	نوشته : راحله راسخ
خوجه خس پول گرو	ص ۲۴	دالف الف زبانه
فایل بر معلومات	ص ۳۰	نوشته : جلال نورانی
یادی از پروفیسور غلام محمد مصور	ص ۳۱	نوشته : عنایت اله
دغابونو به داگری گبسی	ص ۳۴	دسرور زوی زبانه
شبه ای از فستیوال نیویارک	ص ۵۰	ترجمه : رهجو
زبان آریایی	ص ۶۲	از نیلاب رحیمی

عکس روی جلد: یکتعداد از دختران افغان بالباس های ملی .





نویسنده: احمد شاه علم

عکس عایی تمام هنر مندائیکه همراه باین
رپورتاژ به نشر رسیده است توسط خودشان
برای مجله ژوندون امضاء شده است.

رپورتاژ اختصاصی ژوندون

اورغی طلاک

دهمین سالگرد فستیوال اورفی طلایی قرار
معمول همه ساله در ساحل آفتابی بحر سیاه
(واقع در بلغاریا) مجلل تر، برازنده تر و با
شکوه تر از سالهای دیگر برگزار گردید.
در این فستیوال بزرگ خوانندگان برازنده
۲۳ مملکت پهلو به پهلو هم با هم رقابت

هنری دارند و برای ربودن مدال اورفی طلایی
هنرنمایی می نمایند. هیات قضات و مسردم
منتظر افتتاح فستیوال اند.
رئیس هیات راسرژیسور رادیو و تلویزیون
بلغاریا آقای خچوبوچیف بر عهده دارد.
کامپوزیتور نامدار بلغاریا ویلی کازاسیان

ریاست هیات مدیره موسیقی دانان بلغاریا و
مرتب موزیک اورفی طلایی است. دیکورعالی
وپردیده اورفی طلایی انسان رادر عالم رویا
های شیرین میبرد. آرکستر بزرگ رادیسو
تلویزیونی بلغاریا که مشتمل بر ۶۰ نفر است
خوانندگان بلغاریایی و خارجی را همراهی

میکنند.
ژورنالیست ها و عکاسان از همه اکتاف
جهان برای تهیه رپورتاژ از این فستیوال
بزرگ در ساحل آفتابی بحر سیاه جمع شده اند
تابخوانندگان، موزیک دایرکتر ها و موسولین
فستیوال مصاحبه نموده و آنرا در اختیار اخبار.



Merri Winter

a rising star
from
down under



RAYMONDE



JOLANTA
KUBICKA



CARITA



از کانال دوم تلویزیون آلمان غرب می کند
 نماینده، بی بی سی لوژ مخصوصی را برای
 خود فروغ کرده است .
 لوحه دیگری در لوژ دوم از تلویزیون آلمان
 شرق به چشم می خورد ، بطرف راست لوژ
 دوم لوحه ای به چشم می خورد که نمایندگی
 سرعت کار می کنند .
 از کانال دوم تلویزیون آلمان غرب می کند
 (زید . دی . اف) .
 کارتخنیکی میکروفون وضبط صوت را کمپانی
 سه پسر ینسی ایطالیایی به عهده
 دارند. پسران پر انرژی و جلالک ایطالیایی به
 این کانسرت و فستیوال نامدار تو سسط
 تلویزیون بلغاریا مخصوصاً استودیوی نمره
 ۶ که به تلویزیون رنگه تخصیص دارد با چهار
 کمره و ۲۰۰ کارگر فنی و مسلکی خود وارد
 ساحل آفتابی شده است و در اختیار فستیوال
 قرار دارد .
 تلویزیون ملی بلغاریا به تمام ممالک
 سوسیالیستی - فرانسه، انگلستان، هالینده،
 آلمان غرب و بعضی ممالک دیگر اروپای
 غرب ریلی می گردد .
 همه روزه بر تعداد توریستها و علاقه مندان
 بقیه در صفحه ۱۳



چهره افغان هادر تابلو ها مایر بسیار عالی تجلی کرده است .

این پرتريت باستایل مخصوص بخود نانا شور مایر باظرافت خاصی کشیده شده است.

از: عزیز - بلیکا.

نمایشگاه آثار (ناناشور مایر)

در گویتة انستیتوت

در آثار نانا شور مایر که در گویتة انستیتوت بمعرض نمایش قرار گرفت نمایا نگر سبک خاصی از نقاشی مدرن است. نقاشی که بنابه گفته خودش آمیزه از سبک های مختلف نقاشی است.

خطوط و بکار بردن رنگها ارزش بسیار به آثار خود بخشیده است .

میرمن شکورولی عقیده دارد که این هنرمند در تزئین دادن طبیعت در تابلو ها خیلی بر قدرت است .

و اما در مورد شور مایر:

این هنرمند را از نزدیک دیدم زنیست جوان و باطراوت نام مکملش (ناناشور مایر - ویرنگ) است و زادگاهش شهر (هام) جمهوری است فدرالی آلمان او ابتدا در رشته باغبانی تحصیل کرده و بعد شامل مکتب هنری دور تمونند شده و بعد و بارجه بافی گرافیک و نقاشی را آموخته و در رشته دیزاین نساجی امتحان دولتی را گذرانده است .

موصوف به کارهای آزاد مشغولیت داشته و از سال ۱۹۷۴ بدینطرف در وصف رضا کاران آلمانی در افغانستان ایفای وظیفه میدارد .

نمایشگاههای متعددی از وی در شهر های مختلف جمهوری است اتحادی آلمان برگزار گردیده ولی این نخستین باریست که نمایشگاهی از آثارش را در یکی از کشورهای خارجی بر پا کرده است . او پورتريت های را بمعرض نمایش

در اولین دیدار تصور میکند این تابلو های رسامی نیستند بلکه عکس هاست که از تابلو عایش برداشته شده . بعدتر حقیقت غیر از آنچه هست که در ظاهر انعکاس میابد یعنی بیننده در برابر يك واقعیت قرار میگیرد. این هنرمند در انتخاب رنگ ها خیلی موفق است زیرا باریک ها نیکه او نقش کشیده بیاتر زرف نگری خاص اوست. مثلا در تابلو های که از جهان غرب کشیده همه اش باریک (سرد) و تابلو هائی که از شرق ترسیم نموده در همه اش از رنگ های گرم استفاده کرده است که این خود وارد بودنش را با همه واقعیت های شرق و غرب میرساند .

کپزاد مکتب میرمن (شور مایر) را میسان سوربالیزم و اکسپرسیونیزم میگوید ولی او را بیشتر باریالیزم و سوربالیزم نزدیک میدانند . میرمن شکور ولی آثار این هنرمند را بخورده از هنر شرق میدانند که اثرات هنر، هنرمندان اصیل هند را در خود نهفته دارد .

میرمن ولی از خطوط اساسی که در برجستگی های چهره هادر بسیاری از پورتريت های سور مایر دیده میشود خیلی به توصیف یادآوری کرد و بیان داشت که هنر این هنرمند با ایجاد

آفرینی چهره هادست بر قدرتی دارد با سایل جدید خطوط و شیارها را با مهارت بسیار میکشد که بانخستین نگاه ترسیمی از يك واقعیت را در دست میدهد واقعیت که پای زمان و حقیقت های زندگی را در خود دارد .

قبل از آنکه این هنرمند را ملاقات کنم نظر بعضی از نقاشان خیره مانند (سیهون شکور ولی)، (کپزاد) ، (طرزی) را در مورد نمایشگاه این هنرمند و پورتريت هایش بدست آوردم .

شاعلی طرزی پیرامون نقاشی های ایسن هنرمند گفت: وقتی میشود به هنر این نقاش چیره دست پی بریم که خوب در آن منبهک شویم و ببینیم که با چه ظرافت خطوط را بسیم وصل کرده و از آن چهره را که نمایانگر واقعیت يك محل و مردم آن را ترسیم نموده است به عقیده من این هنرمند يك سبک آزاد را که خاصه بسیاری از هنرمندان عصر ماست تعقیب مینماید و از جانبی میتوان او را پیگر و مکتسب سوربالیزم در نقاشی دانست .

وقتی با کپزاد صحبت کردم اول از همه او به باریکی کار و انتخاب رنگ ها توسط این هنرمند اشاره کرد و گفت: دقت نظر و مراعات باریکی هادر نقاشی (شور مایر) چنان است که بیننده



ناناشور مایر - ویرنگ با علاقمندی خاصی در مورد تابلو عایش صحبت می کند

روز ۱۴ عقرب نمایشگاهی از آثار میرمن نانا شور مایر رسام جوان آلمانی در گویتة انستیتوت افتتاح شد .

درین نمایشگاه که بیشتر از چهل پورتريت به نمایش گذاشته شده بود مورد علاقه همه دوستان هنر که در آن محل اشتراك ورزیده بودند واقع گردید .

این هنرمند که هنوز سی و پنج بهار زندگی را سپری کرده آثارش چنان به پختگی رسیده که انسان در اولین برخورد تصور میکند با آثار هنرمند افلا بنجاه ساله برخورد کرده . او که در نقاش



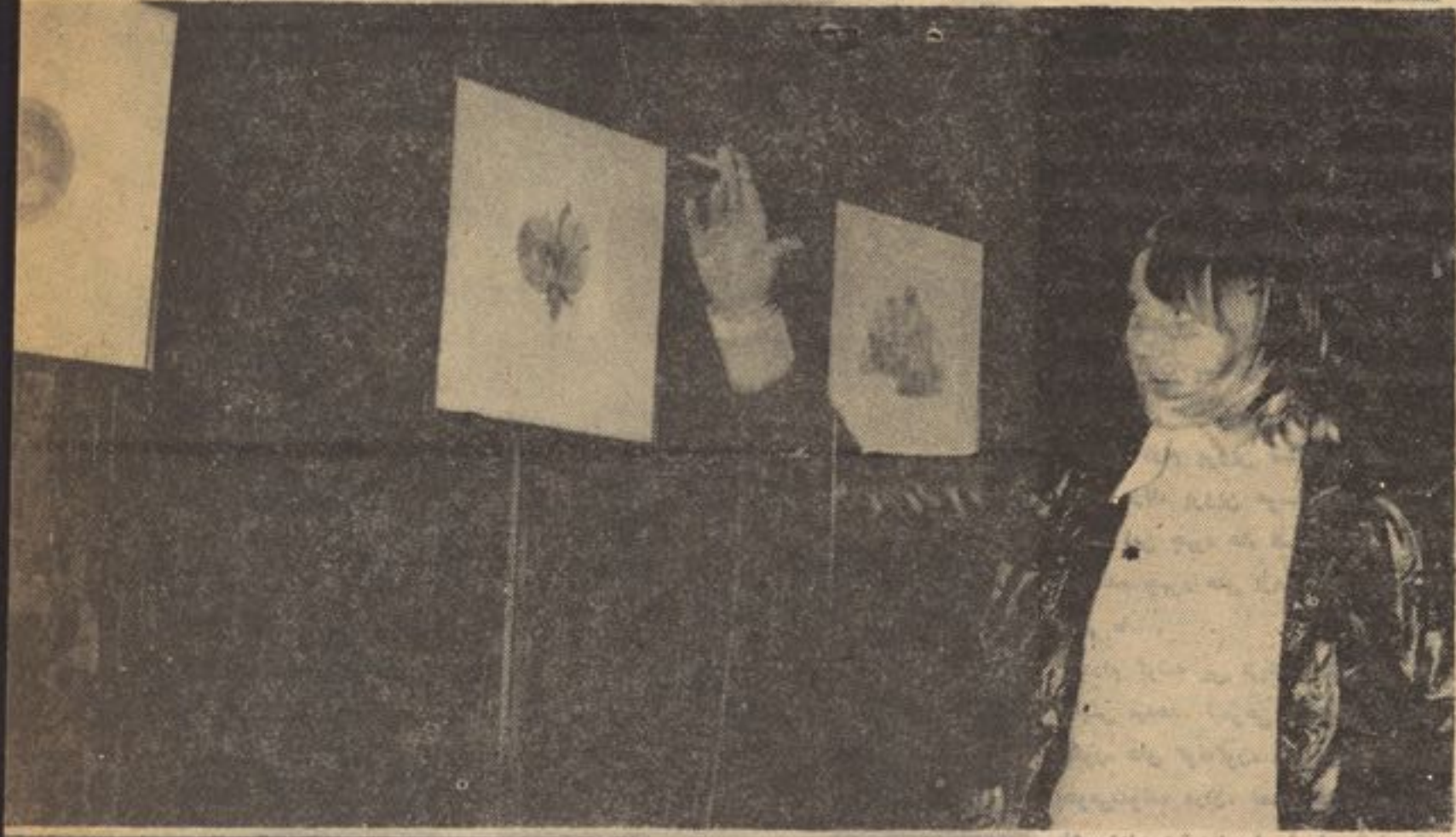
گذاشته که اکثریتش رادر ایام اقامت خویش درافغانستان بوجود آورده است .
 درحالیکه ازسبک نقاشی ریالیسم خوشش می آیدولی کارهایش سبک سورریالیزم است اومعتقد است که سورریالیزم پندار هاواقعیتهاراهمراه باجهان بینی ووسعت نظرهنرمندانه بهم آمیخته وآوری بوجود می آورد که زاده تصورات وپرداخت اواز حقیقت است .

(ناناشور مایر) درحالیکه جامسرا ازروی میز بلند می کرد سور ریالیسم را چنین تعریف کرد که همه می بینیم وهرکس میتواند اورا ببیند که این ریالیزم است وقتی من این جام رامی بینم بافاق که دیگران آترامی بینند این سورریالیزم است یعنی چشم دید من بافاق نظرم سورریالیزم را میسازد .

شورمایر معتقد است که همه آثارش متأثر ازهنررند است ولی اورامطلق شرقی نمیداند .
 وقتی از (نانا) پرسیدم که آیا آثارهنرمندان افغانی را دیده و نظرش دهمورد نقاشان افغانی چیست ؟ بجواب گفت: من آثارهنرمندان فعلی رادیده ام که بسیاری ازآنها خیلی بخته بوده وهم هستند آنهاایگه به تلاش وپشت کار زیادی ضرورت دارند تاآن بختگی را که لازم هنرشان است آورند .

وقتی دهمورد هنر اصیل افغانستان (میناتور) (میراث) از او پرسیدم به پاسخم گفت: که بدبختانه تاحال موفق نشدهام ازآن استفاده کنم زیرا کتبی که در ینباره موجود است تا حال بدستم نیفتاده اما میناتور) را که کم وبیش درپورتريت هایم می بینید تاثیر کتابی است که درمورد هنراصیل هندکه درآن ازمیناتور) هم بحثی فیه ومن سالها قبل آنرا مطالعه کرده ام .
 وقتی ازطرزکار وسبک رسامی پورتريت هایش پرسیدم، گفت: بازهم میگویم که ریالیزم وسورریالیزم مکتب اساسی است که من آنرا تعقیب مینمایم ولی شما میتوانید کوبیزم وبعضا عناصر راز مکتب کلاسیک درپورتريت هایم بیابید که این نمایندگی از آزادی هنرم میکند اما سبک کارم چنین است که اولاً پلان کارخویش رادر ذهنم ترسیم وبدنبال آن کار راآغاز میکنم که گاهی ممکن است روزها هفته هاوحتی ماه ها نتوانسم پلانی را که طرح آن آرزویم است پی ریزی نمایم ودرین مدت ممکن است يك دو وحتی بیشتر پورتريت هارا بوجود آورم ولی بطرح آن یکی بوفق نکردم ، وهم ممکن است طرحی را بریزم ولی آنچه درمغیله ام است با آن تطابق ننماید بازهم به آینده موکول میکنم وآن حد انتظارش رامیکشم تاآنچه میخواهم بروی تابلویم نقش یابد .

ناناشورمایر که بیشتر از یکنیم سال از عمرخویش رادرافغانستان گذشتانده زلدگسی وجیره های واقعی مردم مارا از نزدیک دیده



رشته نقره‌ی یا بین دو سنگ

نمایشی بمناسبت سال بین‌المللی زن
از: گک ، تماشاچی

نگهدارد، به محیط کوچک و محدود دهکده خود
محصور سازد و بر فراز فرزندانش نیز عمان
زندگی اشرافی را، که دوازده هیاهوی جهان
امروزی است، تدارک کند. دوجوانی که تحصیل
کرده‌اند و با مشغله شهرهای امروز انس دارند.

در میان تردید برجای مانده‌اند و دوزن، دو
عروس، دوسوی دیگر، در کفه دیگر ترازو ،
نقش‌هایی دارند، آن‌ها جدال گران دیگر این
معرکه اند، آن زندگی با هیاهو، با کار با هیجان
می‌خواهند و بر تروت و گوشه نشینی هیچ
علاقه‌ی ندارند... مادر در تلاش است تا
فرزندان را نگهدارد و عروس هادر تلاش‌اند
تا به نیویارک ، به شهر هیاهو برگردند ...
کارکنند و خود زندگی بسازند ...

نام (در میان دو سنگ) که دایرکتر، بر این
نمایشنامه گزارده است و در حقیقت نام دوم
اتراست، با مسما تر می‌نماید ، چه از لحاظ
عاطفی دو جوان در میان دو سنگ تا پایان
نمایش، خرد می‌شوند، می‌افتند و برمی‌خیزند،
آنها از یکسویه زنجیر سخت و مقدس مادری
بسته‌اند و از سوی دیگر، رشته انس و احساس
پیوند شان را با همسران شان محکم کرده‌است،
دو گروه به دوسوی می‌روند، دو قطب آتشی
ناپذیر و درین میان دوجوان به هردوسوی
کشیده می‌شوند ...

درین نمایشنامه ، همه نقش‌های اصلی
را دارند، نگاه و جفایی ، پروین و زرغونه ...
پروین صنعتگر که باز بروی ستیز برگشته،
باز در تیاتر می‌درخشد ...
ترجمه این اثر که تو سسط (روح الله
شیشه‌گر) شده، برگشته یی از انگلیسی به
فارسی است، برگشتی خوب ...

دایرکت آنرا جفایی کرده است، او تا حال
۹۹ درام را دایرکت کرده و در کابل ننداری و
مرکز فرهنگی امریکا نمایش داده است .
جفایی از ده سال به اینسو، در پهنای تیاتر
دیده شده، او گاهی بازیگر تیاتر بوده و زمانی
از پشت پرده بر نمایشنامه حکمروایی کرده
ستار جفایی در دایرکت این درام نیز موفق
است و هنر مندان انگشت‌شمار نمایشنامه‌ها
بازی بصورت یک تیم، برین موفقیتش کمک
کرده است...

بافصله سازمان جهانی ملل متحد، سال
بین‌المللی زن در همه کشورها و از جمله در کشور
ما تجلیل میشود. همه موسسات فرهنگی درین
راه تلاش‌هایی می‌کنند و پروگرام‌هایی خاص
ترتیب می‌نمایند .

نمایش درام (رشته نقره‌ی یامیان دو سنگ)
در ادیتوریم مرکز فرهنگی امریکا نیز از همین
پروگرام هاست، پروگرام‌هایی برای زن ،
برای نمایانن موقف زن در گذشته و حال و
برای تأمین حقوق زن و تثبیت حس ابتکار ،
دانش و تعقل زن ...

نمایشنامه رشته نقره یی اثر (سدنی هوارد)
نویسنده معروف امریکایی است، این اثر در دست
پنجاه سال قبل از امروز نوشته شده است ،
ولی دایرکتر، در پیاده کردن آن بروی صحنه
این فاصله زمانی را ازین برده است، او
(گذشته) را، درین نمایشنامه به (حال) تبدیل
کرده دیکور، دیکور ۵۰ سال قبل نیست لباس‌ها
پنجاه سال قبل را نمایش نمیدهند و دیالوگ‌ها
از هیاهوی جهان امروز یادآوری می‌کنند ،
نه از دیروز و این برداشتن مرز زمانی کار جفایی
است، چه زن امروز هم زیست میکند، همان
پرابلم‌ها امروز هم وجود دارند، ستیز کهنه
و نو، خرافات پستی و تجدد طلبی امروز هم
به حد اعلا ی خود رسیده است.

درین درام پروین صنعتگر، مقدس نگاه،
زرغونه رفا، پروین هوساوستار جفایی حصه
دارند، این چهره‌ها، قسما در تیاتر ما شناخته
شده‌اند، چهره‌های از هنرمندان خوب تیاتر ما
و هنر ما ...

درام گوشه یی از یک زندگی امریکایی را
نمایش میدهد، نیم‌رخ از چند زن امریکایی با
ملکوره‌های گونه‌گون، ولی با اداه آن مرز‌ها
محمومی‌شوند، در آن، تصویر جامعه غربی و شرقی
با هم دیده میشوند، آسیا، اروپا امریکا و هر
گوشه دیگر جهان، مشکلات خود را در آن می‌بینند،
چه زن در همه جاهست ... مادر در همه جا
هست، همسر در همه جا هست و جدال یک
جدال عاطفی است.

زنی بیوه و ثروتمند باتکیه به دارایی خود،
می‌خواهد دوفرزند خود را - دوفرزندی که
آنها را بزرگ کرده و به دانش رسانده - بخود



از بالا به پایین :

پروین صنعتگر باز بروی پرده می‌آید...

جدال، جدالی بین دو ملکوره، بین کهنه و نو درین نمایشنامه دیده میشود.

بین دو سنگ، نام با مسما تری است بر این درام

را که به سیستم نوت تهیه و ترتیب شده باشد در پهلوی آله اختصاصی خویش یاد میگیرد .

وی افزود :
فعالشاگردان لیسه مسلکی موزیک در شعبات پیانو، ویلن، گیتار، ترومپت، ترومبون، باریتون، کورنو و کلانت تدریس میشوند .

راجع به نواختن آلات حرف زدید اما نگفتید در هر رشته چند نفر دارید ؟

در جواب میگوید :
در سال تعلیمی ۵۴ دو نفر شاگرد

در شعبه پیانو، ۶۴ نفر شاگرد ذکور و اناث در شعبه ویلن، هفت نفر شاگرد ذکور و اناث در شعبه گیتار، شش شاگرد در شعبه ترومبون ،

پنج دیگر در شعبه باریتون، ۲ نفر در کورنو ، ۱۴ نفر در شعبه ترومپت و یک نفر در پیکولوفلوت و همچنان ۱۲

نفر شاگرد در شعبه کلانت شا مثل دروس عملی میباشد .

سوال میکنم شرایط شمول در لیسه موزیک چگونه است ؟

آقای و هاب اظهار میدارد .
شاگردانی که بحیث جدیدالشمول پذیرفته میشوند از کامیابان صنوف ششم مکاتب بوده که سن شان بین

بقیه در صفحه ۶۰

میخواهم بیروسم که تدریس آلات موسیقی بکدام سیستم میباشد ؟

بناغلی و هاب جواب داد :
تدریس آلات موزیک بقسم نظری و عملی تما ما به سیستم نوشتیسن بین المللی صورت میگیرد .

لطفاً در باره استعداد شاگردان در آموختن موسیقی معلومات دهید؟
استعداد هر شاگرد نظریه شعبه و آله مورد نظرش فرق میکند . اما در

بضی مواقع معلوم شده میتواند در سال ۵۳ يك شاگرد صنف هفتم که

در رشته موسیقی استعداد خارق العاده داشت جهت ادامه تحصیلات موزیک به کشور بلغاریا در رشته گیتار اعزام گردید .

پرسیده میتوانم که شاگردان مکتب موزیک چه آلتی را نواخته میتوانند ؟

آمر مکتب موزیک جواب گفت :
شاگردان لیسه مسلکی موزیک نظر به ذوق و علاقه شان یکی از آلات

موزیک را بقسم آله اختصاصی انتخاب مینمایند . بعد از سپری شدن مدت سه سال یعنی وقتیکه شاگرد به

صنف دهم ارتقا نمود میتواند که یکی از آلات موزیک افغانی را از قبیل

رباب ، تنبور ، دهل دوسره، وتوله



مکتب موزیک باسیستم نوتیشن شاگردان رادر قسمت موسیقی تربیه می نماید

راپور از :

رحیم پیشتاز

۶۳ نفر دختر و پسر در لیسه موزیک مشغول فرا گرفتن موسیقی هستند

دو صد پارچه موسیقی اصیل افغانی بصورت تیپ شده در آرشیف این لیسه موجود است



شاگردان در رشته های مختلف موسیقی مشغول فرا گرفتن دروس عملی هستند.

موسیقی در پرورش روح انسان رول مهمی را بازی نموده جهت نداوی مریشان روحی امروز از موسیقی استفاده میشود . امروزه در اندیشه موسیقی است . موسیقی نوازان همیشه مورد استقبال بی نظیر علاقمندان شان قرار گرفته اند ، امروز جوانه های این هنر شادای آفرین در قلب جوانان جان گرفته و بر تعداد هوا خواهان آن افزوده است .
بناغلی غلام نبی و هاب مدیر موزیک را می آموزند .
تدریس (۵۸) پسر و پنج دختر صنوف هفتم و هشتم این لیسه در دو وقت یعنی قبل از ظهر و بعد از ظهر صورت می گیرد، که شاگردان از طرف قبل از ظهر مضا مینسن متداوله مکاتب معارف را از قبیل علوم دینی ، لسان، ریاضیات ، سیانس و اجتماعات فرا گرفته و بعد از ظهر از ساعت يك الی چهار عصر تدریس و تمرین آلات مسلکی موزیک را می آموزند .

گزارش خبر نو یسان از سر اسر جهان

ربایندگان پیترو لورنس بدام افتاد

- یکی از مستخدمین بناروال شهر برلین که مصروف پاک کاری کتابت بیلر های کنار سرك بوداز بیلر کتابتانی که کنار منزلی گذارده شده بود چشمش به اسناد و تعهد نامه های پاره پاره بی که در آن قول شرف داده شده بود افتاد، این مستخدم حساس که میدانست پولیس سخت درتلاش دستگیری ربایندگان (پیترو لورنس) است کاغذ را به دستگاه پولیس تسلیم داد، فوراً چهار مرد مسلح و ماشینه دار وارد خانه که بیلر کنار در وازه اش گذارده شده بودند و سه مرد بانام (رالف رانیدرز) (جولیان پلامبک) و (رینگفیت) که بترتیب ۲۷-۲۳ و ۳۱ سال داشتند دستگیر گردیدند. و پس از تحقیقات مختصری بدین نتیجه رسیدند که رالف رانیدرز و رینگفیت کلید این معمای پولیس اند که در (۲ جون) بهار امسال پیترو لورنس سیاستمدار معروف (سی-دی-ای) برلین را اختطاف کرده بودند.

گفته میشود که پولیس برلین قبلاً نسبت اسامی کسانی را که درین قضیه مشکوک بنظر می آمدند ترتیب داده بود، دولت اشخاصی بنامهای . فریتس توپفل، انگلا، لوتار، اندراس فوگل و نوربرت ادریش گروهی که در وقت این اشخاصی که نام بردیم تحت تعقیب پولیس قرار آفرتند فرار کردند، به تعقیب آن پولیس شهر هامبورگ خبر داد که مردم بولی الهیوتی بمب را در نزدیک خط آهن گور کرده بود که از اثر انفجار آن یازده تن مجروح گردیدند.

- اعضای مقامات سیاسی برلین در قطار راه آهن بودند که فریتس از دستگیری فریتس توپفل مرد ۳۳ ساله و گابریل رولنیک ۲۵ ساله مجرمین دیگر این قضیه به ایشان خبر داد، این دومرد که با خود اسلحه حمل میکردند در واقع از متهمین سرسخت قضیه پیترو لورنس بشمار می آیند. در طول همان روز دستگاه (تی) پولیس برلین در اثر فعالیت های پیگیرانه خویش بالاخره موفق به کشف (۱۸۱) مرد دیگر این گروه تروریست ها که به کمک کمپوتر ها و سایر اسباب تخنیک جریان بیرون رابه سایر اعضای باند در زیرزمینی ها و مخفیگاه ها مخاومه میکردند شدند، از بازداشت ها و تحقیقاتی که از مجرمین شروع شده معلوم میشود فریتس توپفل درین حادثه نقش اساسی و فعالانه دارد.

الفرد هیچکاک از تکلیف قلبی رهایی یافت

- در وزن الفرد هیچکاک تقریباً (۳۵) پوند کاهش بعمل آمده، این رژیم معروف که از چندین سال بدین طرف همواره تحت حملات قلبی قرار میگرفت درین نزدیکی ها بنابر اصرار دکتور معالجتش حاضر شد قیانه به وسایا و هدایات لازمه دکتور مذکور عمل کرده و مخصوصاً تصمیمی برای تقلیل وزن و جودش بگیرد زیرا در غیر آن قلبش از فعالیت بازمی ایستد.

- الفرد هیچکاک که اکنون (۳۵) پوند وزن و جودش را از دست داده مدعی است که هم تکالیف و حملات قلبی اش بکلی مرفوع گردیده، مخصوصاً پس از فوتوگرافی اطمینان بخش که بوسیله دکتور معالج از قلبش بعمل آمد بیشتر اطمینان خاطر یافت و پول قابل توجهی پرداخت. هیچکاک اخیراً بار دیگر بدون تشویش و دل واپسی و با کدام تکلیف دیگر صحنه به کارهاش آغاز کرد. اما قبل از همه خواست سری بدوگان خیاط بزند.



الفرد هیچکاک متوجه تقلیل وزن شد نش گردیده . خواست سری بدوگان خیاط بزند .



برتون و تایلور در یکی از مسافرت های شان

باز هم الیزابت تایلور و برتون اختلاف پیدا کردند

- الیزابت تایلور و ریچارد برتون که پس از دو سال جدایی و مفارقت بار دیگر ازدواج کرده اند بر تعهداتی که در ابتدای ازدواج مجددشان نموده بودند پایدار نماندند، آنها پیمان بسته بودند که گذشته های تلخ را یک قلم از یاد ببرند ولی اکنون برعکس عمل کردند باز هم اختلافات، جارو جنجال ها و مشاجرات بخاطر هیچ. مبصرین هنری گذارش میدهند که برتون باز یاده روی و افراط در مشروب همیشه قیافه و وضع غیرعادی میداشته باشد، حالانکه تایلور این توقع را از او ندارد، بخاطر این حرکت برتون تا یلور فکثراً احساساتی و هیجانی شده و مجبور میشود روش خشنانه ای شود.

هنر پیشه یا زده ساله ایکه - (۸۵۰۰۰۰) مارک را کمایی کرد:

(تاتول اونیال) هنر پیشه یازده ساله امریکایی بخاطر ایفای رول هایی که در فلم (پایرمون) بوی سپرده شده بود از طرف فابریکه فلم سازی (۱۵۰۰۰۰) مارک دریافت کرد، همچنان با کارگردانی خود در فلم (بادنلس بیارز) که جدیداً تولید گردیده دستمزد او به (۸۵۰۰۰۰) مارک بالافت، درین فلم مصارفی که بالای دیکور و لباس (اونیال) شده بود به (۴۵۰۰۰) مارک بالغ میگردد، اکنون (اونیال) یازده ساله مصروف کارگردانی



تاتول اونیال در فلم (نمره هایی از هالیوود).

فلم (نمره هایی از هالیوود) میباشد.

اروپا و افغان

فستیوال افزوده شده می‌رود و همه بی صبرانه منتظر افتتاح آن هستند.

تکت های فستیوال همه فروخته شده‌است. الیوم مخصوص آغاز فستیوال ساحل طلائی از ده سال پیشتر به این طرف طبع و در دسترس مردم قرار گرفته است. شهرزادگلام و اعلانات فستیوال غرق در زیبایی و نور است. ساحل آفتابی چنانچه از نامش پیداست آفتابی و گرم است و همه رادر آغوشش قبول کرده است.

امروز ۲۳ چون است روز اخیر تمرینات عمومی. همه با احتیاط و هیجان زیادتری برای مسابقه بزرگ آخرین تارهای گلوی شان را آزمایش میکنند. یک سیاه پوست از هالیند و یک خانم زیبای کوبادر تمرینات مقدماتی از همه برتری چسته اند.

خواننده مشهور و ریابنده چندین مدال بین المللی بلغاریا اکتیریس برا زنده لیلی ایوانوا نیز در این مسابقه سهم گرفته است. همه بلغاریایی ها چشم امید بر او دارند تا لیلی با هم جام اورفی طلائی را بیگانه نکند و درخانه خود یعنی بلغاریا نگهدارد. اما همه ای مسابقه دهندگان به همین امید وارد ساحل آفتابی شده اند.

امروز ۳۳ چون است. خبر رسیده خوانندگان مشهور بلغاریا امیل دیمپتروف و می ایوانوا که در وارسا پایتخت پولیند بودند بطور ناگهانی وارد ساحل طلائی شده و آمادگی و خبر اشتراک خود را در این مسابقه اعلان کرده اند.

بهر صورت مسابقه دهندگان زیاد اما جام یکی است.

تلویزیون بلغاریا نیز امروز از صبح تا ۵ بعد از ظهر کمره های خود را امتحان می کند. (تی.وی.بی) برای اولین بار همراه چهار کمره و یک بلو بوکس کانسرت رابه تماشاچیان بخش خواهد کرد.

انبوه عظیمی از مردم در عقب تیاتر منتظر ورود هنرمندان اند تا اول آنها را از نزدیک دیده و تانیا از آنها امضا بطور یادگار بگیرند همه برچوکی های خود نشسته اند سالون غرق در زیبایی و عطر است.

رئیس شورای عالی تلویزیون بلغاریا درست سر ساعت ۸:۳۰ شب وارد صحنه گردیده و بانطق مختصر خود فستیوال را افتتاح کرد.

حال کمی راجع به ما هیت این فستیوال می‌خواهم خدمت خوانندگان بعرض برسانم که در ده سال اخیر بلغاریا به پیشرفت های

گرفته جمع شدند تا برای شناساندن و پیش موسیقی اصیل بلغاریا در دنیای غروب و همسایگان راه حلی جستجو و سراغ نمایند که البته این فستیوال حاصل زحمات و چاره سنجی آنهاست. این فستیوال روی چند منظوری دایر شده است:

۱- رواج دادن موسیقی بلغاریایی در دنیای خارج.

۲- تماس و شناسایی هنرمندان بلغاریایی با هنرمندان شرق و غرب.

۳- مقایسه موسیقی بلغاریایی با دنیای دیگر.

۴- دوستی و حس همکاری مداوم با ملل مختلف.

۵- شناسایی با موسیقی ملل مختلف و طرز کار آنها.

و بالاخره دوستی با ملل مختلف باالسنه و کرکتر های مختلف.

اواضافه کرده: ما توانسته ایم این فستیوال خود را همه ساله رونق خوبتر بخشیم و امسال که ده سال از عمر آن میگذرد، فراریکه مشاهده می کنید این فستیوال به صورت یکی از بزرگترین فستیوال شناخته شده دنیا و یکی از پردرآمد ترین منبع درآمد توریستی برای ماست.

بروکایف در جواب سوال دیگر که پرسیدم: امیدوارم این فستیوال مانند بعضی از فستیوال های دیگر نباشد که در اخیر جایزه رایبانه خود یابه یکی از دوستان نزدیک خود می دهند گفت: هیت قضات متشکل است از نه مملکت مختلف و بلغاریا در آن فقط یک



نماینده دارد و یک رای.

در شب اخیر فستیوال که با جشن باشکوهی پایان یافت توانستیم با بعضی از خوانندگان فستیوال صحبت های مختصری نمایم.

آنها در جواب سوالم که اگر روزی از آنها دعوت شود که به افغانستان بیایند چه جوابی خواهند گفت همه به خونسردی استقبال کردند و حتی خواننده مشهور فرانسوی (ری ماند) عکس خود را با امضا برای مجله ژوندون فرستاده و گفت: افغانستان را از لابلای کتابها، فلمهای مستند و دیدن فلم سوارکاران و خواندن کتاب (ژوزف کاسل) می شناسد و یکی از آرزوهایش آمدن به افغانستان و دیدن بزکسی است.

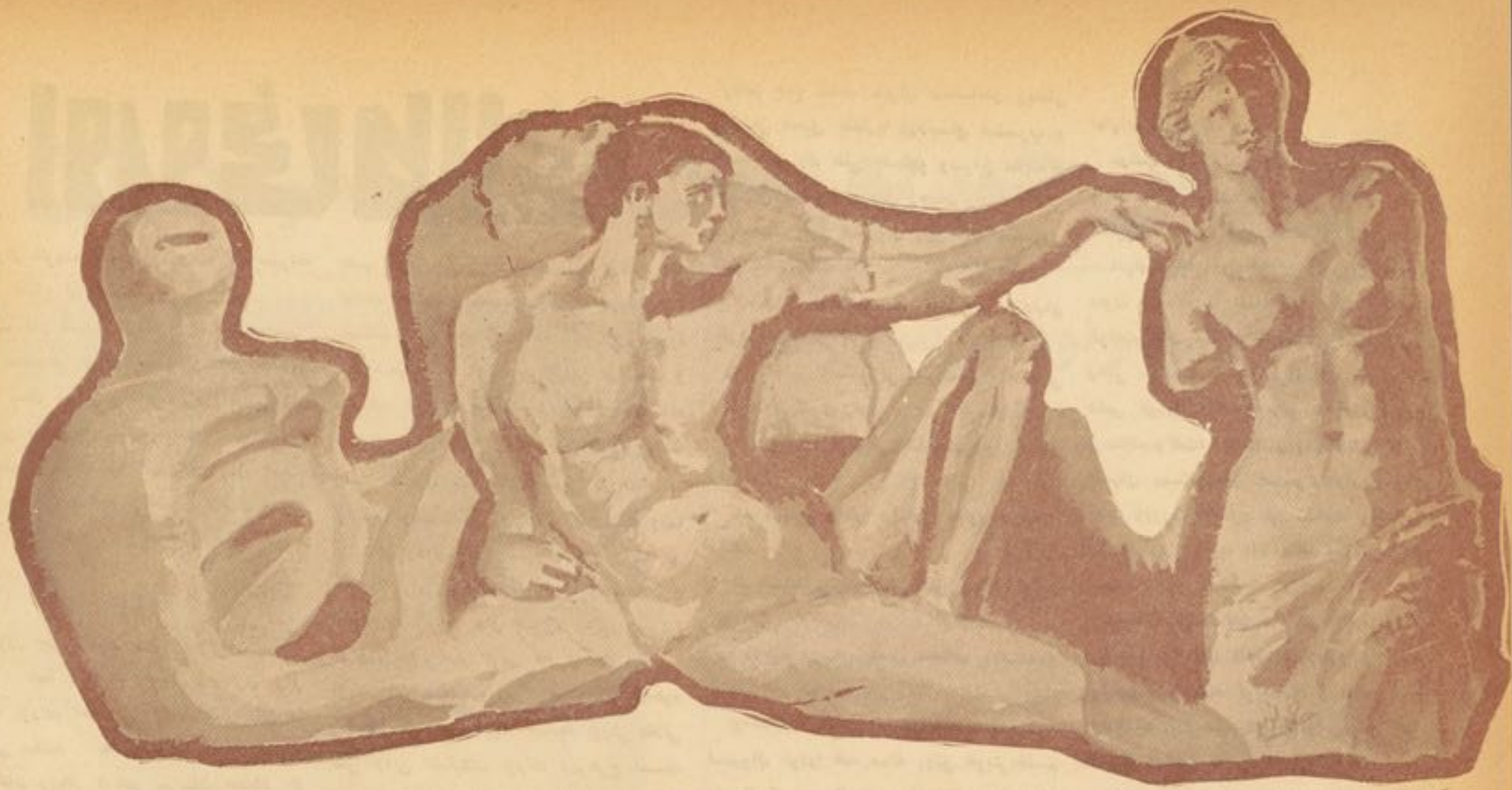
همچنان خوانندگان هالیندی (جیمی واکر) ایرلیندی (کارتیا) فنلیندی (ماری و نتر) پولیندی (یو لانته کویسکه) و انگلیسی (فرانک هالدر) عکسهای خود را بفرس چاپ در مجله ژوندون به من تقدیم کردند.

اخیر مسابقه پرهیجان بود و همه منتظر سرنوشت بودند تا اینکه هیات ژوری روی صحنه آمده و نتایج را اعلان کردند. جایزه سوم به خانم کیویانی تعلق گرفت گر چه آنقدر خوشحال به نظر نمی آمد اما با آن هم باحرکات زیبای خود تعظیم بلند بالایی به تماشاچیان نمود که با کف زدن های ممتدی بدرقه شد. اوپیراهن زیبای رنگارنگ در برداشت. جایزه دوم راهمان پسر سیاه پوست هالیندی ربود. آواز خوشی در پیراهن نمی گنجید و دوشیزهای را که جایزه را برایش آورده بود به هوا بالا کرد و غرق در بوسه ساخت.

برخلاف انتظار همه جایزه اول به یک پسر از اتحاد شوروی تعلق گرفت ...

نوبت رسید به جایزه بزرگ یعنی اورفی طلائی همه به با برخواستند و سکوت بر همه جا حکمفرما بود. من که در عقب سالون و نزدیک هنرمندان بودم ترس و امید رادر سیمای هر یک از آنها مشاهده می کردم که ناگهان اسم (لیلی ایوانوا) که عکسش را در صفحه اول مشاهده کردید سکوت جمعیت را شکست و نعره خوشی مردم و نام لیلی ... لیلی به آسمانها برخاست. لیلی که اشک شادی در چشمانش حلقه زده بود دوان دوان وارد صحنه گردید و کامپوزیتور مشهور بلغاریا رادر بغل گرفت و بانگاه های باسپاسی از او تشکر کرده مدال زیبای اورفی طلائی را رقصان و دور زنان گرفته به همه نشان می داد.

نطاقان به همه تبریکات عرض کرده و شب همه را خوش خواستند چراغها آهسته آهسته خاموش می شدند همه سالون و صحنه را ترک کرده بودند ناگهان من بخود آمدم و دیدم در تاریکی گرفتار شده‌ام. شاید فکر می کردم گاش ما هم چنین فستیوالی را میتوانستیم راه بیندازیم.



مغز در کتابهای قرن ما

بمنظور معرفی دوره های مختلف هنری سر از همین شماره صفحه جدیدی در مجله کشوده می شود، تا درین راه خدمتی به ذوقمندان هنر کرده باشیم .

کوشش عمده در نگارش این ، مبحث اینست تا دوره های مختلف هنری با خصوصیت ها و اژه های آن به خوانند معرفی شود. البته عوامل مؤثر دیگری که در ساختن و کرکتر بخشیدن یک دایره مد نیت در یک دوره معین تاریخی اهمیت دارند نیز شامل این بحث خواهد بود .

مطالعه یک دوره تاریخی یا یک مکتب هنری وقتی بیشتر دلچسپ می گردد که موضوع بشکل مجرد ارائه نگردیده بلکه همراه با پدیده های مرتبط آن چه مادی و چه معنوی باشند تحت تدقیق قرار گیرد . هنر یک دوره معرف طرز تفکر و طرز دید ، و ساختمان اجتماعی همان دوره است و خصوصیت های آن زاده پدیده های ، کیفی و کمی موجود در اجتماع مربوط می باشد .

ازینروست که بر علاوه موضوع مورد بحث یعنی هنر نقاشی ، مجسمه سازی و مهندسی در دوره های مختلف تاریخ ضرورت بدان می افتد که بالای وضع اجتماعی ، سیاسی و اقتصادی و طرز تفکر و عقاید مذهبی جامعه مورد نظر نیز بحثی بعمل آید

البته در تهیه این نگارش از منابع معتبر و آثار محققین مختلف استفاده گردیده تا موضوع به شکل عملی تر و صافانه تر برای خواننده ارائه گردد .

حامد نوید

هنر در دوره حجر و جوامع اولی

هنر پدیده ایست زاده خلافت انسان و برداشت او از محیط اطرافش ، این پدیده نه تنها یکی از روشهای جوامع امروزی است بلکه در دوره های مختلف تمدن های انسانی موجود بوده و همگام با تغییر پدیده های مرتبط ، خود نیز شکل داده است . حتی در جوامع قبل از تاریخ یعنی در دوره های

لول سنگ تقریباً بیست هزار سال پیش از امروز هنر نقاشی و مجسمه سازی بین انسانهای مغاره نشین ، متداول بوده است .

هنر نقاشی و مجسمه سازی هنگام با ضروریات دیگر انسانی هنگامی زاده شد که بزرگتر یکن مشکل انسان بدست آوردن غذا بود . یعنی هنگامیکه انسانها هنوز به تربیه حیوانات نپرداخته و بزراعت

دسترسی پیدا نکرده بودند . یگانه امید زندگی درین دوره شکار حیوانات و چیدن میوه های وحشی بود و اگر شکاری بدست نمی آوردند ، مجبور بودند روزها را بگرسنگی بگذرانند و از شدت ضعف رهسپار مرگ گردند .

گرچه دستبرد با آشیانه پرنده گان و یا شکار حیوانات کوچک و ماهیان تا اندازه می توانست جوابگوی ، معضله غذایی باشد ، اما قیمت عمده

تفکرات انسانی ایندوره متوجه شکار و آنهم شکار حیوانات بزرگ بود . شاید گوزن ، آهو و گاو وحشی بزرگترین ودیعه طبیعت برای انسان های ایندوره بشمار میرفت و بعضاً ترس از حیوانات درنده نیز آنها را مجبور به کشتن و زبیدن بردن این حیوانات می ساخت . به هر ترتیب انسان تا قبل از تاریخ او لین قانون

بخوبی برایش واضح است که این کار او صدمه به صاحب تصویر نمی زند اما ازین کار خود لذت میبرد و حساس آرامش می کند شاید همین تکبیره انسان او لیه را وا میداشته است تا با چوب بسه جان تصویر های که خود از حیوانات اطرافشان کشیده بود مدبیا فتدو از اینکار خود احساس آرا مش کنند و یا یک لذت موقتی برد البته این عمل باعث طرز دید دیگر در مورد این نقاشیها شد که پایه های گرایش انسان را بسوی جادو گری و استفاده از قدرت سحر انگیز نقاشی هارا تشکیل میدهد. شاید حاد نه کوچکی باعث تقویه این طرز دید گردیده باشد بدین معنی که شاید بعد از درآویختن با تصویر تصادفا همانروز شکار حیوان به آسانی میسر گردیده باشد و یا اینکه یکی از شکار چیان از کدم خطر مرگ حتمی نجات یافته باشد و بدین ترتیب عقیده خلق گردیده که تصویر ها خاصیت جادویی دارند.

کند این حاد نه اولین ارتباط انسان از نگاه هنر با ماور الطبیعه است، در باره اینکه چگونه انسان او لیه متوجه این شد که به نقاشیهای خود و تاثیرات جادوی بدهد. و نظریه مختلفی درینمورد موجود می باشد. پرو فیسور ایچ، دپلیو، جانسن استاد هنرهای زیبا در بوختون نیو یورک و نویسنده کتاب افسانه نقاشی عقیده دارد، که انسان اولیه همین احساسی را که در مقابل موجود زنده میداشته در برابر تصویر آن نیز حفظ کرده است. و از نگاه روانی هنوز قادر به تفکیک احساس خود، درینمورد خاص نبوده است. برقرار نظریه پرو فیسور جانسن تفکیک کار ساده نیست و حتی در جوامع امروزی نیز حوادثی نظیر آن بچشم می خورد بطور مثال بسیار واقع شده در موضوعات عشقی احساساتی، که از روی نفرت و یا حسادت بسرو یار ختر جوانی تصویر کسی را که دیگر دوست ندارد پاره کند، بسوزاند و یا بدور بی افکندش. در حالیکه

گردد. پدیده ای که هنر مند بو جود، می آورد بریک رابطه دو جانبه استوار است، رابطه بین آنچه در اطراف او قرار دارد با آنچه در درو نشی، انگیخته شده و آنچه در مخیله، اوست.

خاصیت عمد ه ای که درین نقاشی ها به چشم می خورد اختلالات احساسی های متفاوتی چون خشم، نفرت و حتی دلچسپی برین حیوانات میباشد که بر ریالیزم قوی نقاشی آن بکار رفته سایه افکنده است، این انگیزه های متفاوت اساساتی را برای منظور، واحداث مختلف نقاشی حیوانات در دوره دوم سنگ تشکیل داد.

باسباس نظریه اکثر محققین، انسان های اولیه کوشیده اند تا از تاثیرات جادوی سحر انگیز این نقاشی ها برای تسهیل در مورد شکار این حیوانات استفاده کنند، چه گمان میرود که انسان او لیه فکرمی کرده است که نقاشی هاتاثیرات سحر انگیزی داره و از آنان باید استفاده

طبیعت را خوب آموخت باید مجادله کرد نازنده ماند و این خاصیت در هنر انسان اولیه با قدرت هر چه تمامتر هویدا است، چه تمام نقاشی های مکتشفه ایندوره یک موزه، دارد و آنها هم شکار حیواناتی چون آهو، گوزن و عموما گاو های وحشی است. ازینجا است که ما می توانیم به یکی از اساسی ترین علل پیدایش هنر بر بخوریم، شرایط محیطی مؤلد خلاقیت هنری است و هنر مند اولین برداشت خود را، از شرایط محیطی اش می کند.

همچنان احساس افتخار و پیا لذتیکه انسان اولیه از شکار این حیوانات برده و یا تر سیکه در هنگام شکار دامنگیر وی گردیده انگیزه قوی دیگر را برای ترسیم این نقاشیها تشکیل میدهد. پس می بینیم که بر علاوه ضرورت اساسی عنصر اولی در نقاشی عنصر دیگر نیز بر آن علاوه می گردد و آن عبارت است، از خواسته های درونی و تصو رات هنر مند که بر حقیقت او لی افزوده می



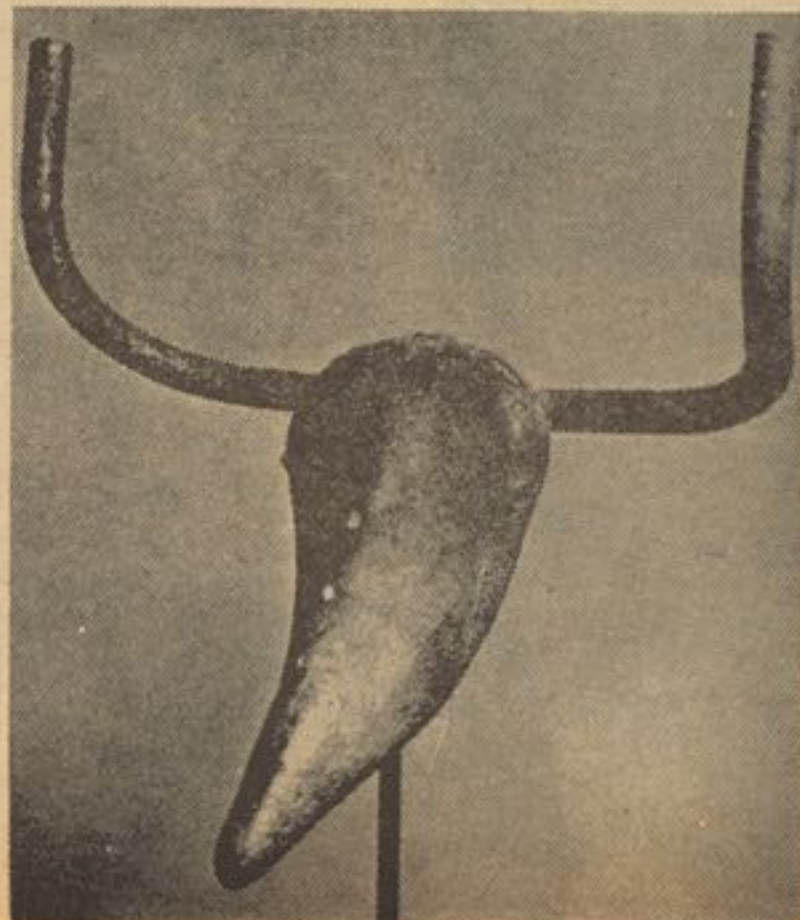
نقاشی مغاره : در حدود ۲۰۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح که در «لسکو درا دون» فرانسه کشف گردیده است. این نقاشی گله گاوها و اسب های وحشی را بایک تعداد گوزن ها در پس منظر نشان میدهد. اشکال بدون کدام انتظامی بالای هم دیگر قرار یافته اند بر علاوه یک تغییر فاحش در تنا سبات یک حیوان نظر به حیوان دیگر دیده میشود. بزرگترین حیوان ترسیم شده به اندازه یک حیوان حقیقی است.

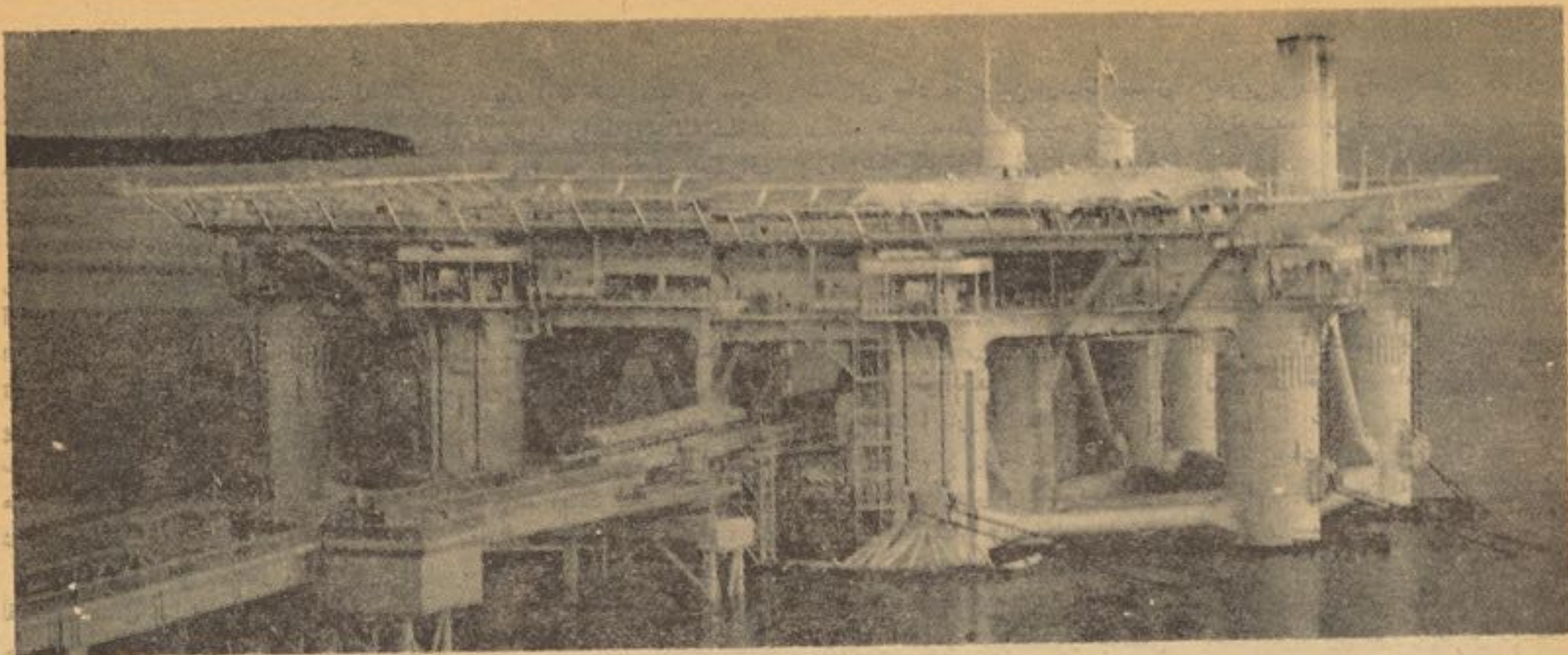
گاو بکه پشتش را می لیسند: این اثر از قصبه «لامادلین» نزدیک «الی ایزیس» درون فرانسه بدست آمده که قدمت آن از ۱۵۰۰۰ الی ۱۰۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح تخمین گردیده و در موزیم ملی باستانی سنت ژرمن (فرا نسه) محفوظ است این اثر که از شاخ حکاکی شده و طول آن به چار انچ میرسد شاید توسط چاقو و یا تیغ تراش شده باشد و بیانگر وقت هنر مندما قبل تاریخ در بیکر تراشی است.



سر تر گاو : اثر بابلو بیکا سو ۱۹۳۸:

بابلو بیکا سو نقاش مبتکر عصر ماشین بعد از وقت در نقاشی های ماقبل تاریخ و نقاشی های جوامع بدری میلانی پیدا کرد تا از هنر «بر میتیف» الهام گیرد و این اثر را از هندل و زین بایسکل در سال ۱۹۳۸ بوجود آورد.





این بنای عظیم بحری اکوا پولیز نام داشته که در ساحه (۴۰) کیلومتر در یکی از بجا بان بامخارج بیش از یک میلیارد دلار بود سیله کیلو تاکی اعمار گردیده

زندگی انسان در دل اقیانوس ها و زیر ابحار

بشر متمدن امروز در صد اعمار شهر های زیر آب است



حیوانات بحری به ذرایع مختلف رام میشوند

نامه نگاران جهانی گفت: این بنادر جاپان در چنان يك موفقیت بحری انتخاب گردیده که دورونوا حی آن بحر های بی شمار و بزرگی دیگر نیز قرار دارد طبعاً وقتی بنای عظیمی در سطح بحر ساخته میشود آب آن وفور نموده و به ارتفاعات چندین متر در روی زمین جریان پیدا میکند

ابتدا برای بشر تسخیر ماه و سایر کرات سماوی مشکل شده سرانجام بشر با فراست خسار ق العاده خویش توانست فضا را تحت تسخیر خود بیاورد. اکنون بشر در صدد آنست تا شهر های زیر آب آباد کند و همه وسایل و ضروریات خود را تماما از میان آب تهیه نماید. اینک بشر تاجه حد به این اقدام خود موفق خواهد شد مریبو طبعه زمان آینده است.

ورفت و آمد های قایقرا نان و دریا نوردان است که با شنیده زیر آب هرگز احساسی دلتنگی و خستگی نمیکند. فلپنا کمتر انسانی میتواند در فکر زندگی در بحر باشد.

در گر داکرد این بناغوا صان و دریانور دان عبور مینماید بداخل شیشه خانه ها اشاره میدهند. ماهیان، نهنگ ها و دلفین های بحر از مستقر شدن انسانها در بحر سخت در شکر فوجیرت بوده و زندگی خود را در خطر می یابند. بنظر «تاناگا» ثروتمند جاپانی و مالک این قصر بحری این امکان در انسانها موجود است که برای ادامه حیات و امرار معشیت زندگانی خود خانه های تحت البحری ساخته

«تاناگا» مرد جاپانی ثروتمند بالاخره خواهنه و اندیشه های دوران کودکی اش را بحقیقت پیوند داد. اکنون تاناگا روز های تعطیلیش را با فامیلش بکجا در خانه های شیشه ای بزرگی که در سطح بحر در جاپان درست نموده میکند. این خانه در روی سطح بحر بنا و وسایلی که در مقابل آب برای مقاومت خواهد داشت طوری ساخته شده که کشتی های مخصوص و اتوماتیک اشخاص را بیکه را مست دره گاراج، آنجا راهنمای میکنند و همه وسایل خوراک و سایر ضروریات مورد ضرورت روز مره از بین بحر بوسیله کشتی مذکور تهیه و نذاریک میشود.

در ساختن خانه سالون این بنای زیر آب (۳۵۰) تن شیشه بکار رفته و تقریباً (۴۰) کیلو متر مربع بزرگی داشته و دارای پنجره های متعددی میباشد. ساختمان پنجره ها طوری تنظیم گردیده که چشم انداز آن موجودات قشنگ بحری



اتاق سالون «اکوپولیز» اتاقست مجهز با مدرنترین مو بل و فر نیچر که مخصوص سالونهای بحری ساخته شده

ووقتی تعداد این بناء ها زیاد شود آب ابحار بتدریج بلند آمده بحر ها را بهم پیوند میدهد و بشر آنوقت بس از الحاق ابحار که بدون شک چنین روزی فرا رسیده است برای تهیه وسایل زندگی خود از طیاره ها و کشتی های بزرگ بحری استفاده خواهد کرد .

— با اساس نقشه کیکو تا کسی معمار جاپانی فارم های بحری کلینیک ها، شفا خانه ها و غیره بحر بنای اکوپولیز بوده و به اساس بلان مطروحه بایست همه خود را که هائز بحر تهیه شود .

— «اکوا پولیز» اوکیناوا امروز منحیت یک نمونۀ برجسته و قعیتی را در بحر برای انسان تعیین کرده ولی اگر نقشه کیکو تاکی تعقیب گردد تا پنجاه سال دیگر بشر می تواند برای بقای حیاتش بسوی ابحار نیز روی بیاورد .

— جزیره اوکیناوا در طول قرون شاهد ماجرا هایی بس عظیمی بوده ابتدا آنجا یک جزیره بزرگی بود که همواره میدان جنگهای خونین قرار داده میشد، این جزیره را امریکا بیها بالاخره بجایانی ها تسلیم دادند اما امروز در مقابل این جزیره اولین مهد تمدن بحری بوسیله انسان ها اساس گذاشته میشود و او لین بنای بحری بنام اکسیو (۷۵) افتتاح

میشود که با مخارج بیش یک میلیارد دلار بنا شده است .

— فاصله اوکیناوا تا توکیو دو ساعت را دربر میگیرد، چهل متر از ساحل اوکیناوا به باغ بزرگی تبدیل گردیده که خیلی ها شاعرانه و مطلوب بنظر می آید، سطح باغ همه از سنگهای مرجان هموار شده

این نوع با آبشار های بلندی مجهز گردیده است و گلها و نباتات ساحل بحر ارزش بنا بی اکوا پولیز را دوچندان ساخته است .

جایانی ها میگویند اکوا پولیز را منحیت مرکز و هسته قبول می نمائیم زیرا تعداد کثرت نفوس بشر رو به تزاید است و عاقبت روزی بشر با ما هم عقیده و هم مفکوره خواهد شد تا خارج از برج های دیگری را سراغ نیاید آنوقت ناگزیر بسوی بحر روی خواهد آورد تا هم زندگیش تا مین شود و هم وسایل خوراک و پوشاکش را از بحر تهیه کرده باشد . پس چرا از همین حالا بحر را بکار نیندیم زیرا طبیعت بزودی با انسان خومیگیرد و در انسان نفوذ میکند برای فعلی در نزدیکی این بنا چندین حوض ها بزرگ ساخته شده و غواصان در هر کجایی از بحر وقتی به خرچنگ ها، صدف ها و سایر موجودات بحری میرسند .

آنها را بانظر داشت نو میت آن در حوض های مخصوص جمع می کنند تا بعد از مورد طرز استفاده از آنها تصامیمی اتخاذ نمایند چنانچه تا اکنون در یکی از این حوض های جدید هزار ماهی مختلف را جمع کرده اند . در بعضی از حوضها حیوانات کاملاً عجیبی که دارای پنجه ها و شاخه های متعدد میباشند آورده اند



شاخه های نباتات و حیوانات بحری وسیع است و جو داتی چون ستاره های بحری، هزار پا های برقی و دلفین ها بیشتر توجه بشر را بسوی بحر معطوف داشته . طبیعت فطرتاً بزودی با انسان دوست می شود مخصوصاً ابحار که منابع سرشاری برای تغذیه دارند . بشر از فضا یک کیلو غذا هم یافته است توانست به همین مقیاس در مهتاب و سایر سیارات باور نمیشود که مواد اولیه انسان آنجا پیدا شود . پس چرا انسان غافل مانده و ابحار را که (۷۰) فیصد سطح زمین را احتوا میکند در تحت تسخیر و سلطه خود نیاورد و انکشافش ندهد ، در دل اقیانوس ها چرا الیش ممکن



چشم انداز باشندگان بنای بحری موجودات کاملاً عجیب و تماشایی بحری است .



دانشگاههای پولیس

از لابلای دوسیه‌های جنایی تاریخ

معاشرت، بر خور دار بوده همه مردم او را محبوب و دوست میداشتند و خانم پسر نیز که در خانواده شریف تربیت شده بود از همه مزایای انسانیت و اخلاق نیکو بهره مند بود و او نیز با شوهرش دران دستگاہ مصروف کار میکردید .

رفته رفته مادر از وضع زندگی پسرش با خانم خود نا راضی گردید و سخن بجایی رسید که مادری پوستانه میخواست آنها منزل وی را ترک گویند و دیگر با او زندگی نداشته باشند و این مادر با مشروبات الکلی وقت خود را خوش میگذرانید و چون زیاد مشروب صرف میکرد ، اکثر اوقاتش با اعصاب نا آرام و وضع غیر عادی بسر میرفت ، ازینرو هر نوع قحش و ناسزا و سخنان توهین آمیز بر پسر و خانمش نثار میکرد ، دوام این وضع محیط خانه را در نظر خانم پسرش چون دو زخی ساخته بود او دیگر از ادامه وضع زندگی راضی نبود و بالاخره روزی به قصد خانه پدرش منزل را ترک گفت و تصمیم گرفت که دیگر باز نرود اما شوهرش در اثر اصرار و تقاضای مکرر خویش دو باره خانمش را بخانه آورد ولی مادرش از بازگشت عروسش نا راحت گردید و رفتار خویش را سخت تر و شدیدتر از گذشته در برابر ایشان آغاز کرد .

درین وقت ، دیگر مادر باندازه‌ای با مشروبات الکلی سرگرم است که تمام او قاتش در حالات غیر عادی بسر میرفت ، در یکی از روزها به پسرش اخطار کرد که اگر در ظرف چند ساعت منزل و خانه او را برای دایم با خانمش ترک نکوید موضوع را بمراجع قانونی و با محاکم را جمع خواهد ساخت ، هنوز که ساعات معین بسر نرسیده بود پسر هنگام شب وارد اطاق مادرش میشود، ولی خلاف عادت مادرش را دریک حالت

ازین نوع اجراءات جزایی در روزگار قبل ز انقلاب فرانسه که در اثر این قضیه فیلسوف بزرگ فرانسه «ولتر» بعنوان مبارزه برضد مفاسد قانونی و برضد فقدان عدالت در قانون جزایی قیام همه جانبه و وسیعی نمود وقوع این قضیه یکی از عوامل بزرگی بود که پیشا هنگام انقلاب فرانسه را بعد ها و دار ساخت تا به الفسای قسمت زیادی از نظام های جزایی آن وقت ، مبادرت ورزند و قانون دیگری بنام قانون جزا در سال ۱۷۹۱ به منصفه اجرا قرار بدهند ، قانونیکه مبادی انسانیت در سراسر آن بطور بارز بمشا هده میرسید .

این قانون جزا بحیث قانون ضد طغیان و خود خواهی های حکام عرض وجود نمود و روش های تعدیب و فشار و جزا های دایمی و مستمر را ملغی وانمود کرد و حریت فرد و احترام به ارزش های انسانی را در آن مؤکد ساخت .

ماجرای :

حوادث این ماجرا در شهر «سان اومیر» واقع در شمال فرانسه جنوبی در تابستان سال ۱۷۷۰ رخ داده است . در یکی از منازل قسمت بالای دور ترین نقاط شهر خانواده‌ای بنام خانواده « مونیایی » زیست داشت ، این خانواده مرکب بود از مادری ۶۴ ساله و پسری ۲۸ ساله و عروس جوان و یک طفل کوچکش . این فامیل از محصول دستگاہ دخانیاتی که از مادر فامیل بوده و در دست پسرش اداره میشد ، بخوبی امرار معیشت میکرد و از مدرک واردات آن زندگی آرامی داشت که حتی بسیاری از اشیا و چیز های کار آمد را به قسم پس انداز و ذخیره نگهداری مینمود . در عین زمان مادر جبین گرفته و خوبی خشن و درشتی داشت و بر خلاف پسرش و سایر اعضای فامیل از جبین گشاده و خلق خوش و حسن

قساوت و حشمت باری ، جاری میکردید و جزای اعدام مرگ نیز به شکل فجیعانه و با عذاب های گوناگون عملی میشد . از مشهور ترین مجازات بدنی و جسمی که با اساس حقوق جزایی پیش از انقلاب فرانسه معمول و مورد تطبیق بود عبارت است (از قطع کردن زبان با کارد ، بریدن سر از تن بریدن بند دست ، سوراخ کردن زبان با آهن داغ و سوزنده ، نواختن زیاد با قمچین و شلاق ، در آتشس انداختن و امثال اینها) .

در قرن هجده متفکرین و فلاسفه ، چون این وضع را ضد حیثیت و ارزش انسانی یافتند بایک قیام فکری ، این نوع شیوه اسبندادی را مورد انتقاد قرار دادند و سیاست جزایی قابل تطبیق وقت را طرف تهاجم گرفتند و مطالبه نمودند تا مبادی انسانیت در قانون جزایی آنها گنجائیده شده و بدین ترتیب ، نظام قضایی موجوده را اصلاح نمایند و نیز مطالبه کردند تا جزا های بدنی و جسمی و همه انواع عذاب و شکنجه ، ملغی قرار داده شود .

این قیام فکری دانشمندان ، اثر مهمی بجا گذاشت تا آنجا که حرکتی بزرگ و وسیع انسانی در تاریخ قانون جزایی آن وقت فرانسه بدنبال ایشان عرض وجود کرد و خواهان آن شد تا تغییر جذری و اساسی در اوضاع قضایی و نا گواری های ناشی از طرز اجراءات قضایی ، به وجود آورده شود و مبادی انسانیت در سراسر حکم های قانونی جاگزین گردد و « ولتر » شخصیت بزرگ علمی فرانسه از آن جمله کسانی بشمار میرود که از وضع موجوده اجراءات قضایی آن وقت سخت انتقاد میکرد و عدم رضایت خویش را اظهار میداشت .

چند سطر بعد قضیه‌ای را از نظر میگذرنیم که خودشاهد خوبی است

قبل از آغاز انقلاب فرانسه ، قانون جزایی آنجا بایک روحیه افراط و قسارت ، در محل تنفیذ و تطبیق قرار داده میشد ، و این طرز اجرای قانونی در زمینه حقوق جزایی ناشی از آن بود که فکر میکردند هر اندازه که مجازات در قساوت و تختی ، اجرا گردد ، بهمان اندازه در تکرار جرایم تأثیر وارد نموده ساحة ارتکابات جرمی را محدود میسازد و یا جرم را از میان می برد .

زیرا وقتی مردم اینگونه مجازات را در مورد یکی مشاهده کنند دیگر جرئت نخواهند کرد تا به ارتکاب جرم مبادرت ورزند ، چه ایشان میدانند که در آنصورت عین جزا در مورد آنها تطبیق خواهد گردید . در حقیقت قانون جزا در آن روزگار در میان ایشان دو هدف عمده و مهم را مورد نظر قرار میداد : نخست آنکه بانفاذ مجازات بالای مجرم او را به کیفر و جزای عملش میرساند و دوم اینکه با اجرای اینکار رعب وهراسی در دیگران می افکند تا با ملاحظه نحوه جزا ز ارتکاب جرم جدا خود داری و اجتناب نمایند و طبعاً وقتی این ما مول بر آورده شود دیگر اعمال و ارتکاب جرمی از میان اجتماع رخت خواهد بست .

یکی از فلاسفه فرانسه بنام «منتجی» ازین طرز تفکر چنین تعبیر مینماید : « آنچه عدالت از ورای اجرای مجازات در نظر میگیرد ، عبارت از هشدار و بر حذر داشتن دیگران از ارتکاب جرم است . پس قانون با اجرای جزا بر شخص مجرم ، تنها او را در نظر نمیگیرد بلکه هدف عمده و مهم آن ، عبارت از اصلاح دیگران از طریق ارائه جزا های پر مشقت و طاقت فرسا میباشد . »

روی همین طرز تفکر و به اساس این نحوه بندار ، جزا ها بطور اغلب جزای بدنی و جسمی بوده و بسا

طبیعی و عادی می یابد، با او می خندد و با لطف و مهربانی حرف میزند و چندی بعد که خانم پسرش نیز وارد میشود با وی هم باقیافه کاملاً جدید و چهره خندان و گیسو پیش می آید و در پایان صحبت او را تنها میگذارد تا بخواب رود و خود شان نیز باطاق خویش بر میگردند. فردای آن شب باز وضع غیر عادی بظهور میرسد زیرا مادر بر خلاف همیشه دروازه اطاقش هنوز بسته و سرو صدایی و جود ندارد پسرش دروازه را می گشاید و به صحنه عجیبی مقابل میشود، زیرا می بیند مادرش بگوشه ای افتاده و جراحات عمیقی در رخسار پیش بر داشته و آماس نیز در ناحیه سرش نمایان است و بحدی خون در روی خانه باشان است که جای برای پا ماندن باقی نیست.

خانم پسر نیز وارد صحنه گردید و در دنیای حیرت و دهشت فرورفت، بهر طرف صدا زدند مردم محل گرد آمدند و ضمناً دکوری حاضر گردید و تحقیق نمود و در نتیجه ثابت شد که او زندگی را پدرود گفته است، ولی پسر بیوسته اصرار داشت در مورد مرگ وی تحقیق بیشتر صورت گیرد و بالاخره در پایان نظر دکور باثبات رسید که مرگ او در اثر سکته قلبی صورت گرفته است و چون در اثر سکته بزمین سقوط کرده بی اختیار سرش بر صندوق اصابت کرده و جراحات و آماس بر داشته است. بدین ترتیب مردم همه منزل را ترک گفتند و رفتند... و اما پسر آن زن با خانمش در مورد چگونگی واقعه صحبت کردند و تبصره نمودند و در نهایت باین فکر رسیدند که در اثر خوردن مشروب زیاد او حالت عادی خود را از دست داده و این واقعه صورت گرفته است، او را دفن کردند و چندی گذشت که این موضوع بر سر زبان ها جا گرفت و تبصره هایی مختلف در باره بعمل آمد و حتی برخی سبب مرگ او را پسرش و همسر او وانمود کردند، زیرا مادرش او را مجبور ساخته بود خانه او را ترک بگوید و پسر بمنظور بدست آوردن میراث و دارایی زیاد دست باین عمل زده است.

رفته رفته این آوازه به محیط محکمه و مراجع قانونی رسید و مسئولین امور محاکم هرچه زودترین زن و شوهر را جلب و بازداشت کردند.

تحقیق آغاز یافت و عده از اطبا نیز حاضر ساخته شدند تا در باره علت مرگ و چگونگی قضیه روشنی بیندازند. طبق نظریه اطبا، جسد مرده از قبر بیرون آورده شد و تحت تحقیق ایشان قرار گرفت در نتیجه آثاری از صدمه در بازوی آن بمشاهده رسید و مقداری خون بسته نیز در زیر جلد روی او کشف گردید و همچنان برخی از جراحات در قسمت های دیگر بدن در نظر ایشان آمد، از آنرو نظریه اطبا باین قرار گرفت که حتما در وقوع این حادثه از آلات جارحه از قبیل کارد و غیره کارگرفته شده است.

این اطبا علاوه کردند که این اندازه جراحات و صدمه برای مرگ آن زن کافی نیست و حتما خونریزی زیادی بوقوع پیوسته و سبب علاک وی گردیده است و از طرف دیگر از بارز ترین دلایلی که دست داشتن این پسر و همسرش را درین واقعه قتل باثبات میرساند، خطاری است که مادرش قبل از مرگ به ایشان داده بود تا بزودی خانه او را ترک

بگویند و دیگر باوی زندگی نداشته باشند. این زن و مرد، بدفاع از خویش آغاز کردند و گفتند که در هیچ وقت و در هیچ حالتی و حتی در مواقعی هم که او با خشونت و مخالفت با ایشان پیش آمد داشت، کدام رفتار نا مناسبی در برابرش نداشته اند و همواره از احترام و بزرگداشت آنها برخوردار بوده، پس چه دلیلی در میان خواهد بود که ایشان باین اقدام دست میزدند، درحالیکه درین اواخر او از روش قبلی اش در برابر آنها صرف نظر کرده و از درسازش و خوشبینی پیش می آمد؟

زن و همسرش بدون اندک تفاوت وضد و نقیض گویی بیک سویه و یک منطق دلایلی برای اثبات برائت خویش، ارائه کردند و در عین زمان مردم شهر (سان اومیر) بطور عام در بیرون محوطه محکمه خواهان اعدام این زن و شوهر بودند و این شوهر که قبلاً در اثر داشتن اخلاق و روش نیک خود در میان اهالی آنجا محبوبیت کامل داشت و همه در هر موقع او را گرامی میداشتند، اکنون

هیچ يك از ایشان طرفدار وی نبوده و همه بصورت دشمن مشتري اعدام او را در جزای این عملش مطالبه مینمایند. محکمه این اندازه را کافی ندید و خواست تا موضوع در حدود وسیعی مورد تحقیق و بر رسی قرار داده شود از آنرو فیصله شد تا قضیه در خلال یکسال بررسی شده و آن زن و شوهرش در آن مدت در زندان بمانند، لیکن نائب عمومی با این نظر محکمه قناعت نکرده و خواست موضوع به محکمه استیناف رجعت داده شود، بنا بران این دو متهم به محل استیناف نقل داده شدند.

محکمه استیناف پس از نظر اندازی در دوسیه قرار محکمه ابتدایی رادر مورد دوام تحقیق فسخ نمود و دلایل موجود را در اتهام قاتل کافسی دانست و حکم کژد تا در مورد پسر آن زن نخست به سوالات عادی و استثنایی پرداخته و سپس به اعدام وی اقدام نمایند، سوال عادی و استثنایی عبارت از آن نوع تحقیقی بود که آمیخته با جبر و عذاب های بقیه در صفحه ۴۵



توليدات خود بوجود بياورند ووسايط مذکور راطوري بسازندکه انرژی کمتر ضرورت داشته باشد وموجب تشديد آلودگی محیط زیست نگردد .

يك دانشمند كانادایی بنام هيومان برس بلانی راطرح کرده که باساس آن بااحداث يك تونل می توان بعداز يكساعت از لندن به نیویارک رسید. وی راعقیده بر اینست که بامصرف ۱۵۰ میلیون مارک آلمانی بطول ۶۰۰۰ کیلومتر و ۱۲۰ متر زیرآب اتلانتیک می توان دريك ساعت ۲۰۰ نفر راز اروپای غرب به سواحل شرقی امریکا پیاده کرد .

شرکت دولتی ریل آلمان درصددانست که تا سال ۱۹۸۵ بامصرف ۱۲ میلیارد مارک خطوط جدیدریل رااحداث نمایند که در يك ساعت ۳۰۰ کیلومتر فاصله راطی نماید . همچنان همین اکنون دانشمندان، کمپنی های وسایط نقلیه درصدد آندن تاریل را بوسیله مگنیت برقی درفضا بحرکت بياورند که سرعت فی ساعت ۴۰۰ کیلومتر باشد ولاری هایی را تولید نمایند که بدون دريور بحرکت آیند. درنواحی شهر هاگ سیستم کابین تاکسی (سی-آی-تی) تاسیس می گردد که دومتر از زمین بلند بوده وبوسیله کمپوتر کلیه اجراءات آن تنظیم می یابد. این سیستم جدید نقلیه توسط اهل فن کنسرن دیماگ و کمپنی طیاره

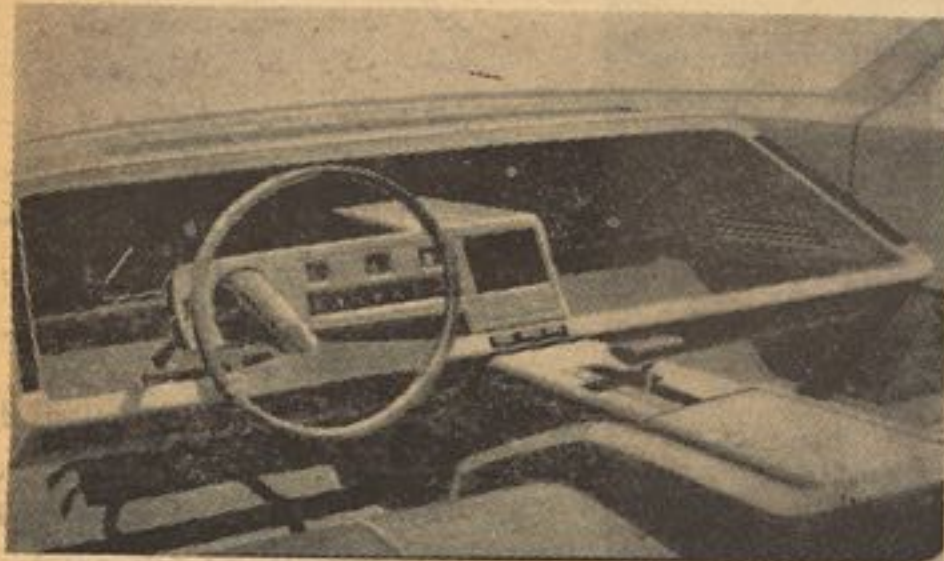


این شهر شتوتگارت آلمان است که ازدیاد نفوس و ترافیک رانشان میدهد

حبیب الله حبیب فرهمند

آینده انقلاب

وسایط مواصلاتی

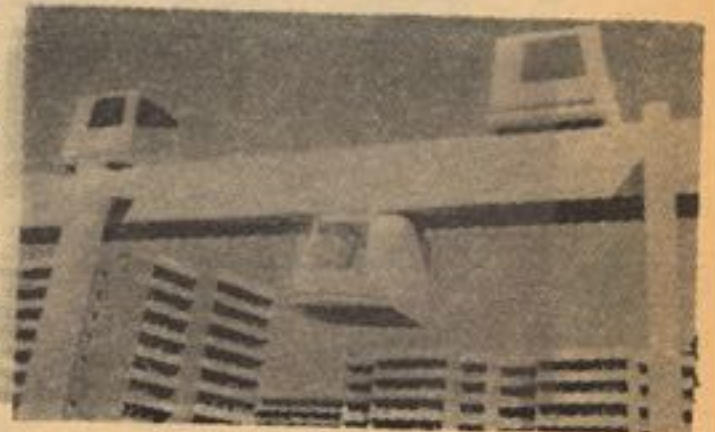


موترهائیکه باکمپوتر بسته ورهبری میگردد



وسيله مواصلاتی در جنگ اول جهانی درشهر برلین

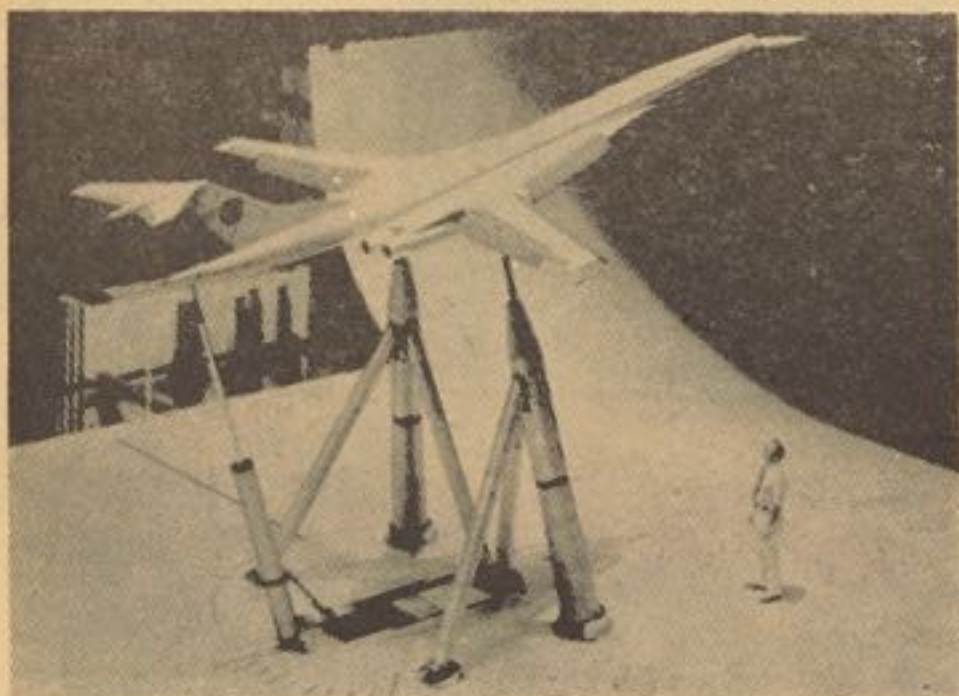
شهر، همواره قلب تپنده جوامع انسانی، قلب فعالیت های مادی ومعنوی ونمودارسطح تمدن يك ملت بوده است . انقلاب صنعتی قرن ۱۹ نخستین انقلاب شهری را بوجود آورد وشهرها بطور سریع وناگهانی، صاحب نفوسی روزافزون شدند ودامنه وسایل ارتباطی اش نیز گسترش یافت . انقلاب صنعتی والکتریکی بمرور زمان مراکز صنعتی را بادل مناطق مواد اولیه وصل نمود وآهسته آهسته تولیدوسایل مواصلاتی ووسایط نقلیه رول بس ارزنده را در اقتصاد دول صنعتی، تشکیل نمود. امروز شهر، همواره قلب تپنده جوامع انسانی، قلب فعالیت های مادی ومعنوی ونمودارسطح تمدن يك ملت بوده است . انقلاب صنعتی قرن ۱۹ نخستین انقلاب شهری را بوجود آورد وشهرها بطور سریع وناگهانی، صاحب نفوسی روزافزون شدند ودامنه وسایل ارتباطی اش نیز گسترش یافت . انقلاب صنعتی والکتریکی بمرور زمان مراکز صنعتی را بادل مناطق مواد اولیه وصل نمود وآهسته آهسته تولیدوسایل مواصلاتی ووسایط نقلیه رول بس ارزنده را در اقتصاد دول صنعتی، تشکیل نمود. امروز



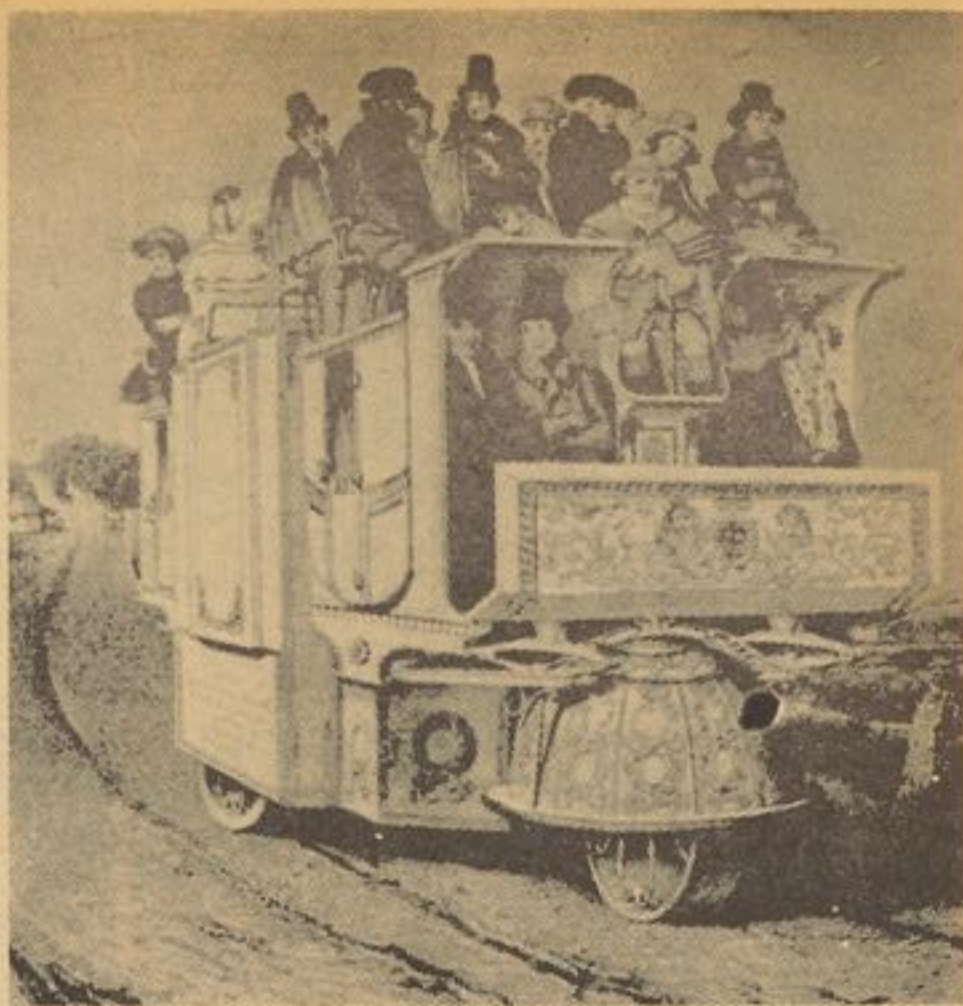
سیستم کابین تاکسی «کان» صفحه ۲۰



بوستکارت قرن ۱۹ که وسیله نقلیه و عنعنات آن وقت را نشان میدهد



آزمایش برای ساختمان طیارات آینده با سرعت ۶۵۰۰ کیلو متر در یک ساعت.



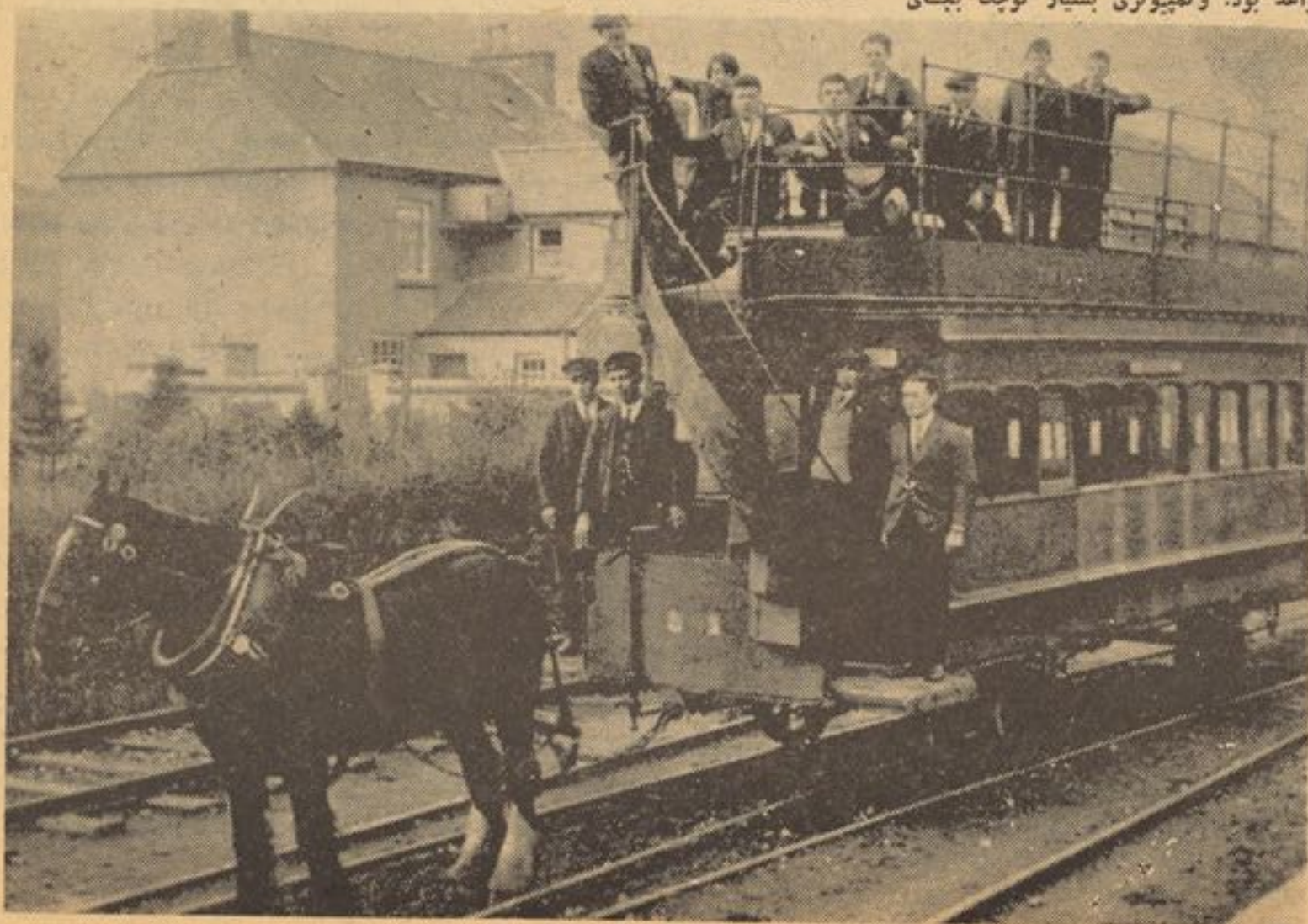
در سال ۱۸۳۳ موتوری که بقوه بخار حرکت کرد با ۴۴ نفر از لندن به بیرمنگم با سرعت ۶۵ کیلومتر در یک ساعت به حرکت پرداخت



در اطریش اولین خط آهن توسط اسپ کش میگردید.

مغز آن کار خواهد کرد. آزمایشگاه نیروی جت و انستیتوت تکنالوژی کالیفورنیا در سن راه تلاش دارند تا در آینده گاو ش سیرا دور دستی چون مرغ رابه آن سیرد . اگرچه کارها و امور آزمایشی در تمام زمینه های برقی کردن از بخار گاز طبیعی به الکتریسته تاکنون صد درصد پیاده نشده ، اما تحقیقات مطالعات جریان دارد و می توان گفت که در سال ۲۰۰۰ انقلاب عظیمی در دستکورت و وسایط نقلیه درجهان پدیدار خواهد گشت و سیستم کنونی ترافیک درجهان دگرگون خواهد گردید .

سازی ام بی بی کمک می گردد. در جامعه صنعتی غرب بنا بر موجودیت نظام پیچیده رفت و آمد، از وسایط نقلیه زیرزمینی نیز استفاده می گردد که مصارف زیاد و وقت کافی برای ساختمان آن ضرورت است . امروز بیشتر توجه به سیستم (زیمی مترو) که یک قسمت روی زمین و بعدا زیر زمین را احتسوا می کند، گردیده است . امروز در زمره صنعت ریل، ریل های سریع السیر نیز در حرکت اند که بکمترین وقت اشخاص و امته را انتقال داده می توانند .



گفته میشود که در سال ۲۰۲۵ عیسوی میدان هوایی پاریس شاهد طیارات گول پیکری خواهد بود که سرعت پرواز آن شش مرتبه بیشتر از طیارات امروزی می باشد . دانشمندان راعقیده بر آنست که سرعت طیارات مذکور در یک ساعت ۶۵۰۰ کیلومتر خواهد بود و ۳۵۰ مسافر را از پاریس بعد از سه ساعت به لاس آنجلس پیاده می کند .

دره ۲۵ سال آینده، شکل و ماهیت مونسر امروزی بکلی دگرگون خواهد گردید و کمپیوتر (ماشین متفکر) عمل تفکر را بوسیله پلانسی انجام خواهد داد .

سازمان فضایی امریکا (ناسا) در راه ساختن

کمیدی



«هستم و میباشم»

کمیدی (هستم، میباشم) اثر نمایشنامه نویسان مشهور فرانسه، ر. ونسی و ژ. والمی از طرف مرکز کلتوری فرانسه در کابل روی ستیژ ادتوریم لیسه عالی استقلال به معرض نمایش قرار گرفت.

این نمایش که در سه پرده تهیه شده، برای سه شب از طرف لیسه استقلال نمایش داده شد.

این کمیدی در حدود بیست سال قبل در شهر پاریس به رشته تحریر درآمده و درین اواخر در تلویزیون فرانسه نمایش داده شده، که مورد توجه و علاقمندی یکمده زیاد از هنر دوستان واقع گردیده است.

یک منبع مرکز کلتوری فرانسه ضمن اظهار مطالب فوق به نامه نگار ژونون گفت: این نمایش به سلسله نمایشاتی است که از طرف این اداره ترتیب و روی ستیژ آمده. چندی قبل دودرام یکی (توپاز) و دیگری (طیب اجباری) به همکاری متعلمین و معلمین لیسه استقلال و همکاران مرکز کلتوری فرانسه نمایش داده شده که توجه زیاد علاقمندان را جلب نمود.

درین کمیدی که به زبان فرانسوی است هشت تن از معلمین و همکاران مرکز کلتوری فرانسه نقش هایی به عهده دارند و تمرین و مشق آنان تقریباً دو ماه رادبر گرفته است.

منبع افزود: احداکثر میکوشیم تا نمایشات دلچسپ و مفید را برگزار نماییم تا همه علاقمندان اعم از متعلمین و معلمین لیسه استقلال، معلمین مرکز کلتوری فرانسه، فرانسویان مقیم افغانستان و همه افغانانی که به زبان فرانسوی بلدیت دارند، از آن استفاده برند و مانا جاییکه سروی نموده ایم. همه دوستان را هنر با علاقمندی خاصی نمایشات مارا تعقیب و مارا تشویق مینمایند.

موضوع نمایش در قصری در جنوب فرانسه میگردد. در آنجا منتظر شخصیت براننده چون کاردینال دوترامون هستند که وی جهت توقف مختصری به آنجا میاید. (کاردینال ها مربوط به طبقه روحانیون بودند که بعد از پاپ بلندترین مقام در روحانیت میباشند. کاردینال هامشاورین و وزیرای پاپ هستند. آنها از تاریخ ۱۱۷۹ که پاپ اینوسانت سوم را انتخاب نمودند، تا امروز تمام پاپ ها را انتخاب مینمایند. کاردینال اول از بین اسقف ها انتخاب میشوند، بعداً توسط پاپ هابه و قلیفه کار دینالی تعیین میگردد. در سال ۱۹۷۳ تعداد کار دینال ها در فرانسه به ۱۴۵ نفر میرسید. کاردینال دوترامون که در نمایشنامه (هستم، میباشم) عرض وجود مینماید، شخصیت برجسته و براننده ایست که همه به به او احترام خاصی دارند و از سخنانش سر پیچی نمیکند.

لباس کار دینال رایک قبای سرخ بایک کلاه سرخ نسبتاً کوچک که در تالاق سر جا داده میشود تشکیل میدهد.

همین کلاه سرخ کاردینالی است که کنتس آرزوی بدست آوردن آنرا برای خواهر زاده خود، برادر هوبرت، در نظر دارد. همین ماجرا هست که نمایشنامه رادلچسپ تر ساخته و بیننده را منتظر واقعه بعدی که به فوق می پیوندد میسازد.

کنتس خانمی است نسبتاً خشن و بانضباط در قصر مجلی زندگی دارد و همیشه به نوکران خود اوامر ضد و نقیض صادر میکند. نوکرانش در تردد میمانند که چه کنند و کدام کار و اباید اولتر انجام دهند.

کنتس سه نوکر دارد که یکی آن ژیزیل گنیز خاص وی میباشد. خواهر زاده کنتس هوبرت دل درگرو عشق ژیزیل می بندد، اما از ترس نمیتواند موضوع رابه کنتس حالی کند.

هوبرت خانمی نیز داشته که در همان اوایل عروسی یعنی ده سال قبل از قصر فرار میکند و اینان برای حفظ آبرو میگویند که خالسم هوبرت برای علاج مریضی که عاید حشالش شده در سویس میباشد.

روزی خانمی وارد قصر شده و راساً در اتاقی که هوبرت اقامت دارد داخل میشود و

خود را (انتوانت مرسیه) صاحب یکی از رستوران های بزرگ شهر پاریس معرفی می کند. اتفاقاً اسم خانم هوبرت نیز انتوانت مرسیه است.

انتوانت میگوید که میخواهد بایکی از همکاران رستوران خود عروسی کند. زمانیکه برای تهیه مقدمات عروسی به بلدی به مراجعه میکند، به او میگویند که قبلاً عروسی کرده است و شوهرش شخصی بنام هوبرت است و آدرس هوبرت را در اختیارش میگذارند. و حالا آمده است تا از موضوع پی ببرد. ضمناً اظهار میدارد که مدت قبل تذکره خود را گم کرده است.

در اینجا است که هوبرت می فهمد، زنی که همراه او بنام انتوانت مرسیه ازدواج کرده بود انتوانت تقلبی بوده و انتوانت اصلی این خانم میباشد که او از تذکره این خانم استفاده نموده است.

حالا باید اول هوبرت طلاق انتوانت اصلی که اصلاً زنش نبوده بدهد تا بعد بتواند او با مرد دلخواه خود عروسی کند.

نمایشنامه در این حصه خیلی جالب میشود و تماشاچیان در حالیکه از خنده به خود میپیچند منتظر صحنه بعدی هستند. قیافه (کلود بلانشی) یکی از همکاران مرکز کلتوری در نقش هوبرت تماشایی است.

بقیه در صفحه ۴۵



شرایط عادلانه زیست و کار

نوشته: راحله راسخ

تکنالوژی و اهمیت نقش زن در این باره با ارائه احصائیه ها و ارقام ثابت گردیده ، که زن درین ساحه نیز از مرد کمی ندارد ، تعلیم و تربیت ، فرهنگ مادی و معنوی فقط و فقط با همکاری و تساهلی حقوق زن و مرد و در جوامع عاری از تبعیض و خرافات رشد می نماید درین باره در کنفرانس صحبت مفصل صورت گرفته د لایل منطقی ارائه گردید ، خلاصه اینکه درین کنفرانس روی همه مسایلی با وسعت نظر و دید وسیع نظر اندازی شده و تبادل افکار صورت گرفت که به یقین نتایج سود مندی ببار خواهد آورد . آنچه بیشتر قابل دقت می باشد اینست که کشور های مختلفه جهان درین مبارزه ضمن پرا بلسم های بین المللی با برابلم های ملی نیز مواجه اند که برای همه کشور ها ، راه های حل و اقدامات متفوت و متغی را می رساند .

گرچه در کشور های مترقی و عاری از تناقضات و تفاوت های اجتماعی ، حقوق و امتیازات زن تامین گردیده مگر در اکثر کشور های جهان سوم این برابلم تسا هنوز وجود دارد که امید در رفع ظلم و بیعدالتی بر زنان ، از اندوخته ها و تجارت زنان پیشرو و آگاه - جوامع مترقی حد اکثر استفاده برده شود ، زیرا آنها در راه طی شده بقیه در صفحه ۴۷

بودند از قاره های آسیا ، اروپا ، امریکا ، افریقا و نمایندگان ۲۲ سازمان منطقوی و بین المللی . این کنفرانس با پیام بناغلی بریژنیف رهبر حزبی اتحاد شوروی و بیانیه اولین زن فضا نورد جهان میرمن تراشکوا از تاریخ ۱۳ تا ۱۷ اکتوبر مطابق ۲۱ الی ۲۵ میزبان ادامه یافت .

در چهره بیانیه ها و خطابه های نمایندگان زنان برابلم های محیطی و بین المللی زنان طرح شده که فشرده آن در اعلامیه نشر شده در ختم کنفرانس برجسته گردیده و توجه مبارزان نهضت زن را بخود جلب نموده است .

آنچه در قدم اول جلب توجه مینماید همبستگی بین المللی زنان و دختران است تا با پیوند های جهانی بر مشکلات فایق آیند و روابط ملی و بین المللی زنان استحکام هر چه بیشتر یابد .

نقش زنان در ایجاد شرایط زیست با همی و پایداری صلح گیتی و تخفیف تشنج یا (دیتانست) از موضوعات مهم دیگری بود که همه نمایندگان بنوبه خویش درین باره سخن گفتند .

در ساحه انکشاف ساینس و

و مهم بین المللی بشمار می آید که هیچ يك از کشور های جهان و موسسات ملی و بین المللی نمی توانند برین مسئله نه اندیشند .

به همین ارتباط ، پیوست با مبارزه عادلانه زنان در راه تساوی حقوق حقه ایشان در طول تاریخ ، صدای آزادی خواهی و عدالت پسندی زن در عقب سنگر های نبرد و پیکار ، چنان جهانیان را تکان داده که همه با اعتراف از حق تلفی در مورد زن ، سال ۱۹۷۵ را بنام زنان جهان تجلیل می نمایند و درین باره کنفرانس ها و پروگرام هایی ترتیب نموده و می نمایند و سعی و تلاشها بیگیر برای آنست تا زنان از زنجیر های حسارت نجات یابند و به حیث عضو مساوی الحقوق جا معه با مردان زندگی کنند از جمله کنفرانسهای عمده بین المللی که در شهرهای مکزیکو برلین ، واشنگتن ، بلغاریا و غیره دایر گردیده یکی هم کنفرانس منعقد ماسکو است که بشمول نماینده جمهوری افغانستان (۱۱۲) کشور در ترتیب و تنظیم این کنفرانس بین المللی شرکت ورزیده بود و نمایندگان (۱۱۲) کشور مشتمل

سیر درنگ ناپزیر و پویان پیشرفت و ترقی ، در عرصه های مختلفه زندگی اجتماعات بشری دارای چنان ممیزات و مشخصات نیست که با همه خاص بودن و مشخص بودن از نگاه شرایط زندگانی اجتماعی کشور های دور و نزدیک ، تأثیرات بین المللی را با خویش دارد ، مطلب اینکه در جهان کنونی يك سلسله مطالب مورد غور و بررسی قرار میگیرد و موضوعات دیگری در پهنای زیست انسانی مطرح میشود که در باره تصمیم و اقدامات بین المللی می تواند اثر بخش باشد و پس ، از جمله اهم مسایل جنگ و صلح ، روابط بین المللی ، مبارزه علیه استعمار و استثمار ، تبعیض نژادی و مساله اثر زنی در این سال ها در سر لوحه فعالیت های قرار گرفته که فقط فعالیت های بین المللی گره گشای مشکلات به حساب می آید که در ردیف همه پروبلم ها ، ایجاد شرایط عادلانه (زیست و کار) برای زنان با مردان نیز شامل می باشد . مسئله زن ، از جمله مسایل مبرم

خو چه خس ټول کرو

چه ختګه کلیوال وروسته تردی چه مجبور کړی شول چه له کلی څخه ووځی نود رمله خوانه یی مخ کړه. خو وروسته یالو ته را وگرځول شول، خو کله چه هغوی یالو ته نژدی رسیدلی وویوه عالیرتبه منصبدار ورته وویل چاره نشته، ستاسو کلی محکوم شویدی.

عمواس هم څه بڼه چانس نه درلود، لکه چه طالع محمد کاظم ویلی دی «دسپار به څلورنیمو بجو، اسرا- ییلی یونټونه کلی ته راغلل اسرا- ییلی فوخیان کورو ته ننوتل اوڅلک یی یو به بل بسی اړایستل چه دخوب له کالیو سره دکلی مرکز ته ولاړشی او هغوی چه خپل کورونه پر یښودل به تیره بیاسپین پیری او سپین سری او وروسته پاتی څلک، بی له خنده چارمازی شول.

بیت نوبه دریم کلی وچه دمحکومو- شویو کلیو په کتار کی راغی او په همدی توګه وران اونشت شو. دغه واقعیتونه او ډیر نور دغو سرګند- شتو ته ورته پیښی دښاغلی هایکوک له خوا چه دملګرو ملتو دکار او مرستو داداری یو انگریزی نایب رئیس دی تایید شویدی.

هغه پخپلو مشاهداتو او کتنوکی لیکي، «وروسته تر جنګی عملیا تو یالو، قلقیلیه، عمواس، بیت نوبه، بیت او، بیت مرثیه، یابه بشپړه توګه او یاد هغوی ځینی بر خسی وران اونشت شوی. هغه بیت او، او بیت- مرثیه پخپله لیدلی چه به بشپړه توګه ددنامیت به وسیله وران شول دغه دوه ستر کلی نه وو ددری سوه کورنیو به دودو کی یی په همدغه کلی کی ژوند کاوه، نوموړی قلقیلیه هم لیدلی دی چه پوستر کلی او دولس زره تنه پکی اوسیدل. پدی کلی کی کم له کمه شپیتو او او یا کورونو ته ور- خیرمه وران شوی و. دیو شمیر کلی څلک یی لیدلی چه د خپلو کلو او کو- رونو څخه آواره او شړل شویدی.

دغه څلک مجبور ووچه بی لیدی چه پوهشی چیری ځی، وڅو خپری او خپل کلی او کورونه پریردی.

ښاغلی هایکوک خبر ورکوی چه په موند اسکو پوس کی دملګرو ملتو دکار ددفتر مرکزی اداری هم دجګړی په اوږدو کی تاوانی شوی او بیا ورو- سته داسرا ییلی فوځ له خوا ونیولی شوی، دملګرو ملتو دبیرغ با وجود چه دمانی دپاسه رییده، مامورین مجبور

ووچه دخپل کار کوټی پر یی دی او دتخنیکي ښوونځی ټولګیو ته شاتګ وکړی. ددغی اداری مامورینو دخپلو اعتراضاتو سره سره ونشوه کولی چه تر یوی نیمی میاشتی لابه زیا ته موده کښی په مونت اسکو پو سس کی خپل دفترونه بیرته ونیسی. په همدی مود کی دغسه اداری لوټ شوی، ښا غلسی هایکوک تاکید کوی چه ددانی ټول ښمټی سامان، دټایپ له ماشینو څخه نیولی تر کوچ او جو کیو او هډنه پریننا تر کورو یونو لوټ شوی او غلا شوی وو. اسرائیلی فوخیان نو دغه شیان په خپلو لاری مو ترو نو نی وړی و. هایکوک پخپله هغه لاری لیدلی وی چه غلا شوی سامان یو لوټ کړی وو او جلاوه یی او کله چه مامورین بیرته خپلو دفترو نو ته راغلل سر بیره به ښا غلی هایکوک ښا غلی سا یح وا یی چه اسرا- ییلیان لیدلی و چه پاتی مالونه چه ل ښسل قلمونو څخه عبارت و، غلا شوی، هغوی بولیسو ته خبر ورکړ، خو چه غله ونیسی او پو لیسو یوازی ډبر بی اهمیت سامان له غلو څخه باخیستلی شو.

... «خو ورځی وروسته داور شلیپ: زنیولو اسرائیلیانو یوه ودانی چه، پونیم هکتار څمکه بانندی ودانه وه، بولدو زرو په وسیله ورانه کړه او دغه ودانی په داسی سیمه کښی، وشوچه ډیره زیاته انسانی ګڼه ګڼه پکښی وه. دهغی سیمی دخلکو شمیر چه ورانه شوه له پنځه سوو څخه تر دوه زرو تنو پوری وو هغوی مجبور و، چه خپله سیمه پریردی اولالهانده او نوازه شی او هغه کلی ته ولاړ شی، چه داور شلیپ به بل اړخ هیسن عبودی» کی پروت دی.

ښاغلی هایکوک وایی ... هغوی (دسیمی اوسیدو نکي) ته واځسی لوه ګړی وخت ورکړی شوی وو چه خپل کورونه پریردی نو پدی اساس هغوی ته بیخی ناممکنه وه چه دخپل کور سامان او لوټی له خانه سره یوسی.

... اسرا ییلی فوخیان په بیلو بیلو پلمو سره او پدی بله چه وسله لټوی دقتیش د عملیاتو لپاره نوموړی سیمی (لویدیخ ساحل کمپو نو ته) ولاړل هغوی د «جریش» کمپ چه پنځه شپيته زره آواره ګان پکی وو پیخی تش کړ. دجریش به کمپ کی هغه بمباری چه دی کمپ به شاو-

خوا سیمو کی وشوه، دجریشس هستو ګڼ یی تر دری ورڅو پوری به ویره او وحشت کی سا تلی وو. دایوازی هغه څو نمونی وی چه اسرا ییلی پر غلګرو له خوا سر سره شوی دی خو ورائی او پر غل لاتر اوسه په عربی سیمو کی دوام لری. دجز بیانو مفصله څیړنه د بمباری شوو سیمو، په بو لدو زرو دورانو شوو کلیو په عکله دو مره ژرامکان نه لری. خود، صلح حول قبیلی السموخ، عسبان، بیت فجار، بیت- حانون او نورو عربی سیمو ورا نی په ناپلوس، بیت اللحم الخلیل، ابریهه چنین او غزه کی د عربی سیمو ورائی کولی شی چه پیری وران کاری ثابتی کړی اودا عملیه تر اوسه پوری دوام لری او عربی سیمی ورځ په ورځ په ورائی او ترو لو محکومی دی پدی عکله سری کولی شی یارونه وکړی چه د ۱۹۶۹ کال دجو لای تر لسمی نیټی پوری اوه زره یوسل او څلویښت دهستو ګڼی کورونه چه په عربانو پوری یی اړه درلوده ورا ن شوی وو خو سره لدی هم ورا نی او نشت کول په شخصی یا عمومی دنیوی تاسیساتو پوری منحصر وو سپیڅلی اومقدس خایونه که به مسلما نا نو پوری یی اړه درلوده که به عیسویانو پوری به وحشت بارو نکي توګه وران شویدی که څه هم چه دژنیو مقاوله لیک بی له هیڅ ابهام څخه دمنذ هبی مراسمو دترسره کولو آزادی تضمین کوی خو لدی واقعیت سره سره دغسی مقدس خایونه چه د لرغونی معماری ډیر ارزښتنا که آثار دی او په ټوله نړی کی ساری نلری وران شویدی. دغه سیمی اصلا دژنیو د مقاوله لیک په خلاف چه ددغو ودانیو لپاره باید تضمین وی، ورا نی شویدی اود اسرائیلی فوخیانو او پرغلګرو یو نټو ټوله خوایی څه خیال ندی ساتل شوی اود مذ هبی ساتل شوی اود مذ هبی مراسمو آزادی هم له خلکو څخه سلب شوی ده.

ښاغلی نعمة السمعان چه د عمان دکا تولیکی کلیسا اسقف، به څرګند کتنو کی چه لیرل شوی هیات ته یی کیسه کړیده ویلی دی چه مذ هبی خایونو به تیره بیاد «سنت آن» کلیسا ته سخت تاوان پیښ شوی دی. (پدی لړکی هغه څه چه ډیر اهمیت لری هغه داقصی دجو مات سو زول دی چه صهیو نیستانو له خوا به ډیره



دول فعالانه گډون يې په دښمنيو کې نډی لرلی، هغه وسله وال قو تو نه چه خپله وسله يې پر خمکي ايښی وی، او هغوی چه ناروغی، آبی، کيدو او يا توقيف په وجه د جگړی له ډگره وتلی دی... نشی زټلی کيدی نه شخص پر وجود تیری او قتل په هر وسیله چه وی او شکنجه او یساد غړو پری کول او غور خول، منع دی، خود لویدیخی ایشیا پدی دمو- کراتیکه سیمه کی له دغو بین المللی مقالو او غر فونو سره دغسی لوبی کیری چه نمونی یې مو پ تاسو ته لیکلی، دهر ا پولیس اسقف ښا علی اگردیو دو روس پخپله دوه سیمو واجر موزیم اوبالی ذکر ی ته ولاړ

نوریا

وی لیدل چه کوری لوت شویدی په داسی هیواد کی چه خپل مری به هماغه ورخ خښوی، د سلیمان مظر مری یی دزی ورخی وساته اودغه مری دزی ورخی په باغ کی پروت وو بیانو دانکلیکانو د سراسف د مداخلی په وجه اجازه ورکړی شوه چه مری خاورو ته وسپاری.

اسرا نیلی مقاماتو د هغو کسا نود پیدا کولو لپاره هډو څه اقدام و نه کړ چه دغه جنایت یی کړی و رپورند زیاتوی دایوزی دزر گو نو نو نمو څخه یوه نمونه وه چه د عربی خلک وپرووی، او هغوی دخپلو سیمو بریسودونه ارباسی دلته پکار ده چه دژنیو دمقاله لیک هغه ماده رانقل کړو چه وایی: «هغه کسان چه هیڅ

بی رحمی اوقساوت سره وشوود- اقصی جو مات دمسلما نانو لومړی کعبه بلل کیری) د سنت آن دکلیسا لرغو نوالی دصلیبی جگړو وخت ته رسیری اودا د فلسطین یوه لرغونی ودانی وه ښاغلی نعمت السمعان وایی خو ورخی وروسته تر جگړی چه اسرا ییلیانو وغوښتل خپل ټانکونه دلرغونی ښار منځ ته بوخی، یوه سیمه په بشپړ توگه بمباری شوه او پدی توگه کلیساته پریمانه تاوان ورسید دغه کلیسا دپیا سمسو ن او جوړښت وړنده..

ښاغلی عبدالحمید السایح ده- د اردن دمذهبی چارو او اوقافو وزیر وایی چه: وروسته تراشغاله، د عمر جومات پردروازه بانندی دزی وشوی د دزی دتوپ دزی وی، اوداجومات په بشپړه توگه وړان شو. دغه دروازه په خپله یوه منحصره بفرده دروازه ده د عمر جومات یوه مناره، هم په توپ بانندی وویشته شوه دغو بمبار یود عمر اوراک جو ماتو نو ته ډیر سخت تاوان پیښی کړ. (۱۹۶۹) کال داگست په بمباریو کی ددغه جومات یوه برخه چه په ۶۹۱ میلادی کی ودان شوی دی، وړانه شوه. داسلامی تعمیر یو شا هکار دی دغه جومات ته اور ورته کړی شو. دغه جومات په سوز ولو تومنی سړی په یوه مصنوعی محکمه کی محاکمه کړی شو خو پیا فیصله وشوه چه هغه کوم روحی مرض لری او په دی توگه ددغی کومیدی ته ورته محاکمی بڼه قضیه پای ته ورسوله شوی).

ښاغلی سایح وایی چه اسرایلی ییلی فوخیان او ښخی پدغو مقد سو خایونو کی څر گندیدل او هلته یی شراب خښل، سگرت یی څکول، او غیر په غیر به گرځیدل او په دی توگه یی د مقد سو خایونو سپکاوی اونوهین کاوه هغه وایی چه اسرا- نیلی فوخیانو، مسلمانان نه رپښودل چه د صیرون جومات ته ولاړ شی او مذهبی مراسم او لمونځ پکی اذاع کاندی. مسلمانان به پت په پت جومات نه تلل خو اسرا نیلیانو پدغه جومات کښی چه ۱۳۰۰ کاله دمخه جوړ شویدی دخپل واده مراسم جوړ ول ردی لاشنیعه او کر کجته پښه هغه پښه ده چه رپورند شقیق فاروق، چه د اردن، سوری، او لبنان داسف نشینو کلیسا گانو دشورا اجرا یی منشی یی تشریح کوی هغه وایی: په اورشلیم کی یوسړی وچه په سر ښندنه او ایمان کی یی ډیر شهرت



اسپانیا، کشور یکه‌اکنون در آن بی‌نظمی داخلی حکم فرماست

سرزمین کاشفین بزرگ جغرافیا - مرکز بیاترین رقصهای جهان

وطن اصلی سپورت معروف گاو بازی

سان باستیا یکی از شهرهای قشنگ و بندر تاریخی اسپانیا بوده اکثر باسکو هادر آن سکونت دارند که خود را قدیمتر یسن مسکونین جزیره نمای ابریک میدانند آنها اقوام دلیر و شجاع بوده دایما حکومت اسپانیا بایشان دچار مشکلات بوده و شدیداً تحت مراقبت امنیه میباشند و این پروبلمیست که تاحال واضح نشده است که باسکوها اصلاً

اساسی زده است و امروز اسپانیا دارنده پنج پارک ملی بزرگ میباشد که اکثر در قسمت شمال کشور تجمع یافته اند و جمعاً ۴۴۴ کیلو متر مربع را احتوا میکند و این امر سبب شده به تعداد توریست ها بداخل اسپانیا بیافزایند در حال حاضر اسپانیا مقام دوم را از رهگذر تعداد توریست های خارجی حایز است که سالانه به ۱۸ میلیون سیاح بالغ میگردد .

گردش ترک میکنند ایما کنار بارها، رستوران ها، پارکینگها و غیره جمع وگرددش میکردند ولی کوهها و تپه های قشنگ گرد و نواحی شهر ها میتواندست بهترین محل تفریحگاه اهالی شهر نشین بشود . از همین سبب دولت اسپانیا به تعمیر عمارات در داخل جنگل ها و بوجود آوردن پارکهای ملی، پارکهای محلی جبیل های مصنوعی و غیره دست بافادهای

همه میدانیم که اسپانیا در رقص و موسیقی خود خیلی معروف و زبانزد عام و خاص اند بر علاوه در عید مذکور در وادیهای سرسبز کوهها به انواع بازیها از قبیل دوش بر قلل کوهها، اسپ دوانی و نیزه بازی که از بازیها و سرگرمی های این عید میباشد می پردازند در عین زمان کنار جبیل در روز مذکور مقدار زیادی از شربت و واین سیب بمصرف میرسد که در تمام اسپانیا بی مانند است. در دهات استوری اساسات عنعنوی زراعتی و اقتصادی تا امروز بجا است اولیه آن حفظ شده است که بهترین و معروفترین آن پوست و خلال جوار است که بنام (اوسگویاز) یاد میشود و هر شام بالتوبه جوانان در منازل همسایگان جمع و خلال جواری را با سارقس و موسیقی اجرا میدارند در ختم کار بنوشیدن و این سبب، خوردن جارمغز و سایر میوهجات میپردازند لذایشترا عنعنات ملی نسبت به سراسر اسپانیا در استوریا حفظ و جمع شده است . استوریا دارای اقلیم خوشگوار و مناظر زیبای طبیعی بوده توریست ها اکثر در همین محل جهت استراحت می آیند .

چندین سال قبل اسپانیا از رهگذر حفاظت منابع طبیعی کدام پروبلم نداشت تنها و تنها توجه بصنایع بود ولی در سالهای ۶۰ تغییرات بزرگی در حیات اجتماعی و اقتصادی اسپانیا رونما گردید یکی از این پروبلم ها مانند سایر کشور های انکشاف یافته حفاظت و بهره برداری از منابع طبیعی میباشد که دولت اسپانیا درین اواخر متوجه آن شده است هزاران نفر از اهالی مادرید که روز یگشنیه شهر را با موتر های خویش جهت تفریح و

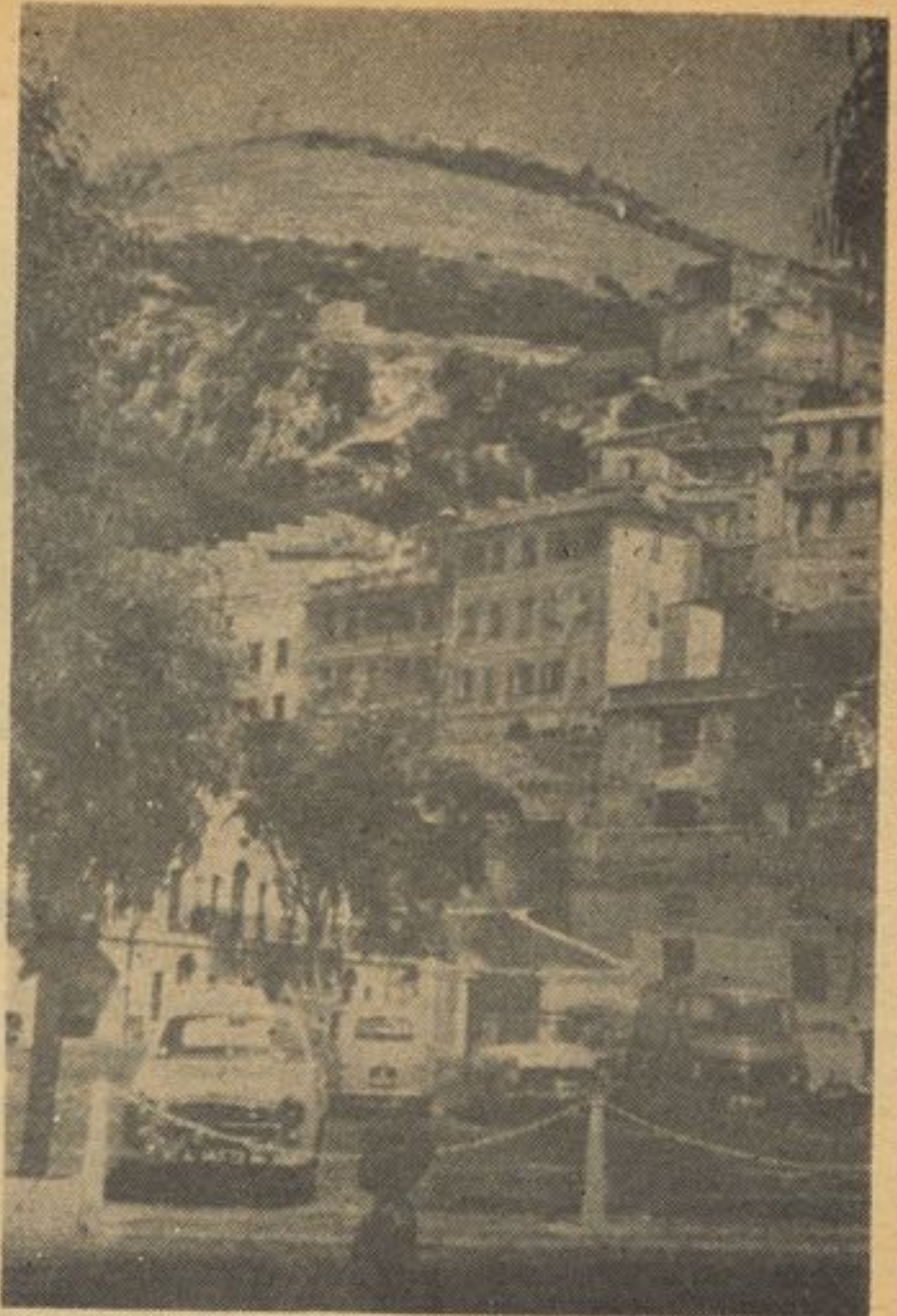


ژوندون

شکل (فلا) را بخود گرفت در این عید رقص و خوشی سراسر شهر را فراگرفته و تعداد هنرپیشگان در حدود ۳۰ هزار نفر میرسد . فلا شکلی میباشد که از چوب و کارتن ساخته میشود که مہارت آرتستیکی آنجا را نشان میدهد هر شکل از خود استاد مخصوص دارد ، تا آنرا بسازد طرز ساختمان این مجسمه غول بیکر ابتدا از کج ریخته شده در روی آن کارتن سرش میشود سپس مودل مذکور را در چوب نصب میکنند چنانچه سال گذشته در مجسمه مذکور ۸۰ تن چوب، ۲۵ تن کارتن و ۵ تن سرش و ۳۰ تن میج بکار رفته بود که قیمت مجموعی آن بیک صد و سی میلیون است . تمام شده بود . برای این کار هیئتی مرکب از نجاران ، کارگران ، دکانداران و اهل کسبه تشکیل گردیده تعداد آنها به ۲۲۰ عضو رسیده بود . بودجه این مراسم از اعانه ولا تریها تهیه می گردد بر علاوه در عید مذکور اطفال نیز اشتراک می ورزند . هیات مکتب و کودکانی از خود دارند تا اطفال کارگران و اعضای کمیته در آنجا تریه شوند . عید شام ۱۳ مارچ افتتاح میگردد که در حقیقت کاربرد جاده هامحسوب میشود در روز آینده مجسمه فلا را جاده هایکه عمومیت و مرتزبت داشته باشد و بر علاوه در تمام میدان و چهارراهی هانصب میگردد . حرکت و سایه نقلیه در جاده های که تنگ و هجوم مردم زیاد است منع قرار داده میشود اگر سیاهی از بی اطلاعی موتر خود را در گوشه ای از جاده هایارکینگ کند احتمال ندارد تا یک هفته از موتر خود استفاده کند .

در شب ۱۹ و صبح ۲۰ مارچ در میدان مذکور نیم میلیون جمعیت والتسیا و بر علاوه مہمازیادی از تمام اسپانیا درین شهر جمع شده بودند کمره تلویزیون ، عکاسان و نامہ نگاران داخلی و خارجی نیز در میدان مذکور جهت جمع آوری راپور تاز دلچسپ آن مطالب جالبی برای خویش بدست می آوردند . بولیس و امنیه فوق العاده داخل فعالیت بوده آرامش و نظم را برقرار میکردند در این عید تعداد تصادمات زیاد بوده و امبولانس مسلسلًا مجروحین را بشفاخانه نقل میدهد . در شب مذکور بر علاوه ای آتش بازی و اجرای مراسم عید پروگرام دیگری نیز اجر میگردد که عبارت از انتخاب ملکه زیبایی است فسمبکه بقیه در صفحه ۳۸

شکل (فلا) را بخود گرفت در این عید رقص و خوشی سراسر شهر را فراگرفته و تعداد هنرپیشگان در حدود ۳۰ هزار نفر میرسد . فلا شکلی میباشد که از چوب و کارتن ساخته میشود که مہارت آرتستیکی آنجا را نشان میدهد هر شکل از خود استاد مخصوص دارد ، تا آنرا بسازد طرز ساختمان این مجسمه غول بیکر ابتدا از کج ریخته شده در روی آن کارتن سرش میشود سپس مودل مذکور را در چوب نصب میکنند چنانچه سال گذشته در مجسمه مذکور ۸۰ تن چوب، ۲۵ تن کارتن و ۵ تن سرش و ۳۰ تن میج بکار رفته بود که قیمت مجموعی آن بیک صد و سی میلیون است . تمام شده بود . برای این کار هیئتی مرکب از نجاران ، کارگران ، دکانداران و اهل کسبه تشکیل گردیده تعداد آنها به ۲۲۰ عضو رسیده بود . بودجه این مراسم از اعانه ولا تریها تهیه می گردد بر علاوه در عید مذکور اطفال نیز اشتراک می ورزند . هیات مکتب و کودکانی از خود دارند تا اطفال کارگران و اعضای کمیته در آنجا تریه شوند . عید شام ۱۳ مارچ افتتاح میگردد که در حقیقت کاربرد جاده هامحسوب میشود در روز آینده مجسمه فلا را جاده هایکه عمومیت و مرتزبت داشته باشد و بر علاوه در تمام میدان و چهارراهی هانصب میگردد . حرکت و سایه نقلیه در جاده های که تنگ و هجوم مردم زیاد است منع قرار داده میشود اگر سیاهی از بی اطلاعی موتر خود را در گوشه ای از جاده هایارکینگ کند احتمال ندارد تا یک هفته از موتر خود استفاده کند .



گوشه ای از مناظر زیبای اسپانیا

از کدام قوم ریشه گرفته اند در ادبیات راجع باین مردم نظریات مختلفی وجود دارد بعضی هامیگوئند که این قوم از اسرار انلاتیک است همبولت علاوه میکند که این قوم از طایفه ایرام اندر حالیکه عده ای عقیده دارند که باسکوها از اقوام اروپایی و از نژادهندواروپایی میباشد و بیشتر زبان شانرا بزبان ففغازی مناسبست میدهند . آنها دارای ساختمان جسمانی علیحدہ ای بوده قد بلند ، موهای خرمایی و چشمان آبی میباشد و اساترین طریقه ستاسایی این اقوام کلاه بیری است که همه آنها بسر دارند و هنگام ورود در کافه و بار کلاه را از سر نبرداشته و اینها سیگاری بکنج لب دارند که از خصایص این مردم محسوب میشود تعداد آنها به ۸۰۰ هزار رسیده که ۲۵۰ هزار آن در امریکا و بیشتر در اروگوای ، ارجنتاین ، مکسیکو و اضلاع متحده بسر میبرند . فلاسم یکی از اعیاد برجسته و مشهور اسپانیاست که صرف دوشهر تاریخی والتسیا بر گزار و بجز دل میشود این عید از ۱۳-۱۹ مارچ ادامه میداشته باشد . شهر والتسیا بشمول نجاران از عید مذکور استقبال گرمی می نمایند . هنگام بہار نجاران دکانین خود را پاک و پارچه های چوب را که سال تمام در دکانین شان انبار شده میسوزانند . نجار از چوب مجسمه بزرگ (نیز) را ساخته در روز



زندگی امروز



تپه ونگارش: فریحه برجوش اسحق

مزاحمت تیلیفونی

گرچه تیلون یکی از وسایل نهایت مهم و ضروری حیات امروزی است ولی .. ولسی گاهگاهی هم باعث دردسر میگردد ...!

چنانچه خانمی طی نامه مفصل و کلابه آمیزش نوشته: «... از زنگ های پیهم و نیمه شبی تیلون منزل چنان به ستوه آمده ام که دیگر از هر چه خیر تیلون است بیزارم (۱) باور کنید آواز جرتنگ و شرنگ بی موقع و نیمه شبی تیلون چنان شوکم داده که اکنون شبانه سیم پلک آنرا می کشم تا راحت بخوابم و آسوده باشم ..

نمیدانم شما گاهی دچار چنین مزاحمت های مردم آزاران فصول گردیده اید یا خیر؟ من یکی که دیگر حوصله ام بسر رسیده و تاب و توانم باقی نیست که بیشتر از این سنگسوت کنم ... از اینرو این نامه را برای شما نوشتم تا در مجله زیبا و خواندنی تان درجش کنید و از این فصول باشی ها بخواهید تادری اصلاح خود باشند و از این شوخی های بی مزه شان بکاهد و از این مردم آزاری هادست بردارند...»

این خانم که دل پری از مزاحمان تیلونی دارد در نامه بلند بالايش تذکر داد که چگونه چند شب متواتر با آواز دلخراش تیلون در آن سکوت و سیاهی نیمه شب از خواب شیرین بریده و وقتی هراسان و شتاب زده گوشی را برداشته و با آواز خواب آلود پرسیده:

— بلن بفرمائید ؟
 از آنطرف چنین جواب گرفته :
 — ببخشید خانم خواب بودید ؟ پس آرام بخوابید (۱)
 و یا شب دیگر .
 — بلن ... فرمایشی بود ؟
 — نه، فقط میخواستم بگویم خواب شیرین برایتان آرزو دارم (۱)
 و همچنین شبهای دیگر
 متأسفانه از این مثالها و مزاحمت های تیلونی فراوان دیده شده و مثال فوق تنها موردی از آن نیست . بعضی این چنین مزاحمت ها عواقب

وخیم و ناگواری بارمی آورد چنانچه بسیار اتفاق افتاده که طرف . از شنیدن يك خبر ناهنجار دروغی دچار ضعف، بهت زدگی و حتی سکنه گردیده است .

بنابراین، قسمیکه دیده میشود مزاحمت تیلونی نه تنها دوزخ آداب و تربیت سالم است، بلکه نهایت هم خطرناک و هول انگیز میباشد .

فراموش نگردد که در ایجاد این خطرات و دردسرهاي ناشی از آن ما خود دست داریم و خود باعث آن میگردیم که از چنین وسیله مهم و ضروری که فقدان آن مشکل آفرین است ، يك هیولا بسازیم .

وقتی تیلون اختراع شد هرگز تصور نمیرفت که شهرت و اهمیت امروزی را کسب کند، و اینقدر نقش عمده و مهمی را در دنیا بازی نماید. آنوقت معلوم نبود که با این آله بتوان با دورترین نقطه جهان تماس گرفت و مطالعه کرد.

تیلون از بدو اختراع تا امروز با تحولاتیکه نموده از وسایل فوق العاده کار آمد و ضروری زندگی امروز است . چنانچه روزانه بلیون ها بلیون مردم سراسر جهان چه در امور رسمی و چه شخصی از آن استفاده میکنند و مجال است بدون آن به مشکل مواجه نگردند. اکنون تیلون حتی در دور افتاده ترین نقاط دنیائین راه یافته و مردم همه به کیفیت و کمیت ویژه یی اش پی برده اند. تیلون بیشترین فاصله ها را به کمترین فرصت میبیماید و از اتلاف وقت جلوگیری میکند . تیلون

مزایای تیلون بیشتر از اینها است و درین مختصر نمیشود همه آنرا يك يك بر شمرد . ولی متأسفانه هستند عده ای که تا هنوز هم باین ارزش و مزایای یی نبرده، تیلون را با بازیچه عوض گرفته اند و آنرا يك وسیله سرگرمی می دانند .

چه فکر میکنید، آیا این مسخره نیست که يك وسیله جدی و نهایت مهم امور زندگی را با وسایل بازی و سرگرمی عوض گیریم و فرقی آن نیست . بعضی این چنین مزاحمت ها عواقب آنها را ندانیم ...!

بخش آشپزی

درین هفته طرز تهیه دپوئو دیگر کدو را بشما تقدیم میکنیم تا از مواد مفید و مقوی آن مفاد بیشتر برید .

کدو باچلو

مواد لازم برای چار نفر :

يك كيلو كدو، نیم كيلو گوشت گوسفند ، نیم كيلو پیاز، نیم كيلو بادنجان رومی، مرچ نمك و روغن بقدر ضرورت .

طرز تهیه :

پیاز را ریزه کرده در روغن داغ سرخ کنید، گوشت را که به پارچه های خورد بریده اید در آن بیافزاید و بعد از کمی سرخ شدن در آن آب اضافه کرده بگذارید نیم پز شود. بعد کدو را که پوست گرفته و خورده کرده اید در ظرفی

محتوای روغن سرخ کنید و سپس با بادنجان رومی ای که از ماشین کشیده اید یکجا بالای گوشت اضافه کنید . و بگذارید بجوشد و نرم گردد. چلو را جداگانه دم کرده و یکجا با آن سرو نمائید .

کدوی دسته یاشکم پر

پختن کدوی شکم پراگرچه کمی مشککتر است و تا اندازه وقت لازم دارد اما آنقدر ظاهر جالب و گیرا دارد که به سفره رنگینی خاص میبخشد . البته در تهیه این غذا کدو حتما باید گرد باشد.

مواد لازم برای هشت نفر :

يك كدوی چار كيلویی - يك عدد نان دبل سیلو، نیم كيلو گوشت سرخی گاو یا گوساله نیم كيلوبادنجان رومی، دو عدد پیاز بزرگ مقداری روغن یا مسکه تازه، کمی شیر، نمك و مرچ سرخ و سیاه .

طرز تهیه :

پیاز را نازک خورد کرده در روغن داغ بریان کنید، گوشت ماشین شده را با نمك و کمی مرچ با آن اضافه کرده بگذارید سرخ شود سپس بادنجان رومی ماشین شده را نیز به آن علاوه کنید تا خوب بریان شود .

سرکدو را بدقت ببرید تا نشکند، تخم هاو الیاف داخل کدو را کاملاً خارج کنید . برش های نان دبل را که پوست کرده اید به قطعات خورد ببرید داخل شکم کدو را به ترتیب با يك ورقه ازین نان، يك ورقه کوفته پخته شده و مرچ و نمك بپوشانید و شیر و مسکه تازه را بالای آن ریخته کلاه آنرا (سر بریده شده کدو) به سرش بگذارید . اطراف کدو را با کاغذ آلومینیومی و یا اگر نباشد با خمیر پوشانیده مدت دو ساعت در دماش قرار دهید. وقتی پخته شد گوشت کدو را با يك قاشق از پوست جدا کرده باقیه محتویات داخل کدو مخلوط کنید.



دو ښتانو په باب یو لړ معلومات



د زمانې په تیرویدوسره د بیغلی د سینگار
مخ نیوی نړیوی اندازی پوری له منځه تللی
از پیری بیغلی دخپلی ښکلا اوشادابی دپاره
سینگار گوی . مگر خینی کورنی داسی عقیده
لری ترخوچه یوه بیغله واده شوی نه وی نو باید
چه خپله اصلی خیره وساتی .
خینی بیغلی دخپلو وښتانو په مشکلاتو
اخته دی اودخپل مشکل دحل لاره نشی پیدا
کولای .

دادی مونږ ددی مقالې په ترڅ کی ستاسو
دو ښتانو مشکل له منځه وړو ترڅو ستاسی
وښتان ښکلی اوسالم په نظر راشی .

لمړنی قدم ستاسو دو ښتانو په برخه کی
دهغو پیزندل دی . ځکه کله چه یو ډاکتر غواړی
لمړی خپل ناروغ معاینه کړی اویا ورته نسخه
ولیکي همدارنگه تاسو هم باید دخپلو وښتانو
نوعیت وپیزنی بیا دهغو د علاج په غرض لاس
په کار شی .

دوی بیغلی وښتان خلور حلاله لری .
لمړی دو ښتانو سلامتیا، دوهم د وښتانو
وچوالی . دریم دو ښتانو غوړوالی او خلورم
رسیری .

دوی بیغلی وښتان خلور حلاله لری .
لمړی دو ښتانو سلامتیا، دوهم د وښتانو
وچوالی . دریم دو ښتانو غوړوالی او خلورم
رسیری .

۱- اوس غواړو چه داخلور حلاله وپیزنو.
۲- که ستاسو وښتان سالم وی.
۳- ډیره ترمه، روښانه او منظمه وده لری.
۴- هغه وښتان چه دسلامتیاخه برخورداره وی
ډیر ژر به هر رنگ اومه ل چه وخواړو چوپیری.
۵- دغه ډول وښتانو په خلیرویشته ساعته کی
دیر شو نارونو وښتان زیات نه تویسری
اوه غواړی چه رنگ یی کړی دو ښتانو رنگت
ډیرشه گوی .

۱- اوس غواړو چه داخلور حلاله وپیزنو.

۲- که ستاسو وښتان سالم وی.

۳- ډیره ترمه، روښانه او منظمه وده لری.

۴- هغه وښتان چه دسلامتیاخه برخورداره وی

۵- ډیر ژر به هر رنگ اومه ل چه وخواړو چوپیری.

دغه ډول وښتانو په خلیرویشته ساعته کی

دیر شو نارونو وښتان زیات نه تویسری

اوه غواړی چه رنگ یی کړی دو ښتانو رنگت

ډیرشه گوی .

۲- دو ښتانو وچوالی او غوړوالی :

ددغسی و ښتانو مشخصه علامه داده

چه ډیر ژرته چوپیری اوهه جوړه هم شی

ژرله منځه ځی اوهه دمنځولو په وخت کسی

بخرگی پیدا کوی .

۳- هغه وښتان چه دغوړوالی خاصیت لری:

ددغسی و ښتانو مشخصه علامه داده که

چیری یو کاغدی دستمال په خپلو وښتانو

وموړی نودکاغذ په منځ دغوړزکی علامه لیدل

کیری . دغسی وښتان تل خیرن په نظر

رسیری .

چگونه میتوان سالم و تندرست بود؟

باید .
سلامتی که اولین عامل به زیستن وشرط
اولیه زندگی خوب وراحت است، خود عوامل
واصولی دارد که دانستن آن برای هر فردی
ضرور است .
گرچه عوامل تندرستی و سلامتی بشمار
است ولی عمل کردن به این چند اصل عمده
و مهم آن که تاثیر باری دیرین امر دارند و ذیلا
تذکار داده شده، خالی از مفاد نیست .
سلامتی و تندرستی چیست و
اصول آن کدام است؟
آیا تندرستی فقط (نداشتن کدام مریضی) و
یا (فقدان بیماری) است یا مفهوم دیگری نیز
دارد؟ نه، تندرستی نه تنها فقدان بیماری است
بلکه وجود هم آهنگی و توازن در اعمال مختلف
اعضاء بدن نیز هست . به این دلیل: ممکن
است شخص مریض نباشد و در عین حال از
تندرستی کامل هم برخوردار نباشد .
در تندرستی واقعی شخص هیچگونه ناراحتی
جسمی احساس نمیکند و از یک انرژی سرشار
شادی بخش برخوردار است . پس زندگی یک
فرد تندرست هم بیدرد است و هم قریب سعادت
و شادگامی .
واما عوامل اصلی تندرستی چیست ؟ سه
عامل اصلی تندرستی عبارت انداز :
خواب خوب، زندگی بر طبق قوانین طبیعت
و برهیز از زیاده روی در مصرف دوا و دارو .
ولی شرط اصلی سلامتی داشتن انقباضات محکم



این سه مدلی را که در اینجا می بینید از بهترین و آخرین جاکت های عرضه شده مخصوص
این فصل است .
شماره ۳۴



نوشته: جلال نورانی

فامیل و معلومات

از مدت‌ها قبل اسم و شهرت فا میل «پولدارزاده» را شنیده بودم، چیزی که بیشتر از همه توجه مرا نسبت به این فا میل اسم و رسمدار جلب کرده بود، اولاً زیبایی و قسنگی دختر جوان آنها بود و ثانیاً شهرت معلومات عالی که هر یک از افراد فا میل مذکور بداشتن آن معروف بودند فکر میکردم که اگر بتوانم افتخار دامادی چنین فامیل سرشناسی را حاصل کنم علاوه از اینکه نامم در روغن می افتد و مقام و رتبه ای پیدا میکنم از حیث معلومات هم خیلی پیش میروم.

چقدر سر بد هم با هزار جان کندن و زیگو لو بازی دل دختر را بدست آوردم و چون او خیلی نازدانه و دردانه بود توانست بدون زحمت به فامیلش بقبولاند تا بنده را بحیث داماد خود بشناسند.

در اولین روز های نامزدی تصمیم گرفتم، از معلومات همسر آینده ام مستفیض شوم بنا بر آن سر صحبت را با وی باز کرده از هر دری سخن گفتم، در ضمن برای اینکه تو جهش را جلب کنم تا بداند من هم آدم پر معلوماتی هستم شروع کردم بگفتن حرفهای کلان کلان، دختر هم مثل اینکه وظیفه داشته باشد معلوماتش را برخ من بکشد یک لحظه لب فرو نمی بست و مرتب می گفت:

مودمینی ژوپدر فلان سال بمیان آمد، طراح آن فلان نفر بود و فعلاً تعداد طرفدارانش در هالیوود این قدر و در پاریس آنقدر ست سو فیال لورن اخیراً بیراهنی برای خود ساخته که در حدود سه صد هزار افغانی ارزش دارد، موهای پر ژیت باردو را فلان نفر آرایش میکند دین مارتین

بخاطر بازی در هر فلمش چند هزار دالر میگیرد و جنتی ما لا و راجکیور که برای تهیه فلمی پاریس رفته بودند در فلان هتل اقامت داشتند...

خلاصه نامزد پتده تشریحات میداد و من محو معلومات بی پایان او بودم

یک روز هم با خود آقای پولدارزاده تنها ماندم، او هم هر چه معلومات داشت برخ من کشید.

خسرم میگفت:

فیل از حیث جته و اندام حیوان بزرگی است ولی یک ریزش وزکام کافی است که او را از پسا در آورد طوطی چهل سال و سنگ پشت سه صد سال و عقاب چهار صد سال عمر میکند مورچه چنین زندگی دارد و زنبور عسل چنان... بهترین نوع اسب فلان و بهترین پشک پشک

تایلندی است که جته خورد و بشم فراوان دارد با هوش ترین حیوان شمایزه امریکای جنوبی و با وفا ترین حیوان سگهای اسکمو بی است و.

آنروز تا شام خسرم درباره حیوانات حرف زد و من گوش دادم. یکبار هم بچنگ خشویم افتادم دیدم نه... او هم در داشتن معلومات از کسی بس نمی ماند او طریق بختن کیک، دولمه آشک بفتک و همبرگر را برایم شرح داد و درباره انواع و اقسام دانه ها و حبوباتی که غذا را خورده شمره می سازند برابر دوسه فصل کتاب جنگ و صلح تشریحات داد.

برا در نامزدی هر چه ورز شکار بود میدانست حتی نمره های فلان فوتبالیست برازیلی و فلان گاو باز هسپانوی و نمره یخن معروف ترین سگی بازی سویسی را می دانست

بقیه در صفحه ۴۷

یادی از پروفیسور

غلام محمد مصور



پورتريت غلام محمد مصور كه توسط شميراني نقاشي شده است .

دوره شيباب و جواني:

غلام محمد جواني هنرمند و باذوق، در اوآن شيباب سخت فعال و باعلاقه در هنر خود بود، وي در اين ايام اندك در عالم سياست قدم مي گذاشت، چون او بخود اجازه نمي داد كه موضوعات سياسي رابه الفاظ و كلمات بيان كند، بناء شور و احساس باطني خود را از طريق هنر و هنري كه بعد پرستش آنرا دوست داشت انعكاس مي داد، چنانچه كه تادم مرگ هم هنر را بهترين يار و مونس خویش قرار داد. از آنجا كه دوره جواني دوره کار و فعالیت است وی به استفاده از این موقع و بنا بر قدرت نبوغ خود آثار ارزنده، پرارزش و فنا ناپذیر از خود برای آیندگان یادگار گذاشت و به غنای فرهنگی ما افزود.

وره بعد از جواني:

استاد غلام محمد بعد از این در افغانستان یعنی بداخل کشور پیش از حد شهرت یافت و توان و قدرت هنری او همه را تحت تاثیر قرار داد، و هیچ قدرتی در مقابل قدرت هنری او قدم نکرده، به اجازه حکومت آن زمان راه خارج به پیش گرفت، و خواست رنگها و زیبایی های طبیعت افغانستان را ب مردم خارج معرفی نماید. باین اساس در سال ۱۹۲۱ به آلمان رفت و برای مدت دو سال در آنجا رحل اقامت انداخت و مضامین عالی روی مفکوره خود، علاوه از آثار هنری در آن دیار نوشت.

حکومت آلمان به اثر لیاقت عالی و استعداد و قدرت هنری او، او را بحیث پروفیسور سبک کلاسیک قبول و شناخت. پروفیسور بعد از بازگشت بوطن یعنی در سال ۱۹۲۳ مکتب صنایع نفیسه را در کابل تاسیس نمود و خود بحیث مدیر آن مکتب انتخاب گردید. بقرار فرموده یکی از اولین شاگردان آن وقت یعنی استاد خیر محمد بیاری پروفیسور به تعداد سی نفر شاگرد را حسب خواهش ایشان در سین مکتب شامل ساخت و مرحوم عبدالغفور و استاد علی احمد بشمول خود مدیران مکتب درس میدادند، موقعیت آن مکتب، در حصه پل آرتن موجوده در کوته مشهور به لندنی

ادامه دارد

مجله ژوندون بخاطر بزرگداشت هنر و تعداد از نقاشان و رسامان پیشین کشور و یاد آوری از هنر والای ایشان از بناغلی عنایت الله، استاد هنر های زیبای پوهنتون کابل خواهش نموده است تا در زمینه برای خوانندگان ارجمند مجله و دوستان هنر نقاشی یادداشت ها و معلومات هاییکه دارند، به دسترس نشر بسپارند. بهمین سلسله درین شماره درباره زندگی پروفیسور غلام محمد که یکی از نقاشان ورزیده و چیره دست کشور بوده اند، نبشته زیر تقدیم میگردد:

مضمون دیده شده است.

باراه یافتن غلام محمد بدر بار امیر عبدالرحمن خان و استعداد عالی و نبوغ هنری اش از طرف همه هنر پروران و هنر شناسان شناخته شد، بناء استاد میرحسام الدین خواست، او را تحت تربیه خود قرار دهد، تا اینکه او را سرآمد هنرمندان افغانستان، بعدها معرفی بدارد. تابلوهای غلام محمد در اوآن طفولیت تحت تاثیر رسم های استادان وقت آمد و سالهای زیادی بابه اسلوب استادان و بیا اسلوب خاصی که خود انتخاب کرده بود مصروف هنر نمایی و هنر جویی گردید.

اسلوب و طرز کار استادان آن وقت از استاد میرحسام الدین، تذهیب کاری، منقش ساختن قلمدانها، دیزاین های دیواری و میناتور بود. استاد عظیم ا بکم نیز بشکل کلاسیک و ریالیزم تابلوهای خود را رسم مینمود (بندگی یکی از تابلوهای پسنلی او را که تصویر امیر دوست محمد خان را نمودار می سازد در وقت حیات شخصیت برجسته وطن مرحوم استاد عبدالغفور برشنا چند سال قبل دیده بودم.) جانگری نیز هنر انگلیس را بخود آورده بود و سبک کاری بگونه ریالیزم می نمود و بکتهعداد آثار ایشان در موزه کابل هنوز موجوداند.

غلام محمد گرچه در اول زیاد تحت تاثیر استاد خود آمد، اما به اثر مشاهده آثار دیگران و ابتکار شخصی اوسبک خاص و مختصی بخود اختیار و بعد آنرا دنبال نمود، تا اینکه بعد از اخیر دوره جوانی لقب قهرمانی کلاسیک را در افغانستان حاصل و تابلو های جاویدان خود را که حقیقتا عالی و زیبا و پر کیفیت بودند به نسل افغانستان یادگار گذاشت.

غلام محمد طفل هوشمند گرچه در ظاهر مثل اطفال دیگر خود را جلوه میداد، اما در باطن نبوغ و استعداد خدادادی را که در نهاد داشت و بوی ارزانی شده بود، مصروف مطالعه و تفکر درباره زیبایی های طبیعت بود، گرچه با مردم شهر تماس های مستقیم داشت.

با ایشان حیات بصری برد. معاملات طفلانه با رفیقانش داشت و بازی ها با ایشان انجام میداد و شب در خانه واپس می آمد، اما در دل و باطن خود طبیعت و زیبایی های آنرا مطالعه میکرد. روزی از روز ها که هرگز هوای کابل را در فکر خود ندانست و بادوستان خود سخت انس گرفته بود، او را بنا بر عللی بکابل آوردند، که درین وقت هنوز سن او هفت سال را تکمیل نکرده بود و میخواست الفبا را در نزد مساجد یاد بگیرد.

درین وقتیکه غلام محمد بکابل آورده شد زمام امور مملکت بدست امیر عبدالرحمن خان ضیاء الملت والدین بود، او چون شخص هنر دوست و هنر پرور بود، چنانچه در آن وقت چند نفر از رسامان مثل استاد میرحسام الدین، استاد محمد عظیم ا بکم و یکنفر انگلیس بنام (جانگری) بدر بار او مصروف هنر نمایی بودند. امیر از اینکه استعداد عالی او را در قسمت هنر ملاحظه فرمودند امر داد تا تحت تربیه گرفته شود، و شاید برای بار اول تابلو های کوچکی از قبیل مرغک و ظروف ساده را رسم می نمود و آنها را بزرگان میدیدند، چنانچه بگمان اغلب یکی از تابلوهای او ایل رسامی اویک مرغک است که سایز و اندازه خیلی خورد دارد و به رنگ آبی کار شده و برای اینکه ازین نرود بالایش ورنس استعمال نموده اند. آن تابلو بدست باز ماندگانش توسط نویسنده این

در ماه مشهور سرطان، امسال استادان پوهنتون کابل طبق سالهای گذشته، برای اینکه به ترفیحات علمی بالاتر ارتقاء نمایند، کنفرانسهای بخصوصی درباره موضوعات تخصصی شان ایراد نمودند. از جمله بناغلی امان الله حیدرزاد هیكل تراش معروف وطن دریکی از کنفرانسهای خود در باره پروفیسور غلام محمد مصور که از شخصیت های معروف وطن ماست بیانیه ای را در محضر یکمده استادان پوهنخی ادبیات و علوم بشری و محصلان شعبه نوتاسیس هنرهای زیبای آن پوهنخی ایراد نمود.

بناغلی حیدرزاد ضمن گفتار خود گفت: که پروفیسور از شخصیت های نامی و بین المللی قرن اخیر افغانستان می باشد، باید آثار پروفیسور جمع آوری گردد و در موزیم کابل محلی را بنام او تخصیص داد، وی علاوه کرد که میخواهد، برای آغاز این موضوع یکی از تابلو های پروفیسور را خریداری نموده و آنرا بموزیم کابل اهدا نماید، تا به اثر آن سایر هنر شناسان و خد متگاران هنر بکار های بعدی وی اقدام نمایند.

اینجانب نویسنده مضمون گرچه درباره حیات پروفیسور و آثار او، اندك معلوماتی در دست داشتم، ولی بازم کوشیدم در پهلوی آن تا حدی در زمینه کنجکاوی نموده و درباره موصوف معلومات مزید حاصل نمایم، اینک برای اینکه او یکی از شخصیت های طراز اول کشور در هنر نقاشی است خواستم از طریق این مجله مشهور کابل که خوانندگان زیاد دارد او را بوطنداران عزیز معرفی نمایم.

تولد و اوآن طفولیت:

در خانواده عبدالباقی میتگ باشی (میتگ بزبان ترکی هزار را گویند) متعلق بیکی از خانواده های میران میمنه واقع شهر میمنه (فاریاب)، در تیر ماه سال ۱۲۵۲ طفلی بمیان آمد که نامش را غلام محمد گذاشتند، چند سال محدود با پدر یکجا بسر برد و هنوز از محبت پدر بهره کافی نگرفته بود، که پدرش را از دست داد، و طفل صغیر بی سرپرست ماند و همانند اطفال شهر خود بصری برد.



میکرو سکو بی رنگه سلایدو نه تاسی
 تهر نیمی چه ستاسی غابونو نه اووری
 احاطه کوی. وروسته بیا دخپلو
 غابونو دویخلو سمه لاره زره کوی
 اوپوهیبری چه مثلا پنخو س کا له
 دمخه ستاسی دغابونو دویخلو
 طریقه غلطه وه وروسته بیا یوکوچنی
 کیف تاسی ته در کوی چه یسو
 مسواک دغابنو کریم دخو نی آینه،
 مخصوص نا بلیتونه اود لار بنوونی
 یوه کتابچه پکبسی وی او س نو
 تاسی دامریکی دغابونو دسداوی
 په انقلاب کبسی چه لس کاله دمخه
 پیل شویدی په عملی ډول گهرون کړی
 دی. په داسی انقلاب کی چه دامریکی
 دخلکو سره مرسته کوی ترڅو خپل
 غابونو وساتی.

دغه تحول تراوسه پوری بشپړ
 شوی نه دی ځکه چه د غابونو ټو نو
 ډاکترانو هغه نه دی اجرا کړی خو په
 چټکی سره مخ په پراخیدو دی او س
 دازیری ورکوی چه خلک به ترسیدی
 وروسته ډیر لږ دغابونو په درداخته
 شی اود غابونو نو نارو غی به زیاتی
 کمی شی.

دغه په زړه پوری بدلون په یوه
 کلمه کبسی لنډ یداشی او هغه د
 مخنیوی څخه عبارت دی په داسی
 حال کبسی چه د غابونو دپخوا نیو
 ډاکترانو کار معمولا
 دغابونو اصلاح کول، ډکول ایستل
 او یاد غابونو دنارو غیو کمول و.

دغابونو اوسنی ډاکتران هڅه
 کوی چه دغابونو دنارو غیو مخه
 ونیسی.

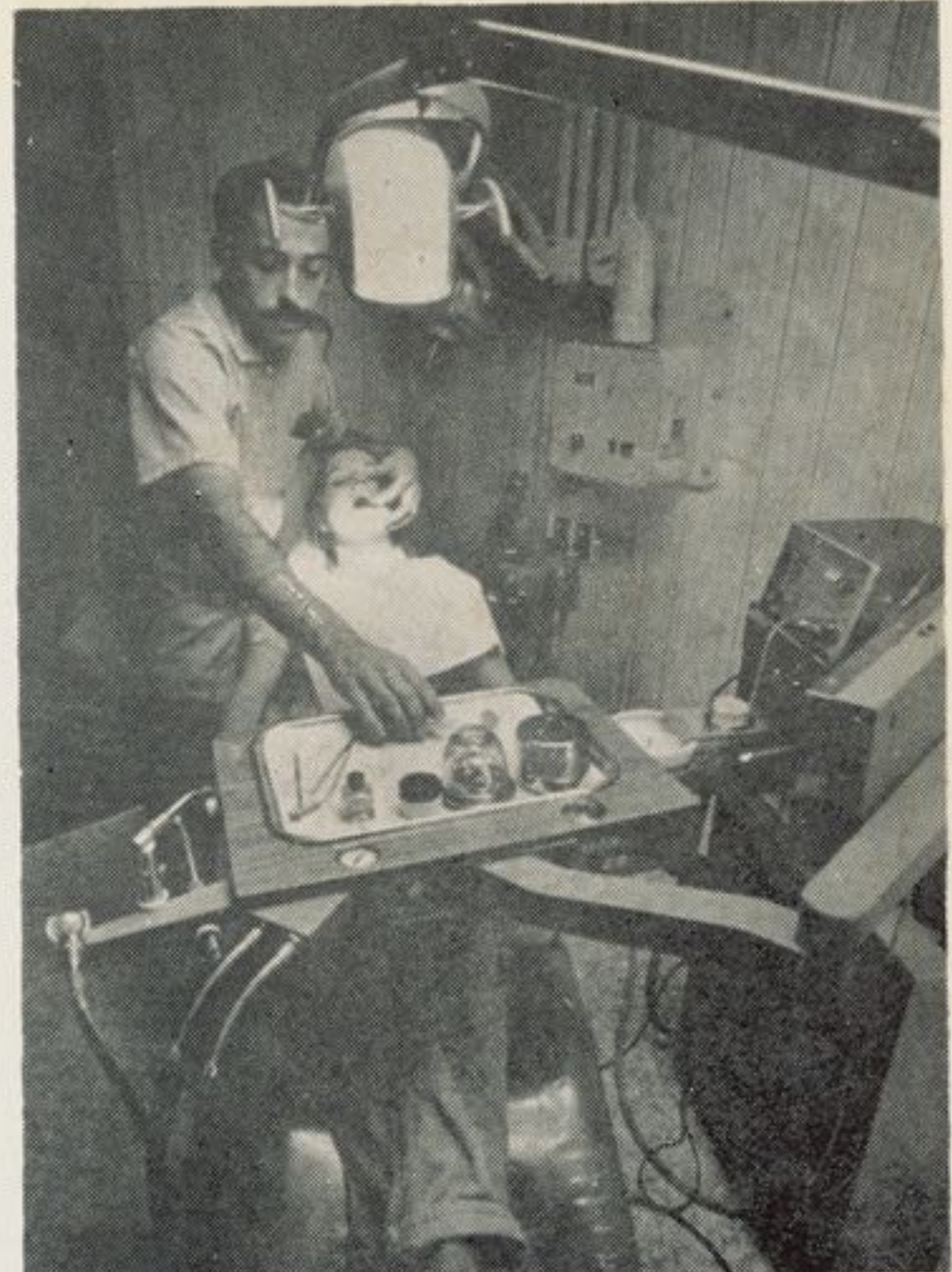
دجارج ناون دپوهنتون دغابونو
 ډاکتری دپوهنځی رئیس ډاکتر
 جوزف بر نیشر وایی زمونږ لور
 هدف باید داوی چه خپل بازارپراخه
 کړو یعنی دغابونو نو دنارو غی مخه
 تردی اندازی ونیو له شی چه دغابونو
 ډاکتر ته نوره اړتیا نه وی تر هغه وخته
 پوری لا ډیر وخت شته چه دغابونو
 ناروغی بیخی له منځه لاړی شی، خو
 هدف یو واقعینانه هدف دی د غابونو
 نننی ډاکتران دغا بنو نو دنارو غی
 داساسی علتونو دعلمی پیژندنی په
 باره کمی خبری کوی دهغو نارو غیو
 په باره کبسی چه ډکو چینانو دغابونو
 ددرد اود لویا تود غابونو ایستل
 سبب کیبری دغه نوی پوهنه په هغو
 اوبو کبسی چه امریکا بیان یی څبسی
 او هغو خورا کونو کبسی چه خوری یی
 په هغی طریقی کبسی چه خپل غابونو
 وینځی او غه راز دغابونو نو په
 معالجه او هغو لار بنوونو کبسی

تاسی کله کله دخپلو غابونو نود
 ډاکتر سره کتنه له اندازی زیا ته
 څنډ وی ځکه چه هغه کتنځی ته د
 خپل وروستی ورتک ناوړه خا طره
 ستاسی له یاده نه وی وتلی اود هغه
 ډاډ په نسبت چه ستا سی زا من
 یی دغابونو نو دردنه پرته دمعا لجو
 په باره کی تاسی ته درکوی څه شک
 اوتردید لری تراوسه پوری مسود
 غابونو ډاکتر دسوپ کتنځی چاپیر
 یال له یاده نه دی وتلی اوتر اوسه
 پوری له ټولونه هغه دردونکی آواز
 چه ډیریننا دبرمی په وسیله ستاسی
 دغابن دسوری کولو په وخت کبسی
 پورته کیده ترڅو ستاسی عصب ته
 ورسیری او هم ډاکتر آواز چه په
 پرله پسې ډول یی ویل «خلاص شو»
 ستاسی په غوږونو کبسی څپی وهی.

نن کله چه دغابونو ډاکتر د
 کتنځی دروازه خلا صول غواړی د
 هغو ورځو له یادولو څخه ناآرامه
 کیبری خو کله چه کتنځی ته وردنسه
 کیبری داسی فکر کوی چه لاره مو
 غلطه کړیده خو قدمه په څپ اخلی او بیا
 دکتنځی ددروازی په مخ تابلو لو نی
 اولری وروسته متو چه کیبری چه
 لاره مو غلطه کړی نه ده دکتنځی

دیوالونه په ښکلواو په زړه پوری
 عکسو نو ښکلی شوی، ډکو تسی
 غولی په ښکلو غالیو پت شوی اود
 موسیقی نرم آواز دکتنځی فضا نیولی
 ده تاسی چه دغه په زړه پوری بدلون
 جذب کړی یاست یوه شیبه داننتظار
 په کوته کبسی چه کو چینیا نو دپاره
 دلوبو سامان اود لو یانو دپاره
 دلوستلو ورمواد په کی ایښول شوی
 دی کبسی ترڅو ډاکتر درته غږ
 وکړی هغه یوځوان سپری دی او حتی
 دهغه څه نه زیات ځوان دی چه
 تاسی یی تصور کاوه له تکلیف نه
 پرته په ښه خوی اوداسی بڼه چه
 ددی سبب کیبری چه تا سی ډیر ژر
 په خپلی ویری بری ومومی به داسی
 حال کبسی چه تاسی په څو کی بانندی
 آرام ناست یاست هغه ستا سی څو
 غابونو نه په داسی مهارت او هوشیاری
 ډکوی چه تاسی اصلا هیڅ پری نه
 پوهیبری.

وروسته بیا تاسی دخپلی روغتیا
 متصدی ته چه یوه مو قره او جذابه
 ښځه ده معرفی کوی او هغه تاسی ته
 دخپلو غابونو دڅارنی دپاره نوی
 لار بنوونی کوی.
 لومړی هغه تاسی ته د غابونو نود
 څارنی دطریقی په باره کی یوه لنډه
 وینا کوی اود با کتر یو څو



په داسی حال کبسی چه جولی نولان په څو کی بانندی آرام ناست دی ډاکتر
 رابرت فراید دهغه دغابن ډکولو دپاره خپل ځان تیاری

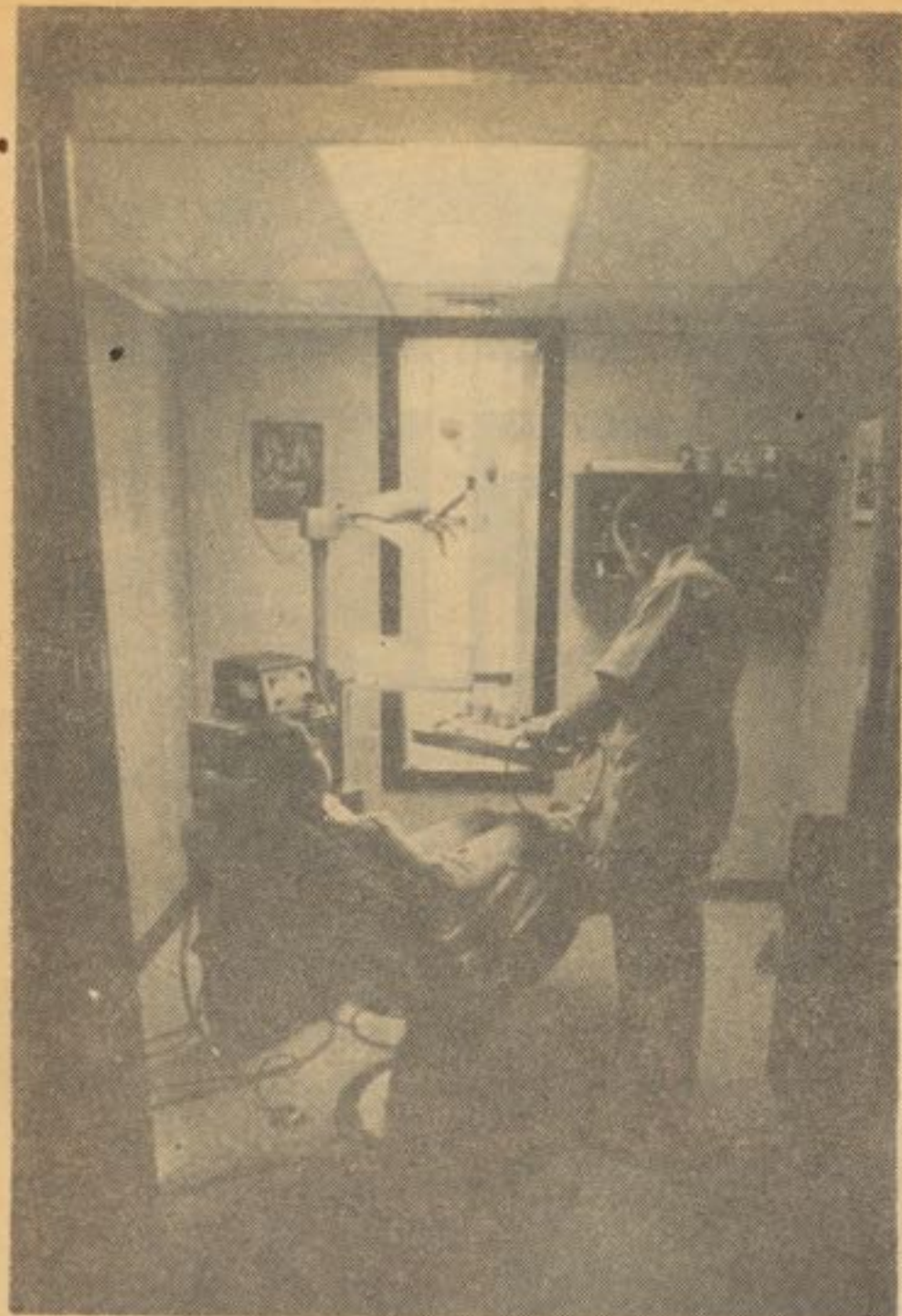
دا دواړد اوسن لیکنه دسرورزی ژباړه

دغابونو په ډاکتری

کبسی په زړه پوری بدلون



په عکس کبسی دناروغ تر څنگ دډاډیو گرافی دستگاه اود غابونو
 پاکو لو ماشین لیدل کیبری.



دیوی مخصوص صی وپانگی په وسیله دگریگ هیت شیو دغانبو نو ترمنځ دباکتریو ټوټی څرگند پری هغه اویو تکنیشن نوموړی ټوټی چاته سوه ځله لوی شوی دی دا اسلاید له لاری وینی.

په لا برا تسوار کبسی په هغو میکرو بو نو با ندی چه دخو لی دلاړو په اسید کبسی وده کوی اود غانبونودخرابی سبب کیری لازم ازما یینتو نه کیری.

پخوا دغانبو نو ډاکترانو عقیده درلوده چه غذاکو چنی ټو ټی چه دغانبو نو ترمنځ پاتی کیری دغانبو دخرا بی سبب کیری او له همدی امله بی خلکو ته ویل چه دهر وخت ډوډی خوړلو نه وروسته خپل غانبونه یوځل به مسواک ووینځی او سر د ډوډی کوچنی ټوټی به دوهم پراوکی واقع شوی دی «سره له دی چه دغانبو ډاکتران تر اوسه هم عقیده لری چه ډوډی مهم نقش لری» دغانبو نو ډاکترانو کو بنسټ په دی کبسی دی چه دباکتر یو ټوټه د غانبونو له منځ څخه پا که کیری او خلک هم به غانبونو باندی دهغی درا ټولیدو مخه ونیسی یو هان په دی پوهید لی دی چه دغانبو نو په منځ پاندی دباکتریو ټوټه دخو لی دلاړو دموادو په استفادی سره به یسوه سلینینا که مخصوصه ماده بدلیری چه دغه سلینینا که ماده دغانبونو په منځ په کلکه ځای نیسی.

ډاکتر برنیتر وا یسی یسوا زی اوه یااته کاله دمخه دغه ټوټه په مشخصه توگه بیژ ندل شوی، سره له دی چه له اوږدو کلونو څخه را پدی

خوادهغی مو جوړیت پو هیدلی وځو پخوامو هغه دغانبو نو د جرم په نامه بیژ ندله» کله چه جرم په خپل ځای سلینینت شو، په هغه کبسی دننه باکتری له قند څخه استفاده کوی او ځوډوله کیمیاوی مواد جوړ وی چه غانبونو اووریو ته زیان رسوی.

یو زیات شمیر ماهران به دی عقیده دی چه دغانبونو لوړی ژوری دجرم په وسیله دجوړ شویو اسیدونو په اثر منځ ته راځی اودغه اسیدونه غانبونه سوروی کوی اود داخلی نسجو نو برخو ته رسیری.

هغه لار بنوونی چه دغانبو نو د ساتنی اودغانبونو دباکتر یو ټولیدو سره د مبارزی دپاره کورنیو ته ورکولی کیری دری مر حلی لری.

لومړی داچه غانبونه باید په منظمه توگه دمسواک په وسیله ووینځل شی اودری کارد پاره باید دبو پوست مسواک اوداسی کریمو څخه استفاده وشی چه فلور لری، باید دلتنو او اړو حرکتو نو په وسیله دغانبو نو منځ او څپ دمسواک په وسیله پاک پاتی په ۴۶ مخکبسی

خو دغانبو نو ډاکترانو عقیده درلوده چه غذاکو چنی ټو ټی چه دغانبو نو ترمنځ پاتی کیری دغانبو دخرا بی سبب کیری او له همدی امله بی خلکو ته ویل چه دهر وخت ډوډی خوړلو نه وروسته خپل غانبونه یوځل به مسواک ووینځی او سر د ډوډی کوچنی ټوټی به دوهم پراوکی واقع شوی دی «سره له دی چه دغانبو ډاکتران تر اوسه هم عقیده لری چه ډوډی مهم نقش لری» دغانبو نو ډاکترانو کو بنسټ په دی کبسی دی چه دباکتر یو ټوټه د غانبونو له منځ څخه پا که کیری او خلک هم به غانبونو باندی دهغی درا ټولیدو مخه ونیسی یو هان په دی پوهید لی دی چه دغانبو نو په منځ پاندی دباکتریو ټوټه دخو لی دلاړو دموادو په استفادی سره به یسوه سلینینا که مخصوصه ماده بدلیری چه دغه سلینینا که ماده دغانبونو په منځ په کلکه ځای نیسی.

ډاکتر برنیتر وا یسی یسوا زی اوه یااته کاله دمخه دغه ټوټه په مشخصه توگه بیژ ندل شوی، سره له دی چه له اوږدو کلونو څخه را پدی

وسيله سپریری اود بیسو شی درمل بهری ډول استعما لیری چه هم کوچنیان اوهم دهغوی میندی او بلرو نه تردی وروسته دغانبو نو ډاکتر ته له ور تلو څخه ویره او ډار نه لری.

دغانبو نو دباکتری ځینو اصولو بدلون نه دی کیری دغانبونو ډاکتران تراوسه هم خلکو ته لار بنوونه کوی چه دخوړو شیانو یادپرو خوړو خوراکو نو له خوړلو څخه ځانونه وژغوری اوبه پاکلیو وختو نو کبسی دخیلو غانبونو ډاکتر ته مراجعه وکیری خود غانبونو اساسی دبنسټ په غانبونو باندی دباکتر یو را ټولیدل دی.

خو دغانبو دباکتر اساسی نظر هماغه دی چه پخوا یعنی تر اوسه وسه هڅه وشی چه یو غابن هم ونه ویستل شی، په دی ترڅ کبسی د غانبونو ډاکتر خپل افکار په هغو نسجو نو باندی په کار اچوی چه غانبونه ساتی، دغانبو نو دباکتری ستر همدف ددی چه نوموړو نسجو نو دله منځه تللو مخه ونیوله شی.

دغانبونو دشاوخوا نارو غی هم دغانبو نو دچنجیو خوړ لو په اندازه ارزښت لری اوباید دهغو مخه ونیوله دنیو یارک په پوهنتون کبسی د غانبونو دباکتری په پوهنځی کبسی د غانبونو دتارو غیو دمخنیوی رئیس ډاکتر هوارد وارد وایی: «داسی عقیده شته چه یوه سلینینا که ماده چه دباکتریو څخه جوړه شوی وی د غانبو نو د چنجی خوړ لو او فاسدو ولو اصلی عامل ده اود هغسی په له منځه وړلو سره کیدای شی چه په اسانی سره غانبو نه له چنجی خوړ لو او خرابی څخه وساتوه»

اغیره لری چه دغانبو نو ډاکتران زوی ور کوی.

دغه بد لون دغانبو نو دباکتری په ځینو پخوانیو قواعدو اومقرراتو کبسی چه دعامه مننی وړوی نوی والی ایجاد کیری دی.

دمثال په ډول دغانبونو یو زیات شمیر ډاکترانو یو وخت عقیده در لوده چه کوچنیانو دپاره لازمه نه ده ترڅو چه بی خپل لومړنی دیمعی غابن نه وی کیری دغانبونو ډاکتر ته مراجعه وکیری، اوس دهغوی یوزیات شمیر دکوچنیانو میندی او بلرو نه تشویق کوی چه خپل کو چنیان په ووه کلنی یادری کلنی کبسی دغانبو نو ډاکتر ته بوخی ترڅو دهغوی دغانبو نو روغتیا بنسټ له هماغو کلونو څخه کبسی بنسټول شی.

یو وخت دغانبو نو ډاکترانو خپلو مرا جعینو ته ویل چه هر خوراک له خوړلو وروسته خپل غانبونه ووینځی خون دهغوی یوزیات شمیر په دی عقیده دی چه په ورځ کبسی یو ځل دغانبونو وینځل په دی شرط چه په سمه او اساسی توگه ووینځل شی کفایت کوی.

پخوا دغانبو نو ډاکترانو ویل چه غانبونه باید پورته او کبسته په عمودی ډول دمسواک په وسیله ووینځل شی خون دیو نرم مسواک په مرسته باید په عرضی ډول غانبو نه مسواک شی اود غانبو نو د وریو دپا کو لو دمخصوصو سو تارونو څخه استفاده وشی.

بنیای هغه ستر تحول چه په دی برخه کبسی راغلی دی دغانبونو دډکو لوبه برخه کبسی وی ځکه چه په نوی طریق سره هیڅکله د درد احساس نه کیری دغه کار په نویو وسیلو او برمو سره ډیر ژر سر ته رسیری چه د اوبو په

مبارزه برای ریشه کن

ساختن سگرت در فرانسه

حکومت فرانسه اخیرا پلانی را افشاء کرده که بموجب آن استعمال سگرت در آن کشور تدریجا ریشه کن ساخته میشود.

سیمونی ویل وزیر صهییه فرانسه در یک کنفرانس مطبوعاتی گفت که یک لایحه ریشه کن ساختن استعمال سگرت احتمال دارد در اخیر جلسه خزانی پارلمان ارائه گردد.

درین لایحه اخطار صحتی بالای تمام قطعی های سگرت بر علاوه منع تدریجی استعمال سگرت در عمارات عامه و در بعضی فعالیت های کاری چاپ و نصب خواهد شد.

میرمین ویل گفت که اعلانات سگرت و تنباکو تدریجا از طریق



جوان و روابط خانوادگی

رعایت یک سلسله مقرر را ت اجتماعی که همه برای بهبود وضع خانواده ها وضع و تدوین گردیده در خو شبختی و سعادت خانواده تاثیر مستقیمی دارد مشروط بر اینکه اعضای خانواده آنرا با در نظر داشت شرایط زندگی تطبیق نمایند. بطور مثال آن عده جوانانیکه تازه

تشکیل خانواده را داده اند و آرزو دارند که سعادت متدانه زندگی نمایند بهتر است بدین نکات توجه نمایند و اگر تطبیق آن ممکن و عملی است پس بدون معطلی به آن اقدام نمایند.

۱- مشوره در همه امور زندگی بخصوص در امور داخلی زندگی و خواستن عقیده و نظریه زن شرط اول زندگیست.

۲- گذشت: درین جای شکسی نیست که هر خانواده که تازه تشکیل میشود باید سلسله مشکلات و پروبلمها روبرو میگردد که بعضا ممکن است این مشکلات سبب بروز اختلافات در بین اعضای یک خانواده شود. و در عین زمان بسیار ممکن



رادیو و تلویزیون منع شده و همچنان در سینما های سالون تفریحات و در نشرات جوانان اعلان سگرت قطع خواهد شد.

وی گفت اعلان سگرت در مطبوعات فرانسه کنترل خواهد شد. در سال تعلیمی فرانسه که اخیرا شروع شده به اطفال ۱۲ ساله و بالا تر از آن نسبت به خطرات تنباکو کوهدایت دادن خواهد شد.

در سال تعلیمی آینده مکاتیب فرانسه موضوع ریشه کن ساختن استعمال سگرت یک جز پروگرام تعلیمی را تشکیل خواهد داد.

میرمین ویل اظهار داشت که از شروع سال ۱۹۷۶ برای ریشه کن ساختن استعمال سگرت به همکاری وزارت های دفاع، کار، مخابرات، پوسنته و امور جوانان و سیورته یک مبارزه وسیع و عامه بر راه انداخته خواهد شد.

وزیر صهییه فرانسه متذکر شده که این مبارزه یک مبارزه ارشادی بقیه در صفحه ۶۴



درد دل جوانان

متصدی صفحه درد دلها سلام:
مدتی است که درد دل جوانان درین صفحه نشر نمیشود امید است که علت آن چیست؟ بحر حال امید وارم این نامه که حکایت زندگی اکثر از جوانان ماست در ستون درد دلها نشر گردد، اگر بیست و دو سال زندگی پر مشقت ورنج و از زندگی میگوئید من بیست و دو سال دارم.
نازه ازدواج کردم به امید اینکه به زندگی خوش سر و سامانی بدهم و خوش شبت شوم اما چه خیال خامی.
فکر نکنید که مردی هستم که جز از شکایت و گله کاری دیگری ندارم خیر اولی طاقت و حوصله هم حدی دارد یک انسان چقدر اعصاب قوی داشته باشد تا این همه رنج و مشقت و کلمات ناپسند را بشنود و طاقت بیاورد.
از شما میپرسم انسان چقدر زندگی و عمر خواهد کرد که نیم یا بیشتر عمر خود را با این همه سختی و تکلیف بگذراند؟
ببخشید که زیاد حرف زدم می خواستم از شما درین باره رهنمایی بخواهم و امیدوارم که گره از این مشکل من بکشاید.
دو سال قبل ازدواج کردم زن تحصیل کرده ای گرفتم و دلم خوش بود از اینکه همسرم زن تحصیل کرده و فهمیده است. اما چقدر اشتباه می کردم یکاش هرگز ازدواج نکرده بودم و خود را بدین زحمت نمی انداختم مشکل ما خرج ها و مصارف بی جای همسرم است معاش ناچیز که در هر ماه میگیرم مصارف چند روز محدود همسرم میگردد، اگر احیانا تان

اندیشه های جوانان



محمد عظیم سعادت جو معلم صنف ۱۲ لیسه حبیبیه:

بلی جوان واقعی کسیست که در حیات روز مره خود مصدر خد متی برای وطن و اجتماع گردد. و منفعت همگانی را بر منفعت شخصی ترجیح داده و احترام به قوانین جز و وظیفه اصلی او محسوب گردد. و هیچگاه فکر نکند که از دیگران برتری دارد زیرا امروز تبعیض برای همیشه از بین رفته و جای خود را به عدالت اجتماعی داده است.

نجیب اله (قریش) معلم صنف یازده لیسه انصاری:

از تو ندن تشکر میکنم که برای جوانان موقع داده تا نظریات و اندیشه های شانرا به نشر می رسد.

منحیت یک جوان وظیفه خود میدانم که حقایق را بیان نماید و لو اینکه این حقایق تلخ هم باشد زیرا با گفتن حقایق است که انسان راه درست را تشخیص میدهد. و راه های که ممکن سبب بختی و سقوط جوانان گردد دوری نمایند یکی از این حقایق و یا بهتر بگویم نقاط ضعف جوانان ما تقلید و مورد پرستی است مکن است این سخن بسیاری از جوانان را خوش نیاید ولی این یک حقیقت است.



محمد حسین دین پرو:

میر هنر و پر واضح است که جوامع بشر در پر تو انکشافات محیر العقول ساینس و تکنولوژی با پیشرفت های زیادی رو برو بود و جوانان در پیشبرد و تحقق یافتن این هدف و مرام نقش مهم و بارز را ایفا کرده داشته است وقتی سهم جوانان را در شئون مختلف اجتماعی از نزدیک مورد ارزیابی قرار دهیم معلوم خواهد شد که جوانان اندک



در بر تو نیرو و زحمات ایشان کلیه پروگرام های بشری و اجتماعی در معرض تطبیق قرار گرفته و زمینه برای سعادت و پیشرفت نسل های آینده بیش از پیش فراهم می گردد.

نویسنده عزیز!
واقعا جای تعجب است در حالیکه زن تحصیل کرده دارید ولی بی وجود آن همسران تاریک فکر میکنند و تاریک می بینند.
امیدواریم که همسر تان هر چه زودتر بدین موضوع ملتفت گردد که این همه ولخرجی ها و مصارف بی جا و از همه مهمتر این همه دشنام ها هیچ فایده ندارد جز اینکه زندگی خوش خود را دستخوش نازا می و بحران اقتصادی گرداند.
چنانچه مثل معروف درین بساطه میگوید: هر چه که از حد بگذرد رسوا شود. بنا امید داریم که همسر تان با فهم و درایت که دارد از این همه ولخرجی ها کاسته و بیشتر متوجه زندگی خوشتر گردد.
زیریک زن در شرایط امروزی وظایف بزرگتری دارد نه اینکه خود و خانواده خود را با چنین حرکات خود و مصارف بی جای همسرم است معاش ناچیز که در هر ماه میگیرم مصارف چند روز محدود همسرم میگردد، اگر احیانا تان

معرفت و دانایی:

بهترین قسمت معرفت آن است که بما می آموزد که معرفت کجا پایان می رسد و جاهل و نادان آغاز میشود.

(ا. و. هو مر)

آنکه علم عمیق دارد، به انداز آنکس که جاهل عمیق دارد درباره علم سطحی دیگران رجز خوانی نمی کند، بر خلاف بجای گو بیدن جاهل دیگر آن یا تحقیر خود به گوشت ایشان می شتابد، چه میدانند که زمانی بوده است که حتی اشخاص همچو بیکن و نیو تون نیز سطحی بوده اند و نیز می دانند که آنکس که اندکی علم دارد، بهتر از کسی که هیچ ندارد به بیشتر از آن میتواند دسترس پیدا کند.

(کولتون)



هسپانیا کشور یکه اکنون در آن بی نظامی داخلی ...

در حمله اول حریف از یاد آورده پارچه پارچه خواهد کرد حریف معمولا لباس مخصوصی بپوشد داشته و پارچه سرخ رنگی در دست میداشته باشد زمانیکه گاو داخل میدان نبرد شد حریف تکه سرخ را چند بار تکان داده نظر گاو وحشت زده را بخود جلب و حمله خشم ناک خود را حواله حریف میکند. حریف با نيزه های دست داشته خویش چند ضربه محکمی بالای حصص مختلف گاو وارد و تا آنکه او را از یاد آورد. این بازی از سپورت های تماشایی این کشور باستانی بوده بعضی هزاران نفر تماشاچی صورت میگیرد.

مادرید پایتخت کنونی و مرکز اداری اسپانیا در مرکز شبه جزیره ابریک واقعست در ساحل دریای مژانار قرار دارد. ساحه شهر مادرید به ۶۰۷ کیلومتر رسیده و نفوس آن بر ۳ میلیون بالغ میشود که منجمله ۱۶ هزار نفر آن خارجی های ساکنین دائمی مادرید را تشکیل میدهند. کثافت نفوس شهر مادرید به ۴۵۰۰ نفر در یک کیلومتر میرسد. تاریخ موقتی برای یافتن اسم پایتخت اسپانیا دردست نیست. تنها همینقدر میتوان گفت که شاید اسم مادرید از برج (ماجرید) که در سال ۹۲۵ ساخته شده است نشئت کرده باشد اولین معلومات راجع به مادرید از قرن ۱۰ باین طرف بدست است که در آن زمان مادرید محل اقامت موریتانیا می باشد بود. در ۹۳۹ مادرید تحت اداره رامیرو دوم و سپس بدست مورفا افتاده و در ۱۰۸۳ توسط شاه کاستیلی الفو نای چهارم در تصرف اهمیت مادرید در مرکز حوضه کاستیلیا از قرن ۱۶ باین طرف شروع گردید. در زمان حکومت کارل پنجم پایتخت اسپانیا «تولید» قرار داده شده بود ولی بعدها فلیپ دوم مادرید را منجبت پایتخت اسپانیا شناخته که بزودی انکشاف و مرکز تجارت و صنایع اسپانیا گردید در قرن ۱۷ در مادرید بهترین قصور تناهی ارستو کراسی تعمیر گردید در ۱۸۵۱-۱۸۶۴ اولین خط قطار بین مادرید و اراونجوس امتداد داده شد در ۱۸۵۸ کانال لوسویا بکار انداخته شد که آب آشامیدنی کافی برای اهالی شهر میرسانید در ختم قرن ۱۹ و اوایل قرن بیستم - مادرید بصورت درست آباد گردیده و در ۱۸۶۸ دیوار قدیمی اطراف شهر مادرید ویران و بجای آن تعمیرات جدیدی آباد و جاده معروف (گران ویا) امتداد داده شد و در ۱۸۷۳ مادرید اولین پایتخت جمهوری اسپانیا انتخاب گردید.

یکی از غنعات مهم و برجسته این ناحیه اجتماع اهالی در جنگل است که هزاران نفر از اهالی شهر در روز معینی در جنگل جمع و در فضای آزاد به آواز خوانی پرداخته، صدها نفر برای آنها و این و خوراکیه میرسانند خوراکیه ای که درین روز عمومیت دارد کباب با کچالوی بریان است بر علاوه انواع بازیها و سرگرمی در بین درختان متمرکز میشوند و از بهترین رقص آن منیرو و پندیرو میباشد که در این حوضه خیلی عمومیت دارد هنگام شب گروهی از نوازندگان با گیتار بنواختن موسیقی پرداخته و هزاران نفر رقص و شادی میپردازند. در اسپانیا در پهلوی سایر سپورتهای که در آنجا متداول و عمومیت دارد گاو بازیست و در حقیقت گاو بازی بسپورت ملی مردمان این سرزمین تاریخی تبدیل گردیده است و تقریبا در تمام حصص اسپانیا مروج و اجرا می گردد در میان مردمان اسپانیا بهترین نشانه ای نیرومندی و افتخار اینست تادریکی از مسابقات گاو بازی شرکت کند و برای این بازی گاوهای نیرومند و وحشی را انتخاب میکنند که بیننده را در نگاه اول بحیرت می افکند و تصور می کند

که اسم وی را (قدح پایتخت) مینامند یکی از آثار مهم و قابل دیدنی این شهر بسرج هرکولیس است که ۱۰۴ متر از سطح بحر ارتفاع دارد و منظره خیلی عالی بحر اطلانتیک را منعکس میسازد این برج از ادوار و ساختمانی تروی میباشد و این یکانه لایت عاوس رومی است که تا امروز بحالت اولیه خویش در کنار اطلانتیک با برجاست.

کنندگان تقدیم میکنند در اخیر باید علاوه کرد که فلا یگانه عید باشکوه اسپانیا بوده کدام رابطه مذهبی ندارد. والسیا از نگاه بزرگی سومین شهر و بندر مهم اسپانیا و همچنین پایتخت حوزه معروف لئونت میباشد که از رهگذر زراعت و باغداری بهترین منطقه اسپانیا محسوب میشود. گالیسیا حوزه کشتک و تولید بر اسپانیا بوده و نسبت به سایر نقاط اسپانیا متفاوت است و میتوان گفت که چنین منطقه مانند گالیسیا در جهان نمیتوان سراغ کرد. گالیسیا شکل غیر منظمی چهار ضلعی در گوشه شمال غرب شبه جزیره ابریک داراست. ضلع غربی در بحر اطلانتیک غوطه وراست ضلع شمالی آن در بحیره کانتا تری و جنوبی آن با برنگال همسرحد است تنها قسمت شرقی آن مناطق استوریو و لیون را از هم جدا میسازد در بین منطقه نوریست کمتر وارد میشوند مردم جهت عبادت به قبر یعقوب در کمپوستلی، گالیسیا در جهان عیسوی شهرت زیادی حاصل نموده است. صنعت رومن ها در گالیسیا بانتهای اوج و قدرت خود رسیده دارای کلتور عالی میباشد و اولین یادگار ادبیات اسپانیا بزبان گالیسی در همین جا بوجود آمده است.

لوگو رونا یکی از شهر های کوچک و مقبول ایالت گالیسیا میباشد که آثار صنعت و فلا بریکات در آن دیده نمیشود و این شهر از رهگذر اداری رول مهمی رادر حیات گالیسیا بازی میکند این شهر از سه طرف با بحر اتصال و بهترین آب و هوارا داراست و از همین جاست

گروبی از جوانان بیرقی دردست و دوشیزه جوانی با لباس محلی رنگارنگ و مرغوب آراسته به رهنمایی یکعده دوشیزگان دیگری بسوی میدان مذکور پیش می آیند بدین منوال تعداد گروپ هاز یاد شده و همه در میدان کودیلیا جمع میشوند بعدا کیمته فلا به انتخاب ملکه زیبایی مبادرت ورزیده و از میان آنها زیباترین و خوشگلترین دوشیزه را انتخاب و بنام ملکه زیبایی والنسیا معرفی میکند آرکستر اسرود معروف کودیلیا را با استقبال ملکه نواخته و لسی فوق العاده بلندنامه اهالی شهر تاحدی امکان از شنیدن آن مستفید گردند. لباسهای دوشیزگان رنگارنگ و بهترین خامکدوزی در آن بکار رفته میباشد چیزی که در هنگام این مراسم وجود نمیداشته باشد عبارت از خوراکیه و نوشابه است تنها یک یادو مراتبه پایلاچیده میشود که مشکل عمومی رادارد پایلا یگانه خوراکیه عمومی اسپانیا بوده که از برنج و گوشت مرغ ترکیب شده است این غذا خیلی گران بوده و طریق پخت و پز آن گرایب بزرگی را ایجاد میکند و تنها مواد سوخت آن چوب انتخاب شده است و هنگام مراسم عید اهالی با گرایب های خوراکیه ای مذکور که در منازل خویش قبلآ تهیه نموده به جاده ها می برآیند.

در والنسیا عادت بر این نیست تادر روز عید مهمانان را بمنزل دعوت کنند و هم در منازل خویش خوراکیه و نوشابه های این عید را برای مهمانان ترتیب نمی دهند تنها در محل مخصوص غرفه ای ترتیب میدهند که انواع نوشابه سرد و خوراکیه باب را برای اشتراك

در والنسیا عادت بر این نیست تادر روز عید مهمانان را بمنزل دعوت کنند و هم در منازل خویش خوراکیه و نوشابه های این عید را برای مهمانان ترتیب نمی دهند تنها در محل مخصوص غرفه ای ترتیب میدهند که انواع نوشابه سرد و خوراکیه باب را برای اشتراك

گردد. مادریا مرکز سیاسی اسپانیا بوده
 پارلمان «کورتز» و سران اول کشور در مادریا
 زندگی دارند شهر از طرف ناروالی اداره شده و از
 ۱۲ ناحیه (استرئیوس) تشکیل گردیده است
 که اداره آن بدست ناروال مادریا میباشد .
 مادریا بعد از بار سلونا دو مین شهر
 صنعتی اسپانیا بوده صنایع ثقیله ، طیاره
 الکتروتخنیک ، مواد کیمیای و صنایع آلات
 حربی در این شهر انکشاف خارق العاده ای
 نموده است بر علاوه قالین بافی بصورت



کارهای روزانه راهمه با همکاری دنبال میکنند.

عنعنوی، خامک دوزی و زرگری نیز در این
 شهر ترقی خوبی کرده است . بانکهای تجارتی
 صنعتی و زراعتی، شرکت های تجارتی و بیمه
 هاهمه در مادریا تجمع کرده اند . مادریا
 بزرگترین مرکز راه آهن، سرکها و خطوط
 هوایی اسپانیا بوده دارنده چهار استیشن
 بزرگ قطار آهن بوده و چندین میدان هوایی
 که بیشتر شکل بین المللی دارند نصیب این
 شهر شده است .

مرکز پایتخت شکل مثلثی را داشته که بین
 سه میدان مهم و بزرگ پوتیردسول، پلازما یود
 و پلازا دواسیان قرار دارد که از شعاع آن ده
 جاده بزرگ به هر سمت کشیده شده است
 و همه سرکها بسوی پرتا دلسول رهنمایی
 شده اند . در پیاده روها از سنگ های مقبول
 کانتور مملکت نقش شده است که کلمه (صفر
 کیلومتر) بنام گره ای احاطه شده است که
 شروع سرکها بر سمت از همین محل میباشد
 و در نزدیکی آن مجلس سیاسی زیر ز مینسی
 مادریا وجود دارد در غرب از میدان پیرتادلسول
 بسواحل دریا شهر کهنه موقعیت دارد که در
 آن قصر قدیمی شاهان اسپانیا، موزیم عسکری
 و اوپرای مادریا دیده میشود. قصر شاه
 یکی از بهترین ساختمانها و بنا های جهان
 محسوب میشود که در بزرگترین و قشنگترین
 میدان شهر قرار دارد این میدان در سال
 ۱۸۱۱ بنا یافته بر علاوه یادگار فلیپ چهارم
 در آن پارچاست . در میان تصور مادریا
 مهمترین آن میتوان قصر عدالت ، قصر سنا و
 قصر کانگرس را نام برد که از هر حیث جالب
 و تماشایی است در میدان مایو مجسمه فاتحین
 اهالی مادریا علیه فرانسویها که در جنگ
 روز دوم ماهی ۱۸۰۸ غالب شده اند دیده میشود.
 بالاخره قرن ۱۷ دوره درخشان بنایی مادریا
 محسوب میشود که بهترین تصور ، کلیسا
 و معابد یکی بعد دیگری ساخته شده که شهرت
 جهانی دارند. ساختمانی وارکتیکت قصر شاهان
 مادریا از قرن ۱۸ بیشتر شکل کلاسیکی را
 بخود گرفته است که عمارت عالی موزیم ،
 مجسمه ها و رسامی الپرادو از نمونه های آنست.
 مادریا دارنده بهترین پارکها با مجسمه ها
 و فواره های قشنگ میباشد که در اروپا معروف بوده
 تماشاچیان و علاقه مندان خاص دارد. بزرگترین
 پارک پایتخت اسپانیا پارک مقبول و زیبا ی
 کاسادوکمپو است که ۱۴۴۷ هکتار ساحه را
 در ساحل دریای منزانارد بر گرفته است. دارای
 سه جیل و ۹ فواره خیلی عالی میباشد .

۱۱ پل اساسی و مستحکم راست و چسپ
 مادریا را بهم وصل میکند که پل تولیدان از
 مهمترین آنست . مادریا شهر عجیبی است
 که میتوان در هر قسمت آن اشیای مختلفی را

مشاهده کرد در مرکز شهر بهتر ین عمارات
 تاریخی، جاده های پرچوش، موزیم های
 یادگاری، پارکها، باغات، عمارات عصرت اداری
 و منازل نشیمن، هتلها و لوکل های خوشگذرانی
 تجمع کرده اند و منطقه کارگران منازل کهنه
 و فرسوده که قسمت شمالی و جنوبی را دربر
 میگیرد و در آن مجلس کارابانچل که از محاسن
 سیاسی و مهم اسپانیا محسوب میشود، قرار
 دارد با وجود این همه زیبایی ها کمبود برق
 و آب شامیدنی در پایتخت دیده میشود چنانچه
 در موقع گرفتن آب سلسله نوبت خیلی طولی
 میشود که ساعت ها باید انتظار کشید .

وسایط نقلیه شهری را تراموی (۶۷ کیلومتر)
 سرویس (۲۳۲ کیلو متر) ، برای لیبوس
 (۴۳ کیلو متر) و مترو در بر میگیرد که طول
 خطوط مترو در داخل شهر به ۳۰۷ کیلو متر
 و در خارج به ۹۰ کیلومتر میرسد . تعلیمات
 ابتدایی و متوسط مادریا در حقیقت بدست
 روحانیون بوده و تعلیمات عالی صرف بچوانانی
 میسر میشود که از طبقات ثروتمند اجتماع
 باشند . مادریا دارای یونیورسیتی بزرگ و
 عالی بوده که در ۱۵۰۸ تاسیس و در حال حاضر
 ۴۰ هزار نفر محصل در آن تدریس میکنند.
 پوهنتون مادریا شامل ۱۶ فاکولته مختلفه
 میباشد .

بر علاوه انستیتوت اکادمی علوم، اکادمی
 تاریخ، علوم اخلاقیات و سیاست ، اکادمی
 علوم طبیعی، فزیک، طب، اکادمی کلتور
 اسپانوی ، انستیتوت صنایع ملی همه در
 مادریا تمرکز یافته اند .

موزیم مادریا در جهان شهرت زیادی داشته
 موزیم های امپرادو، صنایع نفیسه و رسامی
 ملی که در آن آثار آرتیست های اسپانوی،
 پورترت های ایتالوی و غیره جمع گردیده اند
 ولی از موزیم های بزرگ پایتخت اسپانیا که
 شهرت زیادی دارند میتوان موزیم های
 انترپولوزی، اتنوگرافی، تاریخ قدیم و موزیم
 ملی آرکیو لوژی را نام برد . در میان تیاتر های
 مقبول و زیبای مادریا از همه بیشتر تیاترهای
 البینیو، الکازار، سالدیون، تیاتر اسپانوی
 و فونتالبا معروف و عمومیت دارند .

مادریا از رهگذر مجلات و روزنامه ها غنی
 بوده که ۸ روزنامه آن معروف است ولی از همه
 بیشتر روزنامه (ای.بی.سی) (اردیبا) و (تا)
 (انفارماسیون) و غیره حیثیت بین المللی دارند.
 آژانس خبر رسانی اسپانیا بنام ای. اف. ای
 یاد شده و تنها در مادریا چهار استیشن رادیویی
 و دستگاه عصری تلویزیونی فعالیت دارند .

پایان

شعر...

لاتراوس

خه هم چیری فرزانه وم، فرزانه یم لاتراوس
 تل بی خوده دیوانه وم، دیوانه یم لاتراوس
 چه رانلی به جهان یم خیرسوی به خیل خان یم
 درازونوخزانه وم ، خزانه یم لاتراوس
 به عالم خماخبری خلق گایه نردی لری
 به وگری افسانه وم، افسانه یم لاتراوس

چه دمنخ پلونی واشویومشال وه چه نمانسو
 هفهوم پر پروانه وم، پروانه یم لاتراوس
 چه نی خان سره آشنا کرم له هر چانی شایه شاکرم
 له عالمه بیگانه وم، بیگانه یم لاتراوس
 هفشان له خپله یاره، بروکیله بی ریباره
 خه خوشحال چه بیگانه وم، بیگانه یم لاتراوس

دلت

گم

ابر ها یکشب مارا
 تابه میمانی باران بردند
 ماعطش را :

مم کردیم .

بیدل

هر ابرای من آفریدند

برای خاطر من آفریدند
 طفیل چشم من نم آفریدند
 وداع غنچه را ، گل نام کردند
 طرب را ماتم غم آفریدند
 جوصبح آنجا که من پرواز دارم
 نفس با بال توام آفریدند
 اگر عالم برای خویش پیدا است
 برای من ، مراهم ، آفریدند
 گهر موج آورد، آینه جوهر
 دل بی آرزو گم آفریدند
 کف خاکی که بر بادش توان داد
 به خون گل کرده آدم آفریدند

خاقانی

نوایی زن!

صنم میگو ودر میخانه میرقص
 نوایی میزان و مستانه میرقص
 عجب ذوقی بود بارقص مستی
 تونیز ای باده ! در میخانه میرقص
 برافشان دست بر ناموس وانگه
 میان محرم بیگانه میرقص

به جان باغیر جانان در میا میز
 به تن باعقل و دیوانه میرقص
 دل از تمکین شود بی ذوق ، زنبهار
 گهی کودک شو و طفلانه میرقص
 جوخون از زخم سید گشته میجوش !
 جودل درسته پروانه میرقص !

ب - خاقانی

درد

با من
 دلت نگفت ، لبیت گفت
 آن قصه ها که جان تو بهینفت
 لیک آن نهفته درد درون را
 بانو
 لبم نگفت ،
 دلم گفت .

ژوندون

راغله لاره

لکه دتوری شیبی به زپه کی
شی نابرجی یوسین پرک دبرینا
اودی لارو، لارو و لپاره
له گرتکونو چکه لارو بیسی

یابه تروزیو دنیلو کی چی
اور اورکی دامیتو خلیری
اویابناه شی دنقرله له اورسو
دکورو گورو تورتمونو شانه

یاداسرود خو پیه وچ موکل کی
چی یوناخابه نیز دهیلو رانی
اوگری یوواری بی بیانکی خبی
دتلوسو دساحل وچی شونوی

یالکه رازو نیاز دیتی مینی
به خوترورو غلچکوکی تیر شی
بسی سلی دیلماتانه وزمولی
آلدیویه ارمان تری زپونه

بادیلتون له شوگیرونو خنی
چی له لیمونه لیردی خوب و آرام
له نیمه خواوو ارمانونو سره
داندیشنو له کاروانو نو سره

یالکه جوړه مخه بی ته دیار
دیزو خو کوته راغلی او شکه
یوه سیه چی ستیدلای نشی
یوه سیه چی تمیدلای نشی

هسی زما دزوند نیزالی هیله
هسی زما دزپه دکور میرمه
پس له عمرونو خنی راغله لاره
به رب دسترگوکی بس راغله لاره !!
دوکتور مجاور احمد زیار
نادر شاه مینه د ۵۴ وری

پخته

میان موج سبز پنبه زاران
حبابی چون گهردر عقد هر شاخ
دل هر بته گویی داغدار ست
که اینسان عقده ازدل داده بیرون
غلط گفتم، نه این تبخاله باشد
غلط گفتم، نه این تبخاله باشد
صف باشد، در ناسفته باشد
عرفای جبین پاک دهقان

حباب دیر پای پنبه زاران
الهی باد الفزونتر ز باران

حسین عدی
۲۵ میزان - کندز

ساقی

ساقی رایوه بیاله دشراب غواړم
یار په غیږکی لکه چنگ ورباب غواړم
چی سپاز لکه دخما به لاس وی
په گداری دهر تارنه جواب غواړم
که به سم دستن کی اوښ تیروی نه سم
زه په جام دخپل نصیب کی دریاب غواړم
پس خورده دتازی آس خره له داروده
دایازنه خکه ناز دنواب غواړم
که قصور دعبادت زما معاف شی
په گناه به ختکه رب نه تواب غواړم
زه طالب احمد دین دومره نادان نه یم
چی دیره بیه به خوړکی سیلاب غواړم
«طالب احمد دین»

ویرینگ کانی

شاعر سیاه امریکایی

بی تصویر

او زیباتش را نمی شناسد
گمان میکند که بدن سیاهش
شکوهی ندارد .

اگر میتوانست برهنه برقصد ،
زیر درختان کاج .
وتصویرش رادر آب رود ببیند ،
آنگاه میدانست .

اما ، درخت گساجی
در خیابان نیست .

و آب نرفشویی هم تصویری منعکس نمیکند.

مراغلی

ملا رحمت الله

دهقونه زده کړه فن دمرغلرو
چه سینه ئی وی معدن دمرغلرو
دخواص غونډی محنت به درد دچار شه
خوا پرېرده دعدن دمرغلرو

چه یوه دانه داوښکو پری ورتکړی
که خوک درکړی دوتنه من دمرغلرو
روح به څه حظ خنی واخلی له حماده
ورته به خلوه تن دمرغلرو

کاس هر دم «رحمت الله» پخپله تاته

سترگی چکی کی لمن دمرغلرو

احمد

(۱۳۵ پیری شاعر)

عاشقان که صنم غواړی صنم دادی
سوختگان که مرهم غواړی مرهم دادی
چه ئی لمر سپوږمې دحسن شانی نه دی

رهنای ددرست عربو عجم دادی
حاجیان درومی طوافی دکعبی کا
زه طواف دیار ددرکرم حرم دادی
زندگی ددنیا غم دی راحت نشته

چه دیار غم بکنی وهری حرم دادی
پارچه مخ کله خرگند کاکله پت کا
دغه مېرووفانه ده ستم دادی
دوزخ ندی جالیدلی به دنیا کبسی
جدایی ستایه تحقیق جهنم دادی

فریادهای

مرگ

- فرار معلوم دیروز شام خانم پروتیرو از باغچه منزل آقای کلمنت عبور کرده است .
- آری، این درست است وقتی میگذشت به اوسلام کردم واو نیز گلهای مرابانظر تقدیر کننده نگاه کرد .
- میتوانید بگویند این برخورد چه ساعتی صورت گرفت ؟
- تقریبا هفده هجده دقیقه از شش گذشته بود زیرا چند دقیقه پیش از آن نافوس کلیسا ساعت شش را اعلام داشته بود .
- خیلی خوب ، بعد چه واقع شد ؟
- خانم پروتیرو گفت که به منزل آقای کلمنت میرود و از آنجا باشوهرش یکجا به قصر خود شان بر میگردد . سپس از طریق درب حیاط وارد منزل آقای کلمنت شد .
- یعنی پروتیرو از درب عقبی وارد منزل جناب کشیش شد ؟
- آری . بشما نشان میدهم . سپس من ومدیر پلیس راباهیجان زیاد به باغچه منزل خود برد و در آنجا باخانم کلمنت دیدم .
- پروتیرو از طریق دهکده آمده بود .
مالچت گفت :
- میدانم . خلاصه اینکه خانم پروتیرو وارد منزل آقای کشیش گردید ؟
- آری بخوبی دیدم که عرض حیاط راپیموده از گوشه عمارت دور خورد . اما فکر میکنم پروتیرو در آن لحظه آنجا نبود زیرا خانم بی معطلی مراجعت کرد و به آتلیه رسامی آقای ریدینگ رفت .
- میدانم . ولی آیا شما صدای سلاح بگوش تان خورد ؟
- در آنموقع نشنیدم .
- آیا خیلی بعد شنیدید ؟
- آری .. بنظرم اینطور آمده که در جنگل مجاور باکمی اینسو و آنسو صدای فیری بلند

شد ولی در حال این ... در حال این ...
میس مارپل خاموش شد و از شدت هیجان رنگش کاملا سفید شده بود .
مالچت سر تکان داده گفت : آری آری ...
روی این مطلب بعدا توقف می کنیم شما لطفا داستان خود را تمام کنید ... کجا بود ؟ خانم پروتیرو به آتلیه نقاش رفت .
- دوست است . داخل شد ومدتی آنجا ماند . کمی بعد آقای ریدینگ از طریق دهکده پیدا شد . به درب حیاط منزل آقای کلمنت نزدیک شده نگاه می کرد اطراف خود را نگاه کرد .
- و شما را دیدم ، میس مارپل ؟
زن سالخورده کمی سرخ شد وجواب داد :
خیر ، مراندید چه درست در همان موقع من روی باغچه خم شده مشغول چیدن علف های هرزه بودم . اصلا خیشاوه کار دشواری است .
درست موقعی که من سر برداشتم دیدم مرد رسام از در منزل آقای کشیش وارد شده به سوی آتلیه خود میرود .
- آیا به طرف منزل آقای کشیش نزدیک نشد ؟
- خیر ... خیر ... مستقیما بطرف آتلیه خود رفت و خانم پروتیرو او را در مدخل آتلیه استقبال کرد سپس هر دو بداخل رفتند .
آنگاه میس مارپل به شکل معنی داری خاموش شد . من داخل صحبت شدم :
- شاید خانم پروتیرو تصویر خسود را میکشید .
میس مارپل مختصرا جواب داد :
- شاید .
- از آتلیه چه موقع خارج شدند ؟
- تقریبا ده دقیقه بعد .
- یعنی ساعت چند ؟
- زنگ کوچک ساعت کلیسا را شنیدم

بودم . از درب عقبی حیاط خارج شده راه افتادند . در همان لحظه دوکتور ستون برای که بسوی قصر قدیمی میرفت ، روانه گردید و پس از طی حاشیه راه به آنسان پیوست .
غالبا چند لحظه بعد میس کروم نیز به آنان ملحق گردید درینمورد زیاد مطمئن نیستم ولی تصور میکنم اخیرالذکر باید میس کروم بوده باشد زیرا دامن پیراهنش خیلی کوتاه بود .
- وقتی ازین فاصله دور میتوانید اشخاص را دیده تعیین هویت بکنید حتما چشمان خیلی قوی دارید ، میس مارپل .
- من در آن لحظه به تماشای یک پرنده مشغول بودم و در آن لحظه دوربین خود را در دست داشتم . بهین دلیل متوجه همراه شدن میس کروم به آنان گردیدم . طبعا باید آن خانم کلادیس کروم باید باشد .
مالچت گفت :
- امکان دارد ، وقتی ایبمه دقیق هستید آیا توانستید متوجه شوید که موقع خروج آقای ریدینگ و خانم پروتیرو در چه شان چه حالتی نقش بسته بود ؟
پیرزن خنده معنی داری بر لب رانده جواب داد :
- باهم حرف میزدند . چون در کنار هم بودند خیلی خوشبخت جلوه میکردند در حال متوجه هستید که من چه میخواهم بگویم ؟
- پس سیمایی گرفته یا اندوهگین نداشتند ؟
- خیر ، خیر ، بالعکس .
مالچت گفت :
- خیلی عجیب است . در تمام این جریان نوعی غرابت وجود دارد .
گفته های بعدی میس مارپل عادتا جان ما را به لب رساند . در نهایت سوال کرد : مثل اینکه خانم پروتیرو ادعا میکند که قاتل است .
مالچت نعره زد :
- این را چگونه حدس زدید ، میس مارپل ؟
- من فکر میکردم چنین چیزی اتفاسق می افتد . تصور میکنم لیتس عزیز هم باین فکر باشد اودختر ذکی وتیز هوشی است ولی زیاد صداقت ندارد . بگذریم . یعنی آن پروتیرو مدعی است که شوهر خودش را به قتل رسانده است . من این حرف را باور نمیکنم آنهم از زبان زنی بخوبی خانم پروتیرو خیر ، من چنین روایتی رانمیتوانم قبول کنم . البته انسان نمیتواند نسبت بهمه اشخاص اعتماد داشته باشد که این حرف جداگانه ایست .
من این مساله را قبلا حدس زدم . خوب نگفتید آن راجع به ساعت قتل چه میگوید ؟
- ساعت شش و سی دقیقه . یعنی لحظه ای بعد از آنکه باشما صحبت کرده بود .
میس مارپل سر خود را با مهربانی اینسو و آنسو حرکت داده پرسید :
- خوب با چه سلاحی او را کشته است ؟

- با تپانچه .
- سلاح را از کجا بدست آورده ؟
- از خانه با خود آورده است .
میس مارپل با قاطعیت غیر منظره ای گفت :
این قسمت راست نیست میتوانم این را سوگند یاد کنم . چنین چیزی نزد او نبود .
- ممکن است شما سلاح را ندیده باشید ؟
- خیلی خوب میتوانستم ببینم .
- شاید تپانچه در دستکول او قرار داشته است .
- آن ، در آن روز دستکولی با خود نداشت .
- بالاخره شاید جایی آنرا پنهان کرده بود .
پیرزن نگاهی حقارت آمیز به مالچت افکنده گفت : شما بهتر میدانید زنان جوان با چه لباس و قیافه ای از خانه بیرون می آیند . هرگز فراموش نمیکنند که خدا آنان را در بدو خلقت چگونه آفریده بود . (آن) حتی یک دستمال را هم لای جرابش پنهان نکرده بود تا چه رسد به یک تپانچه . این کاملا پیدا بود که چیزی مخفی با خود ندارد .
مالچت روی عناد گفت : ولی این را باید قبول کنید که برکه ها ادعای آنرا تایید میکنند . مثلا ساعتی که روی زمین افتاده بود ، شش و ۲۲ دقیقه رانشان میداد و این
میس مارپل حرف او را بریده بمن گفت :
این موضوع ساعت چیست آقای کلمنت ؟
مساله را شرح دادم . مالچت ناراحت شده گفت چرا این مساله را در شب به مفتش سلاک نگفتید ؟
- بدلیل آنکه او مرا به حرف زدن نگذاشت و از من چیزی نپرسید .
- اشتباه شده ، باید برای تذکر این موضوع اصرار میوزدید .
- مفتش سلاک آنطوریکه در برابر شما آرام است و اطاعت می کند ، با من این بردباری را نشان نمیدهد . اصرار من غیر ممکن بود .
- واقعه عجیبی است . اگر شخص سومی پیدا شده و ادعا کند که پروتیرو او کشته است ، مسلما کار من بدارالمجانین می کشد .
میس مارپل زیر لب گفت : میتوانم توصیه ای بشما بکنم ؟
- آری .
- به آقای ریدینگ بگویند که خانم (آن) پروتیرو به قتل شوهرش اعتراف کرده و بعد هم اظهار عقیده کنید که بنظر شما هم « آن » ممکن است قاتل باشد .
بعدم به خانم « آن » مراجعه کرده اطمینان بدهید که برای آقای ریدینگ ، دیگر خطری وجود ندارد . در چنین شرایطی است که هر دو حاضر به گفتن حقیقت میشوند و این خیلی نفع دارد . اما من یقین دارم که این دو عاشق بدشانس درباره قتل چیز زیادی نمیدانند .

ولی ازین بردن پروتیرو فقط به نفع این
دو نفر تمام میشود .
پیرزن اعتراض کرد :
- اینطور نگویید آقای مالچت .
- چرا؟ آیا چیز دیگری بخاطر شما میگردد ؟
- طبعاً .

سپس شروع به شمارش انگشتان خود کرده
گفت: يك، دو، سه ، چهار، پنج، شش و حتی
هفت نفر . آری قتل پروتیرو بفتح هفت نفر
است و هر هفت در آرزوی ازین رفتن پروتیرو
بودند .

مدیر پلیس در حالیکه حیران حیران به این
بانوی پیرمی تگریست گفت :

هفت نفر و آنهم درستت هاری مید ؟
میس مارپل سر خود را به شیرینی چنانچه
اظهار داشت : اما من حاضر به معرفی اسامی
آنان نیستم چه این درست نیست می ترسم
اشتباهی رخ دهد . حقیقت را خدایمیدانند و اسامی
کاملاً گم نیستند ، آقای مالچت .
مدیر پلیس ترجیح داد خاموش بماند .

پس از خروج از منزل میس مارپل ، آنچه
السر پلیس راجع به پیرزن میگفت چندان
مناسب و خوب تلقی شده نمیتوانست : (این
مادموازل پیر تصور می کند از همه چیز با اطلاع
است . در حالیکه از داخل این دهکده تا یک
فرسخ به مسایل پیچیده زندگی نمیداند.)

بملاحت توضیح دادم که میس مارپل راجع به آنچه
در دهکده اتفاق افتاده معلومات خوبی میتواند
ارائه کند . و مالچت اظهارات مرابادل نخواست
تایید کرد و گفت : در حال او شاید با ارزشی
است . مخصوصاً از لحاظ خانم پروتیرو .
در گفتارش هیچگونه شبهه ای وجود ندارد .

- میس مارپل اظهار میدارد که خانم پروتیرو
تپانچه با خود نداشته است . و این عین حقیقت
است زیرا اگر آن پروتیرو با خود سلاح
میداشت میس مارپل حتماً آنرا میدید .

- این قسمت درست است . حال برویم
سری باین آتلیه نقاش دیدنگ بزنیم .
آتلیه ساختمان کوچکی بود که از سنگ
اعمار شده بود ، يك در داشت و در سقف آن
شیشه کار شده بود . پنجره دیگری در آن دیده
نمی شد . مالچت که اینک از اینکه خروج
رسم و خانم آن ، بدون آنکه دیده شوند .
ناممکن است ، مطمئن بنظر میرسید ، گفت :
من ازینجا به مرکز میروم و بعد در محبت مفتش
سلاک نزد شما خواهیم شد .

وقتی از در خانه داخل می شدم يك سلسله
زمره ها بگوشم خورد . درب اتاق پذیرایی را
گشودم دیدم گریزدا باهیجان زیاد بامیس گرام
صحبت میکند . گلادیس گرام جرابهای سپید
بپاداشت و در حالیکه پاهایش را روی هم افکنده
بود گوش میداد .

وقتی حرف گریزدا تمام شد ، میس گرام
مرادیده گفت: صبح بغیر پدر مقدس . واقعه
پروتیرو خیلی وحشت آور است ، اینطور

خوبی هم بدست می آورم . دوکتور ستون هم
مردی بتمام معنی چنلمین است ولی هر چه
باشد انسان در ساعات خارج کار به يك اندازه
تفریح احتیاج دارد . درین دهکده راستش
مصاحبی بهتر از شما سراغ ندارم خانم کلمنت
بقیه يك مشت پیرزن صراف اند .

من گفتم: ولی لیتس پروتیرو هم هست .

میس گرام سر خود را بیکسو چنانچه گفت:
او امثال مرا به نظر حقارت می بیند و خود را خیلی
در سطح بالا فکر میکند . ازینجهت حاضر نیست
با دخترانی امثال من که خود را بطریق کار زندگی
خود را تامین میکنند ، به صحبت بنشیند .
باری شنیدم وی اظهار علاقه کرده که خوش
میتواند بخورد .
گریزدا با سر اشاره مثبت کرده گفت :
آری لیتس میتواند مانکن خوبی بشود . اندام
فوق العاده متناسب و زیبا دارد . راستی او چه
موقع این حرف را زد که از طریق کار میخواهد
زندگی کند ؟
« با قیادارد »



فکر او عمل

هم یوډول حرکت شته نوویلی شو چه دواقعییت ټول اجزاء تل ترتله متغییر متحرک اوپر مخلونکی او په بوی رنگ څرگند پری، چه دغه نوی رنگونه له زړو رنگو نو څخه تو پیر لری اودنویو حالاتو له غو بمتنوسره سمون خوری هیڅ لیک ددغه پرمختگ ملخه نه شی نیولی ددغه پرمختگ موقتی مخنیوی دهمدغه پرمختگ متانت اوپو خوالی زیاتوی دواقعییت دبدلون اوپرمختگ علت یوازی حرکت د واقعییت دمتضادو اړخو نو دمبارزی نتیجه دمثلا که دواقعییت اړخونو ترمنځ تضاد نه وای نو دغه واقعییت به هیڅکله تغیر او تحول نکاوه نو ویلی شو چه دواقعییت دبدلون او تحول اساسی علت په خپله په واقعییت کښی دننه دی چه عبارت دواقعییت د اړخونو له تضادو نو اوتنا قضاتو څخه دی دا چه بد لون او تحول پخپله داضدادو له مبارزی څخه عبارت دی او خارجی عوا مل په کښی مستقیمه برخه نه لری مثلا کله که په کوچنی کی عضوی لیک او قدرت نه وای چه وگرځی نو که ده ته دگر څیدو ټول وسا بل چمتو هم شی دا کوچنی گرځیدی نه شی دا کوچنی هغه وخت گرځیدی لی شی چه دده غړی په خپله غښتلی او قوی شی.

په واقعییت کی بدلون او تحول اومرو مهال غواړی څکه دواقعییت زاړه اړخو نه اونوی اړخو نه سره مبارزه کوی، نوی په زړو بریالی کیږی له منځه ځی او نوی وده اوانکشاف کوی، نوی په خپله په زاړه کښی پیدا کیږی او په پای کی په عین حال کښی چه په زاړه متکی هم وی زوړ له منځه وړی اوځای یی نوی نیسی دغه نوی اړخ نسبتاً دیوبل زیات نوی داخلی اړخ سره بیا په مبارزه لگیا کیږی په پای کښی زیات نوی بریالی کیږی اونسی نوی له منځه وړی په پاتی په (۶۰) مخکښی

دیونان فیلسو فا نو په تیره بیا ارسطو ددی دپاره چه فکر له خطاؤ څخه سالم او محفوظ پاتی شی، یو شمیر قواعد او کلیات ایښی دی چه دی قواعد او کلیاتو ته منطبق وایسی څرنگه چه دغه قواعد او کلیات په صوری اومادی ډوو برخو ویشل شویدی نو له همدی کبله منطبق هم دوه ډوله لری چه یوه ته زوړ اوصوری منطق وایی او بل ته مادی اونوی منطق وایی دمنطق موضوع هغه کلیات او قواعددی چه دسم فکر په پیدا کولو کښی له هغو څخه کار اخیستل کیږی دغه قواعد یوازی تش خیا لی او تصوری قواعد نه دی، بلکه مهمه او اساسی برخه انسان دشعور په مرسته له طبیعت او ټولنی څخه لاس ته راوړی دی نو یوازی طبیعت او ټولنه ده چه انسان ته یی سم منطق ښودلی دی له همدی کبله انسان په دی پوه شویدی چه هره چاره چه له طبیعت او ټولنی سره سمون نه لری دداسی چاری په سرته رسو لوهیڅ سبک او قدرت نه لری انسان یوازی هغه څه کوی چه له طبیعت او ټولنی سره سمون لری اوداسی کارته وړاندی کیدل چه له طبیعت او ټولنی سره سمون نه خوری عبث بو لی.

څرنگه چه طبیعت او ټولنه یو واقعییت دی او واقعییت بی شمیره متضاد اړخونه لری نو دهمدغو متضادو اړخونو یووالی او وحدت دټولو طبیعی او اجتماعی فعالیتو نو د علت یعنی حرکت بنسټ اواساس دی دواقعییت اړخونه سره یو تر بله یو پر بل اغیزه اوتأثیر کوی اوددی اړخو نو تر منځ ټینګ ارتباط او اړیکی وجود لری دواقعییت د اړخو نو ترمنځ اړیکسی یا مثبتی اویا منفی انسان دشعور په مرسته دگټورو او مضرو اړیکو په پیژندنه بریالی کیږی اود خپلی گټی دپاره له دغو اړیکو څخه کار اخلی څرنگه چه حرکت مطلق او سکون نسبی دی یعنی دسکون په حالت کی

گمشکو

به قلبش مهر اغیار است گمشکو
لبش گر لعل آبدار است گمشکو
کتون دوست ریاکار است گمشکو
قدش چون نخل بی بار است گمشکو
به پشتت مست گفتار است گمشکو
به مود (نو) گرفتار است گمشکو
رخش چون نقش دیوار است گمشکو
سرایا پوش طومار است گمشکو
اگر شوقش به بازار است گمشکو
بگردن زر بخروار است گمشکو

دلا دلبردل آزار است گمشکو
ترا در آتش هجرش بسوزاند
بزوز اولت گفت من ترا دوست
به تنهایی بسوز و باالم ساز
به مگرو حیله گرید پیش رویست
نباشد در غم بود و نبودت
خونت بر لب بمالد عو ض رنگ
به عرف وعادت فرتوت بود بند
چو درخانه درآیی او بر آید
ندارد طوق دانش یا که پیش

به خواستهای زمان گزینست تابع
نه بر دین بلکه دیندار است گمشکو

پویان سیدی

رفا تجلی

مهرگان

شراب کهنه آور بهر من ای باغبان امشب
ز سوز قلب پر دلم مگر بلبل خیر دارد
شمال سرد پائیزی دل و جان مرا افسرد
بحسرت یاد می آید بهار پارسه را
بجزاز صحبت مستان نمی خواهد دلم چیزی
بیای مونس دیرین فراموشم مکن دیگر
جهان بی وفا را چون وفا نمی میدانم
دل بلبل بلرزاند هوای مهرگان امشب

سخندان نغز در باره زن

- زن بهترین و آخرین نطفه آسمانی است.

(میلتون)

- زن کودکی است که با اندک تبسمی خندان و با کمترین بی مهربی گریان می شود.

(مروید)

- زن نازاید دلبر است و چون بزاید مادر است.

(انگلیسی)

- قلب زن هر گناه مرد را می بخشد به جز یک گناه و آن علاقه داشتن به زن دیگر است.

(روس)

زن در عشق سرد نمی کند زیرا اگر سرد می کرد هرگز دل به عشق نمی سپرد.

(گریگوری بک)

- آن جاه که ازدواج بدون عشق صورت بگیرد حتما عشق بدون ازدواج در آن رخته خواهد کرد.

(فرانکین)

- یک زن که دانا و وظیفه شناس نیست نقش یک جسم متحرک را بازی می کند.

(ژرژ ساندر)

- زن در جوانی معشوقه مردود در زمان پیری پرستار اوست.

(بایکون)

ارسالی : آینه از ولایت کندز

از لابلای دوسیه...

هستم میباشم



گوشه‌ای از صحنه‌ای درام هشتم میباشم در ادیتوریم لیس استقلال

کوناگون صورت میگرفت تا در اثر آن، شخص متهم مجبور باعتراف ساخته شود و در نتیجه سبب آرامش و اطمینان و جدان محکمه گردد. چنین حکم صادر شد که بایستی نخست دست هایش را از بند قطع کنند و سپس خودش را زنده در آتش افکنند و اینگونه جزا بصورت استثنایی در مورد کسانی اجرا میگردد که مرتکب قتل پدر و یا مادر میشوند، اما در مورد همسر او، حکم چنان صادر گردید که وی را بدون قطع دست همچنان زنده و سالم در آتش بسوزانند.

مطابق بحکم محکمه، سوال معینی و مورد نظر اجرا گردید، طوریکه متهم را از دوشانه آوریختند و کره‌های بزرگ آهنین را دریاها پش بستند و تمام اطراف بدنش را با تناب‌ها در هم پیچیدند و افراد موظف در حالیکه سر تناب‌ها را در دست داشتند بسمت‌های مختلف کشش میکردند و عذاب بدان حد رسید که برخی از اعضای بدنش از هم جدا گردید و چون این عذاب در حقیقت، عذاب در جریان تحقیق و به قصد اعتراف متهم انجام می‌یافت، این متهم در آن حال نیز با کلمات لرزان و حزین پیوسته برائت و بی‌گناهی خویش را ابراز میداشت و مقاومت و تحمل او بحدی بود که موظفین همه در حیرت رفته بودند و متهم در حالیکه کلمه برائت و شعار اینکه دستش بخون مادرش آلوده نشده، حکم محکمه نافذ گردید و اعدام وی انجام گرفت اما او همانطور بدون اعتراف از جهان رفت.

قبل از اعدام، مردم همه در عرض راه در انتظار رسیدن متهم بودند و چون او را دیدند برخی کلمات زشت و طعن آمیز بوی حواله کردند و او پیوسته برائت خویش را بر زبان داشت و چون به محل مو عود اعدام رسید و محل آتشی را که اکنون در آن انداخته میشد بچشم دید باز هم اصرار خویش را دوام دادند تا بقتل اعتراف نماید، ولی او میگفت: «مغفرت میخواهم از خداوند در گناهانی که از من سر زده است ولیکن از گناهی که هرگز از من سر نزده چه مغفرت بخواهم؟» در عذاب و شکنجه او بحدی مبالغه

حیران میماند و نمیداند چه کند. بالاخره از اتوانت وقت میگیرد تا درباره فکر نماید. کنتس، خاله هوبرت سخت مخالف طلاق است. از اینرو نمیداند چگونه موضوع را به کنتس بفهماند.

روزی کنتس نیز از موضوع باخبر میشود. این صحنه نیز تماشایی و جالب است.

همه هنرمندان نمایشنامه در روز خود موفق به نظر میرسند و کمتر خلایق در کار هایشان بملاحظه میرسند، تازه این هنرمندان حرفه‌ای نیستند و در همین جا در قابل همکاری خویشا بامرکز کلتوری فرانسه شروع نموده اند که به این اساس میتوان بازی شان را تحسین نمود، به دیده قدر نگریست و چشم گیر دانست.

چند نفر محدود از هنرمندان این کمپدی سابقه خیلی کم از هنر تئاتر دارند و پس.

موقعیکه کنتس از واقعه ایکه به وقوع پیوسته مطلع میگردد، مجبور میشود تا کوشش نماید موقعیکه کار دینال به آنجا آمداز موضوع چیزی نفهمد اظهار میدارد که اگر کار دینال از موضوع آگاه نشد و خواهرزاده دیگر خود را یعنی برادر هوبرت را کار دینال مقرر نمود به طلاق آنها موافقت خواهد کرد. اتوانت که نامزد خود را نیز با خود آورده در قصر مدت کوتاه راسپری مینمایند. درین مدت هوبرت تغییر عقیده داده و حالا میخواهد تا با همین اتوانت اصلی زندگی نماید.

نامزد اتوانت نیز بایکی از خدمه‌های قصر آشنا میشود و پنهانی باهم ملاقات نموده و عاشق سینه چاک یکدیگر میگردند.

صحنه دیدنی دیگر این نمایشنامه موقعی است که کار دینال از موضوع باخبر میشود و آن وقتی است که کار دینال در تراس مشغول مطالعه میباشد که زمزمه عاشقانه هوبرت و ژیزیل را میشنود، ازین بابت خیلی مایوس میگردد و اتوانت را که فکر میکند خانم اصلی هوبرت است از جریان باخبر بسازد، اما متوجه میگردد که اتوانت هیچ عکس‌العمل منفی از خود نشان نمیدهد. کار دینال سخت متعجب میگردد.

بالاخره هوبرت تصمیم میگیرد که با اتوانت مرسیه زندگی کند، ژول و آن خدمه اظهار میدارند که میخواهند باهم ازدواج نمایند. به ژول و معشوقه‌اش، اتوانت مرسیه وعده

بنازدهم رسید و امر صادر کرد که بموجب آن حکم و قرار محکمه استیناف که در نهم نومبر سال ۱۷۷۰ در مورد این متهم صادر شده بود نقض و فسخ گردید. در همین حال «ولتر» نیز که ازین جریان نهایت متأثر شده بود انتقادات شدیدش را علیه نظام و قانون عدالت آنجا وارد ساخت و ضمن هزاران نسخه نشرات جریان موضوع و دور از واقعیت بودن آن را بگوش همه مردم رسانید.

اطیای معروف جراحی احضار شدند و مجلس بزرگی تشکیل گردید تا حقیقت موضوع روشن شود که علت مرگ آن زن چه و مسوولین محکمه نیز روی چه دلیلی و استنادی اینگونه فیصله و حکم صادر کرده‌اند، در مجلس همه جوانب قضیه چه از نظر طبی و چه از نگاه قانونی مورد مباحثه قرار گرفت و بالاخره ثابت

و افراط صورت گرفت که نظیر آن در تاریخ محاکمات جزایی آنجا سراغ نمیشد. مقاومت و کلمات پراز راستی متهم تا آنجا در روحیه گروه مشاهدین آن عده ایکه چند لحظه قبل او را بحیث مجرمی ناپاک مورد لعن قرار میدادند و اعدام وی را در وحشیانه ترین وضعی مطالبه میکردند، تأیید انداخت که همه از نظر خویش بر گشتند و خواهان عفو او شدند و همه او را بی گناه و بری الزمه خواندند، اما چه چاره که دیگر کار از کار گذشته و او در میان آتشی بدرود زندگی گفته بود.

این احساس که شخص متهم اصلاً بی گناه است در میان مردم پهن تر شد و در نتیجه عده زیادی از مردم بمقامات مسوول عارض شدند تا در باره موضوع تجدید نظر دو بسازه صورت بگیرد و موضوع نزد لوئی

دغابونو په ډاکټري کښي

کړي شي اود غابونو نو دوينځلو په وخت کښي بايد دمسواک نيمه يسي برخه دغابونو نو په مخ او نيمه يسي نوره برخه يي دغابونو نو په اړخ واکيږي دوهيمه داچه هڅه وکړي چه دغابونو نو ترمنځ خاپوړنه او په تيره بيا هغه غابونو نه چه يودبل سره زيات نښتي وي دغابونو دمعصو صو نارونو په وسيله پاک کړي.

دريم داچه هغه نابليتونه چه دغابونو ډاکتر ناسي نه در کړي او يي ضرره دي وژوي دغه نابليتونه دغابونو نو دباکټريو ټوټي راسپړي او ناسي کولي شي چه دهينداری په مرسته هغه وويني دغه برخي بيا په مسواک ويري ترڅو يسي پاکي شي. څرنگه چه څيرنو څر گنده کړي ده دباکټريو ټوټي کولي شي چه په څلير ويشتو ساعتو کښي بيا جوړي شي که هره ورځ مسواک وهلونه دوام ورکړي ستاسي غابونو نه به د باکټريو له ناحيې څخه دضرر او خطر څخه خوندي پاتي وي.

دغابونو ډاکتران يقين لري چه په دغو لارو عمل کول بالا څيره ستاسي غابونو نه روغ وساتي. دغابونو نو ډاکتران وايي چه دفلور که مادي څخه استفادې دامريکي به زياتو بنارونو کښي دغابونو نو خرابواني او چنچي خوړل په ناڅاپي او حيرانه نوونکي توگه کم کړي دي.

دفلور څخه داستفادې فکر ۱۹۰۰ کالونو په لومړيو وختو نو کښي پيدا شو يعنې هغه وخت چه دکلورا دو به ايالت کښي دغابونو نو ډاکتر نردريک مک کي دي نه متوجه شوچ ددغه ايالت دخلکو غابونو نه قهوه ايزه بڼه لري او په دي ترڅ کي همدغه خلک ډير لږ دغابونو نو په درد اود غابونو په ريزيدو اخته وو ډير کلونه تير شول ترڅو څرگنده شوه چه هغوي دغابونو نو دقهوه ايزي بڼي اود چنچيو خوړلو داندازي دکموالي علت هغه هڅو چه هغوي دخښلو په اوبو کښي يي ځاي نيولي او هغه د فلور څخه عبارت و فلور يودول کيميا وي ماده ده چه غابونو نو جذب کړي او هغه يي سخت او کلک کړي دي او په نتيجه کښي دچنچي خوړلو په ناروغي لږ اخته کيږي په پای کښي څيرونکو داخبره څر گنده کړه چه په

اوبو کښي دفلور مادي د اندازي په کمولو سره کيدای شي چه دغابونو دبدونکي مخه ونيوله شي پدا سسي حال کښي چه دغابونو نو دکلکوا نې اغيزي هم کمي نه شي. از ما پښت وښودل چه دخښلو داوبو په يو مليون برخو کښي دفلور اڼه برخي دغابونو درنگ دتيزوالي سبب کيږي او يوازي يوه برخه فلور دخښلو داوبو په يو مليون برخو کښي کو لای شي چه دغابونو سرورنه کلک کړي اود غابونو دخرابوالي اندازه په سلوکي له پنځو سو څخه تر شپيتو پوري لږه شي.

دوهيمې جهاني جگړې نه وروسته درغوڅيرنو نتيجه دعملې کولو پراوته وړاندې شوه اود هغوبه باره کښي د نيويارک دايلت په دوو ښارو نوکي چه يوي نيويورک او بل يي کينگسټاون وازمايښت وشودنيو برکد ښار د خښلو په اوبو کښي يوه برخه فلور په يو مليون برخو کښي زيا ته شوه خود کينگسټاون دښار خلکو او به له فلور نه پرته وخښلي ټاکل شوي وه چه دغه څيرنه تر لسو کلونو پوري تعقيب شي مگر دنيويورک دکوچنيانو دغابونو دچنچيو خوړلو داندازي کموالي دومره زيات اود حيرانتيا وړ چه لار ښوونه وشوه چه دلسو کالونو له پای ته رسيدو مخه دامريکي دټولو ښارونو دخښلو په اوبو کښي دفلور ماده زياته شي.

نن ورځ ۹۵ مليونه امريکا بيان يا هغه هيواد ددغو سو نيمايي برخه فلور لرونکي اوبه څښي او په مليونو نور خلک هم خپل غابونو نه به فلور لرونکي کړي وي ونځي له دي نه پرته دغابونو يوزيات شمير ډاکتران دخوانانو غابونو نه دفلور په وسيله تدوي کوي.

اندازي پوري دساتني استغاره نه شي کولي، سر بيره په دي يوزيات شمير امريکا بيان يعنې له هرو څلورو تنو څخه يون يي خپلي دخښلو اوبه له څاه څخه تر لاسه کوي چه په هغوکي فلور اچولي نه شو.

له دي امله دغابونو نو دډاکټري دځانگي پوهان هڅه کوي چه دساتني نوي طريقي پيدا کړي.

دميکرو بونو په مقابل کښي دغابونو نو دساتني دپاره يوه لاره داده چه قند لږ وخوړل شي ځکه پوهان دي نتيجه ته رسيد لي دي چه دغه باکټري په قند او خوړو شيانو کښي وده کوي اوضمنه خواړه شيانو اسيد توليدوي اواسيد هم دغابونو نسو دخرابي سبب کيږي. له دي امله چه هرامريکا يي په منځني ډول په کال کښي ۴۵ کيلو په شا وخوا کي قندي مواد لکوي شک نه شته چه خوراکی ناوړه رژيم په هغوي ته صد مه ورسوي دغه مطلب په تيره بيا په هغو کوچنيانو کښي زيات صدق کوي چه د خوړو او خوړو لرونکو شيانو دخوړلو سره زياته علاقه لري.

له دي امله چه دخوړو شيانو دخوړلو څخه دکوچنيانو مخه نه شو نيولي نو پوهان دهغوي دغابونو نو دساتني دپاره بله لاره پيشنهاده وي دمثال په ډول دغابونو نو او ميکرو بونو ترمنځ دساتني د يوسپر په جوړولو سره دهغوي دغابونو دساتني سره مرسته کيدلي شي.

پوهانو له کلونو کلونو ازمايښتونو نه وروسته يو ډول بلاستيکي ماده جوړه کړي ده اود غابونو نو په مخ مزل کيږي او په لږه موده کښي وجه اوسختيږي او دغابونو دپاره يونامريکي پوښ جوړوي دغه بلاستيکي پوښ دوه مشکله ايجادوي لومړي داچه يوازي دغابونو نو ديو ډول فساد په مقابل کښي اغيز من دي اوهغه له هغه فساد او خرابوالي څخه عبارت دي چه دغابونو په غاړو پيدا کيږي.

دوهم سره له دي چه دغې مادي په ازمايښتو نو کښي مطلوبه نتيجه ورکړي ده څرنگه چه د کار له پيل څخه تر اوسه پوري زياته موده نه تيريزي نو دغابونو ډاکتران نه شي کولي بيخي ډاډور کړي چه دټولو خلکو دپاره به مطلوبه اغيزي ولري له دي نه پرته نوموړي بلاستيکي پوښ بايد کله کله بدل شي.

دغابونو دساتني دپاره نسوري لاري دغابونو دخپي نيمې مومي دپوهانو په وسيله پيشنهاده شوي دي چه دغابونو دروغتيا دمسؤول دولتي

ادارو څخه ددغه پرو گرام هدف ډير ساده دي او هغه دغابونو دټولو خرابيو له منځه وړل دي. دهغو نظريو له جملې څخه چه دغابونو دروغتيا دساتني دپاره يي سپارښت شويدي يوه هم داده چه دباکټريو دتوليدو نو ميکرو بونو دله منځه وړلو دپاره واکسين تطبيق کړي او په آنتي بيو تيکو نولرونکو اوبو باندي غابونو نو ووينځل شي. دغه اوبه ميکرو بونه وژني او حتی دفلور څخه هم بڼه غابونو نه کلک ساتي ددغو نظريو څخه يوه يي هم تراوسه پوري استفادې ته تيار نه ده خوا ميد دي چه ځيني نظريي به يي تر خورا مالونو کولو پوري له لابر اتوارونو څخه را وځي اود غابونو نو ډاکتران به دغابونو نو دناړو غيو په تدوي کي استفاده کړي.

ددې په څنگ کښي لکه څنگه چه وويل شول دغابونو نو ډاکترانو کنځني به تردي وروسته دخلکو دپاره دويري اودار ځاي نه وي په لومړيو کلونو کښي دغابونو نو ډاکتر نه دورتللو دگټو څخه دخلکو خبرول به دي سبب شي چه دامريکي راتلونکي نسل به دغابونو نو ډاکتر نه دورنگ څخه څه ويره اودار نه لري.

دغابونو دناړو غيو کنترول او مخنيوي تقريبا دمخنيوي وړ ناروغيو څخه دغابونو سائل دامريکي دغابونو داوسنيو ډاکترانو ستر هدف دي اوسني اقدامات اوقعا ليتونه څرگند وي چه تر څو نورو لسيزو پوري په متحده ايا لاتو کښي دغابونو ډاکټري کسب دکسبو نو نه رديف څخه ووځي.



اطلاعات وکتور

رئيس تحرير: محمد ابراهيم عباسي
 مدير مسؤل نجيب رحيق
 معاون: پيغله راحله راسخ
 متهم: علي محمد عثمان زاده
 تيلفون دفتر رئيس تحرير ۲۶۹۴۵
 تيلفون منزل رئيس تحرير ۲۲۹۵۹
 تيلفون دفتر مدير مسؤل ۲۶۸۴۹
 تيلفون ارتباطي معاون ۱۰
 تيلفون منزل معاون ۴۰۷۶۰
 سو چپورد ۲۶۸۵۱
 مديريت توزيع ۵۹
 آدرس: انصاري وا ۱
 وجه اشتراك:
 در داخل کشور ۵۰۰ افغاني

فامیل پر معلومات

يك شب كه با اعضای فامیل پولدار زاده دور يك ميز نشسته بودم از من خواستند تادریاره موضوعی صحبت کنم ناچار گلویم راصاف کره بیه سخنرانی آغاز نمودم ، میخواستم درباره سیاست حرف بزنم ، از استعمار وامپریالیزم ، مشکلات کشور های روبه انکشاف ، بلاک های سیاسی و خلع سلاح صحبت نمودم ، دیدم ، قیافه های همگی شان درهم رفت .

خشویم طاقت نیاورده گفت : خلع سلاح .. ای چه مزخرفات اس بعضی هایکه راجع به دست پخت مه صحبت کند چه میگه انسان به خوراك زنده اس .. چرا از خوردنی ها گپ نمیزنی .. آدم باید وقت خوده صرف معلومات غذایی کند آخر گفته اند كه عقل سلیم در شکم سپر است مه خوبه دخترم گفته بودم كه سرای بچه بوی قورمه چلو گرفته دارمیشه نامزدم در حالیکه از خشم مثل لبلوی قندی سرخ شده بود گفت .

چرا درباره سینما صحبت نمی کنی .. ای چه چرندیات اس که میگی

برادرش هم اعتراض کرد : بابا از فو تبال نیست ها گپ بزن یا قهر مانان زیبا بی اندام و خسرم انتقاد نمود :

پرندگان ، خزندگان ، پستانداران از دنیای اینها حرف بزن ماره به استعمار و خلع سلاح چه غرض دنیای سوم و ممالک روبه انکشافه چه کنیم ؟

خلاصه دیدم وضعم بکلی خراب است ، یا از وصلت با این فامیل دست بشویم و یا باید « آدم » شوم یعنی آدم پر معلو ماتی که به سازهر يك از اعضای فامیل پولدار زاده رقصیده بتواند ، خلاصه من آدم دلخواه آنها شدم ، آخر خسرم کار خوب و جوگی قشنگی برایم دست و پا کرده بود .

بعد از آن من فهمیدم که چگونگی بحث کنم ، ولی مشکل من این بود که باید زمانیکه تمام اعضای فامیل پولدار زاده یکجا هستند طوری صحبت کنم که دل همه را بدست آورم ، آنوقت سخنرانی من چنین شکلی رايخود میگردفت .

عرض کنم حضور شما که فرانك سینما ترا اخیرا برای

شرایط عادلانه زیست و کار

هامی بینند و امیدواری ها از جهتی هم دوبلا می شود که کشور های مترقی و سازمان های آزادی آفرین و مردان آزادی دوست و آزادی پسند جهان یکجا با زنان ، دست بدست هم در رفع مظالمی می کوشند که سالهای سال برابرتول تاریخ بر زنان تحمیل شده است .

در اعلامیه ، اختتامیه کنفرانس ماسکو خواست اساسی و انسانی کنفرانس را تأمین صلح پایدار و دایمی جهان ، رفع تبعیض لسانی و نژادی و ایجاد محیط مصئون از بی عدالتی های اجتماعی خاطر نشان ساخته و از مبارزه مردمان جنوب آسیا ، کشور های عربی و مبارزان فلسطینی و ممالک تحت استعمار قویاً دفاع گردیده است .

به امید تدویر کنفرانس جهانی و بین المللی زن زند باد نهضت ملی و بین المللی زنان .

زندگی انسان

درست نکنند و غنایم و داشته های آن برفع خود استفاده نکنند و تمدن خویشرا ازین طریق وسعت نسبه بخشند ؟

چنانچه در مسیانیه پلان های اعمار خانه های تحت البحری نیز رویدست گرفته شده است .

بشر با این تمدن نوین یعنی با آغاز زندگی در بحر میتواند به طبقات مختلف بحر آشنا شده بزنگی خرجنگ ها ، ماهیان ، نهنگ ها ، صدف ها و سایر موجودات بحری که شاید خیلی ها برای زندگی بشر مهم نافع و ارزشمند باشد آشنایی یابد ، زیرا ابحار نیز در قلبش خزاین را نهفته دارد .

طوریکه میدانیم کانال های منگان همه در سطح ابحار قرار دارد گذشته از آن ابحار دارای منرال ها میباشد و اگر ما همه منرال ها را امتزاج دهیم همه قارها از پنجه ساه متر منرا لها پوشیده شده میتوانند همه حال اگر بشر مستقیماً در بحر اقامت اختیار کند و یا نکند بوجود اقیانوس ها و ابحار تازه است نیاز دارد و مفکوره اعمار شهر های زیر آب بوسیله دانشمندان جاپانی در نوع خود بیسابقه و عالی است .

شده تجارک گرانبها و سنت های ارزنده ای با خویش دارند که با تحلیل خاص شرایط اجتماعی قابل تطبیق به حساب می آید .

کنفرانس های بین المللی راه تبادل افکار و آموختن تجربه های علمی و تربیخی را باز می نماید . آنچه نمایندگان کشور های افریقا ، آسیا و امریکا ی لاتین طرح مینمایند به یقین با همه مختصات بین المللی ، مطالب مذکور نشانه های ملی و قاره وی را با خود دارد و بر عکس صحبت نمایندگان کشور های مترقی از نتایج مبارزاتی نمایندگی می نماید که برای زنان کشور های عقب گذاشته شده آموخته شده است .

این تبادل افکار و اتخاذ تصمیم در طول سال ۱۹۷۵ به سویه ملی و بین المللی چنان ذی اثر و با تأثیر است که با گام های بعدی در دهه انکشاف زن و آتیه نهضت پیروزمند زنان چهره جهان را دگرگون خواهد نمود و آن اینکه امروز همه انسان دوستان و طرفداران عدالت اجتماعی و رفاه همگانی ، آینه سعادت مند را در پیوند تساوی زنان با مردان بدون تبعیض در همه ساحه

ارزش زیاده این تابلو قایل شدم .

از نانا) پرسیدم که آینده هنر را در جهان چه مبینی گفت :

هر جا که رویم و هر سبکی را که انتخاب کنیم و هر مکتبی را که بوجود آوریم بالاخره به ریالیزم رو خواهیم آورد و آنرا نمیتوانیم از بین ببریم .

وقتی خواستم هنرش را با یگانه طفلش در معرض مقایسه بگذارم و بگویم که کدامیک نزدش ارزش بیشتر دارد این مادر که واقعا احساسات مادری اش طفیان کرده بود گفت : اگر روزی مصروف نقاشی باشم و ظلم کره کند همان لحظه است که هنرم فراموشم خواهد شد و دنبال طفل خویش خواهم رفت نه به عقب نقاشی هایم ولی اگر شوهرم مانع کارم شود جدا دنبال نقاشی را خواهم گرفت و به تقاضای او توجه زیادی نخواهم کرد .

آخرین پرسشم را از میرمن (ناناشورمایر) چنین مطرح کردم که اگر روزی خواسته باشی که پور تریتی از خود بکشده سبکی را بکار خواهد گرفت .

در حالیکه میخندید گفت : من از کوبیزم پیروی خواهم کرد ولی از ریالیزم بیرون نخواهم شد .

ششمین بار ازدواج نموده و لسی برزیت بار دوگی از او پس می ماند او هم شوهر هفتم خود را عنقریب طلاق خواهد کرد اما جالب اینست که زرافه عجب گردن درازی دارد این گردن دراز کمک میکند تا برگ های درختان را خورده بتواند خرطوم فیلی خیلی بدردش میخورد ولی يك قاشق مرچ ، قدری لیمو مقداری لوبیا نخود ، گندم و با قلی آس را فوق العاده مزه دار می سازد گرچه محمد علی کلی هنوز هم یکه تاز میدان بوکس و پله ستاره فوتبال است ولی بلنگ افریقای و مار بووا از خطرناکترین حیوانات محسوب میشوند و باید علاوه کرد که کاباره مولن روز در شانزه لیزه پاریس محل تجمع ستاره های سینما است .

بلی طوریکه می بینید حالا آدم پر معلو ماتی شده ام راستی خوب شد یادم آمد ، اکنون من باید سری به باغ وحش بزنم تا حرفهای تازه ای برای خسرم داشته باشم و ضمناً بایست کتاب آشپزی مدرن را با چند عکس فلمی خریده با خود برای نامزد و خشویم ببرم .

نمایشگاه آثار

چنان با آن انس گرفته که بگفته خودش وقتی میخوام پورتیتی رسم کنم تنها یکبار لازم است تاجیره يك افغان را بینم از یثرو آرزو دارد که مدت زیادی را درین کشور سپری نماید گرچه چندی بعد او بوطنش خواهد رفت ولی آرزوی بازگشت به افغانستان را از همین حالادر ذهن خویش دارد .

نانا) که در پورتیتی های خویش نام های چون «عبدل» ، «گل جان» و غیره گذاشته نه تنها چهره مادران تابلو ها خیلی بواقعیت کشیده شده بلکه نام های انتخابی آن نیز بواقعیت توأم است وقتی متوجه شدم که یکی از تابلو هایش «قیمت عروس» نام دارد بر آن قیمت زیادی را گذاشته پرسیده شدم که از چه میدانی عروس ها قیمت دارد و به پول خرید و فروش میشوند گفت :

این يك واقعیت است که عروس دارای ارزش است و این در میان مردم اروپا مخصوصاً جرمن هامتداول است که میگویند : (عروس با ارزش) و غیره که من هم روی همین عقیده

پله همه گفته هایش
رابه دالرتوجیح داد



تیم فوتبال کابل به عراق میرود



یازدهمین دور مسابقات فوتبال جوانان آسیا روز ۲۹ قمر درعراق دایر میشود . هیات بیست و دونفری فوتبال بازان افغانی غرض اشتراك در یازدهمین دور مسابقات فوتبال کشور های آسیایی اشتراك میکند از نگاه تشکیلات خود خوب است ولی از نظر استراتژی مسابقه چندان آشنائی ندارند و در بین بازیکنان این تیم جوانان خیلی خوب ورزیده و آزموده دیده میشود که از نگاه تاکتیک تخنیک خوب بازی موفق هستند ولی عدد هستند که درین شرایط خاص بازی که اشتراك عدد بی زیاد از فوتبال بازان ماهر و چیره دست کشور های شرکت کننده میباشد آنان کمتر آموختن و کمتر خود را

بامناسات و پرنسیپ های فوتبال امروز آشنا ساخته که این تقیصه در چنین مسابقات خلی بسا بزرگ و جبران ناپذیر است بودند عدد که عضویت را درین تیم حاصل نمودند از عدد همجو مسابقات باشركت شان به خوبی بدر آیند، زیرا آنان با تجربه تر چیز فهم ترو میدان دیده تراند که کمیته انتخاب تیم الدکی توجه به خرج میداد به یقین کامل گفته میتوانیم که نتیجه خوبتر و بهتر حاصل میشد امید است جوانان پر قدرت و آزموده که درین مسابقات شرکت میکنند با نتایج خوب و سودمند به کشور باز گردند .

ع - لطیف

پله مروارید سیاه بازیکن سرشناس فوتبال جهان از گوشه گیری خارج میشود به همه گفته هایش که پشت پامیریزد برای دیگر داخل میدان سبز فوتبال میشود .

او که قول داده بود دیگر پیراهن تیمی رابه جز ساتنوز رابه تن نکند وی به تمام قولهای خود وفا کرده همه گوشه گیری و قول دادن ها رابه دلالتوجیح داد .

پله می گوید: خودش میداند که چه در انتظارش است و می افزاید همه فکر می کنند که فوتبال امریکا درجه حالی قسار دارد و هیچکسی آنرا جدی نمی گیرد و من بی برده ام که حرفاتم بامن هیچ معامله بی ندارند من برای دفاع از خود و تیم که در آن عضویت را قبول میکنم باید همیشه در شرایط بدنی کامل قرار داشته باشم .

پله در جای دیگری می گوید این يك ماجرای هیجان انگیز است و ممکن است راه یکی از بزرگترین کشور های جهان را بروی محبوبترین فوتبالیست جهان بکشاید من امیدوارم علمبردار این نبرد باشم ظاهرا نبردکنندگان آماده اند تا با تارک اسپهای شان شوند و به دنبال پله خود به راه بیفتند .



دوستان محترم به شما معلوم است که از چند سال بدینطرف يك سلسله مسابقات بزکشی درشهر کابل و ولایات به اساس پروگرام مرتبه کمیته عالی المپیک دایر میگردد و از همه مهتر اینکه همه ساله يك سلسله اصلاحات در قوانین آن رونما گردیده که بر زیبایی و انتظام این بازی افزوده و آرامنحیت هیجانی ترین بازی در میان همه رشته های ورزشی درکشور ما قرار داده است .

درینجا صحبتی داریم باشیاعلی عبدالقیوم عضو فنی ریاست المپیک و حکم مسابقات بزکشی . گرچه سن این سوارکار خیلی زیاد است اماوقتی او را بر پشت اسبی سوار ببینید مانند يك جوان تنومند استوار است و پراسپ و سواری چنان مسلط است که گویی سوارکار تولد شده است .

نخست این پیر پرازتجارب درمورد اسب صحبتی کرد و اسب رایگانه موجود خودورفیق دیرین انسانها دانسته درحالیکه دستش از فرط کهنسالی زعشه میکرد یادداشتی را از جیب خویش برآورده و بعدآن به سخنش ادامه داد :

از همین زمان بود که هم درافغانستان اسب را برای بزکشی انتخاب کردند و هم ارو پائیان نسل زیاد آنرا که نسبت لشکر کشی هاومجموعه جنگ هابه آنچارسیده بود تحت تربیه گرفت درین زمان بود که عرب هانیزدربریه اسب بزل مساعی نموده و بهترین نسل آنرا بنام نسل عربی پرورش داده و آنرا درسراسر ممالک عربی پخش نمودند بالاخره ازین نسل به امریکا رفت و امروز درآن سرزمین از بهترین نسل اسب های عربی میتوان نمونه های دید .

در تاریخ یونان تذکری از اسب و سوارکاری تاتار رفته آنهم طوریکه تاتار هارا یونانیان براسب لچ دیده و تصور نمودند که این نسل یکتو نوع اسب جدیدست یا انسانیت که پاهایش به اسب تبدیل شده که این نمایندگی از سوارکاری های عجیب و غریب این سرزمین میکند .

برای بار اول در میان عرب عبرانی ها در زمان حضرت سلیمان از اسب استفاده را آغاز کردند . ولی انکشاف درست آن بعد از ظهور اسلام تصادف کرده و بعد ازین ایام که امیران سوری اسلامی خیلی وسیع شده بود یگانه وسیله هم پیوستن نقاط مختلف اسب بود ازینرو در تربیه و نسل بهتر آن توجه زیادی مبذول گردید که این عمل باعث امتیاز اسب های عرب نسبت به سایر اسب ها گردیده آنرا از بهترین نسل هادر جهان بوجسود آورد . نسل اسب عرب برای اولین بار بعد از فتح اندلس در زمان اموی هابه اروپا قدم گذاشت . در مورد تاریخ (عراق) یعنی چیز هایکه براسب زده میشود شیاعلی عبدالقیوم گفت: عراق را هم آنطوریکه میدانم از زمان حضرت یوسف (ع) رایج شده که در آن زمان نیز بدو قسم بوده یکی برای سواری اسب و دیگری برای بار کشی مورد استعمال قرار میگرفت .

درین جا از شیاعلی عبدالقیوم خواستیم تا از اسب هاییکه در افغانستان است و تا حال مورد استفاده بزکش های مافزار گرفته اند صحبتی نمایند .

در میان همه حیوانات که بدنیا موجودیت دارند و تا امروز در خدمت بشر قرار گرفته یک حیوان خوش هیکل و جسور که هم قوی ممتاز است اسب رامیتوان نام برد . این حیوان خوش هیکل و جسور که هم قوی است و هم چالاک در داشتن حس کمتر رقیب در میان سایر حیوانات دارد و برای هر وقت و زمان صادق و باطاعت است .

این حیوان حتی قبل اهلی شدن از خصایل خوب بر خوردار بود زیرا که بر حیوانات ضعیف تعرض میکرد و بر حیوانات قوی اطاعت داشت او خودآزاده زندگی میکرد و باهمه تنوع خویش گله هارا میساخت و باهم به چرا میرفت . اصالت خویش را زایل نکرد تا بالاخره خویشترین دوست انسان شد و با او کاروان زندگی را به پیش برد .

شیاعلی عبدالقیوم : مناسبت اسب را با انسانها قبل از هفتاد عصر تاریخ میداند و اولین بار این حیوان را انسانهای بغاظر تغذیه شکار میکردند . او را باوسایلی که در دست داشتند شکار میکردند . می گشتند و از گوشت و پوست آن استفاده میبردند .

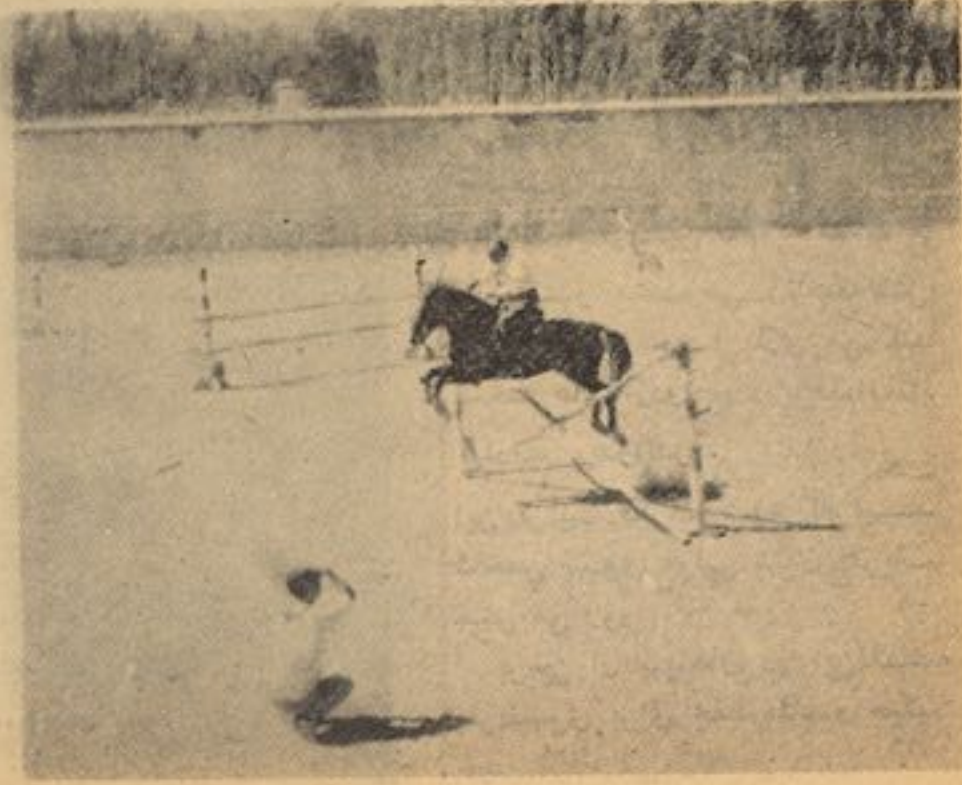
اینکه اسب اولین بار در کدام نقطه دنیا ظهور کرده و انسانهای کدام قسمت برای بار اول با این حیوان انس گرفته اند چندان معلوم نیست تنها طوریکه بسیاری از کتب تاریخ گواه مطلب است برای نخستین بار ظهور این حیوان را در آسیای مرکزی میدانند و ازین قسمت است که به اروپا و کشور های عربی رفته و از آنجا به امریکا و سایر نقاط جهان نسل آن گسترش یافته است .

اسب را بطور بسیار شایسته و عالی آن برای اولین بار مغل ها مورد استفاده قرار داده و اهمیت آنرا در جنگ هابه اثبات رسانیدند .



باداستن اسب خوب جایاندازش افتخار میکند

حکم بزکشی پیرامون اسب و سوار کاری باشد صاحبت میکند!



شیاعلی عبدالقیوم درحالیکه با اسب ازیک مانع می برد.

بقیه در صفحه ۵۵

شدهای

از فیستوال نیویارک



سینما، هنر واقعی و وهم انگیز، اکنون بسوی جاده شکستن قرار داده‌ای. گام برمی‌دارد. روی همین دلیل عنوان سیزدهمین فیستوال فیلم در نیویارک را می‌توان «وهم و واقعیت در جهان ما» نام گذاری کرد.

سینماگرانی از سویس تا سنگال و از آلمان غرب تا امریکای جنوبی صرف نظر از عقاید سیاسی شان، خواه بوسیله فیلم‌دراز دوساعته و یا یک فیلم کوتاه چند دقیقه‌ای، سعی کرده‌اند پرده از اسرار جامعه‌شان بردارند.

و فیلم قابل توجه امریکایی در مرکز داستان بروی یک

فیلم باغ‌های خاکستری

این فیلم تکان دهنده است ولی بگو نه دیگر قصر فرسوده که در کنار بحر قرار دارد و در آن ادیت بیل هفتاد و نه ساله و دختر پنج و شش ساله اش بنام‌ادی زندگی می‌کند، بنا می‌بند.

گمره‌های داوید و لبرت ما سل این فیلم مستند را رهبری کرده‌اند، در زرفای زندگی این دو پیر زن که از همه جهان بریده‌اند، راه می‌یابد. ادویت و ادی در بین دیوارهای که از شدت فرسودگی پوست می‌دهند، سالون که در آن فقط حیوانات می‌خیزند، بروی بستری که فضله حیوانات آلوده شده است فقط نفس می‌کشند و برتنگی تأثیر انگیز و خنده آور شان ادامه دهند. ادیت در بسترش دراز کشید و بازیگارد، کهنه‌ای آهنک قدیمیکه با لهجه مردمان سال‌های بیست خوانده شده، سر می‌دهد. مادر و دختر با شدت وحدت دشتمانه با هم پر خاش می‌کنند و بعد در می‌یابند که به



جدیدترین سینما را می‌توان، در جدیدترین کشورهای جاییکه و هم به شدت وهم از واقعیت است، یافت به این دلیل فیلم (خلا) ساخته عثمان

سمین از سنگال که یکی از معروفترین نویسندگان جهان است، می‌توان به اینگونه پنداشت. درین کمیدی ظریف و دقیق سیاهان از سپیدان پیشی می‌گیرند، این پیشی را در وجود لحاجی می‌توان دید که تا آبی که از فرانسه نیا مده باشد نمی‌نوشد و در جای دیگر هر سندس بنز ش را می‌شوید این مرد زن سوم می‌گیرد و به نفرین «خدا» روبرو می‌شود. جادو گر ها، و اکثران کاری نمی‌توانند بکنند او غیر انسانی می‌شود تجارتش بر هم می‌خورد و از ولیکارشی سودا گری که حکومت را می‌سازد بیابین می‌افتد. هنر مندان در این فیلم به شدت می‌درخشند و بخصوص زنانیکه نقش دو زن اول الحاجی بازی می‌کنند، صحنه‌های ازدواج درین فیلم انسانرا بیادفلم «پدراندر» می‌اندازد، و به این ترتیب فکر می‌شود که این شخص بسوی مولیر شدن افریقا پیش می‌رود.

برخی از سیاهان در این فیلم بفرانسوی برای حفظ مقام و حیثیت خود حرف می‌زنند.

بقیه در صفحه ۵۵





دغه مور او پلار دخپلو دري—وما شومانو څخه دنورو زيا تـ
اولا دونو هيله نه لري

دنفوسو زياتوالي

اواقصادي ستوزي

کمبله غو پیدلی ده ددی دپاره چه ددغو هیوادو نوبه اقتصا دی اواجتماعی انکشاف کبسی اساسی پسر مختک منځ ته راشی ،لازمه بریښی چه د نفوسو دزیاتوالي دمخنیوی اوکنترول دپاره اساسی لاری چاری وسنجول شی اوزیار وایستل شی چه ملی ثروت یی په برابره اوعاد لانه تو که دتولو افرادو ترمنځ وویشل شی دا څکه چه ملی ثروت دښه انسجام اوبه کار اچولو یوزینی لاره داده چه نفوس کنترول شی اود اقتصا دی برابلمو نود حل په لاره کی زیار وایستل شی.

په ډیرو مواردو کبسی کیدای شی چه دزیات نفوس څخه زیاته گټه ترلاسه شی دنمونی په ډول دتولیدی

په یوه هیواد کی دخلکو دپاره دژوند دوام او تحول په خپله دهغی ټولنی دافرادو دزیا توب ،کمښت ، زیریدنی اومړینی سره مستقیمه اړیکه لری . دغه تعادل په دوومتضادو ډولو نو سره څر گند یری یو تعادل پدی تو که منځ ته راځی چه زیات وزیری اوبه همدغه پیمانته مړه شی اوبل هغه تعادل دی چه به مو لیر ډول دنفو سو دزیا توب دمخنیوی په صورت کی تحقق مو ندلی شی دنفو سو دزیا توب دمخنیوی څخه یوازینی ه د ف باید داوی چه دنوو زیریدونکو اومرو تر منځ پوره تعادل وساتل شی اود انسانانو داقتصا دی ستو نزو درفع کو لوبه مقصد دډاډ وړ شرایط منځ ته راوړل شی.

هغه څه چه پورته وویل شول د انسانی ارزښتو نو له پلوه ټول شیان په یوه بلا اویوه وخت کی په ځان کی نه ځایوی بلکه تش دیوی مهمی او حیاتی مو ضوع په حیث یی جها نی برابلم منځ ته راوړی دی اود خپل خاص ارزښت له کبله عمو می تشویش پیدا کړی پدی البته انسانان کولی شی چه دخپل رانلو نکي بو هی په زور او قدرت دغی جها نی موضوع ته په ښه وجه پای ورکړی اریا د نفوسو دزیات توالی اواقصا دی مشکلاتو درفع کیدو په برخه کبسی براخ گټور تدابیر تر لاس لاندی ونیسی اوددغی مو ضوع په باب پوره کنترول منځ ته راوړی.

نن ورځ دنړی دودی په حال کی اووروسته پاتی هیوادونو کبسی د نفوسو دکمښت او کنترول موضوع یوه ډیره مهمه او حیاتی مسله ده داڅکه چه دنفو سودزیا تو بمخنیوی خامخا ددغو هیوادو داقتصا دی مشکلاتو دحل اوانکشا فا تو په لاره کبسی موثری اغیزی منځ ته راوړی . نن ورځ دنړی په زیاترو هیوادونو په تیره بیا دودی په حال کبسی هیوادونو باندی د فقر ، غر بست ، بیوزلی اوراز راز اجتماعی ناروغیو

کار دپاره لازمه ده چه دزیات نفوس ژوندانه تضمین ونشی کړای ،څکه څخه استفاده وشی لاکن بل پلو ته نوورځ به ورځ اقتصادی مشکلات بیا لیدل کیری کله چه په یوی هیواد ډیریری اوبه پای کی ستراقتصادی او کی نفوس زیات شی اود هغه ځای اجتماعی برابلم منځ ته راوړی . طبیعی منابع او غذایی مواد دخلکود پاتی په ۵۵ مخکی



دنفو سو زیا توالی زیاتی اقتصادی ستونزی منځ ته راولی

پنجره حمام

خانمی وقتی شوهرش موقع ظهر از اداره به خانه آمد باز احتسای گفت:

— عزیزم باید پشت پنجره حمام پرده بزنیم، چون همسایه روبه روی من وقتی که من برهنه در حمام هستم می تواند به خوبی مرا ببیند. آنمرد سری تکان داد و گفت: — ناراحت نباشی عزیزم! اگر یک روز او ترا برهنه در حمام ببیند خودش پشت پنجره اطاقش پرده خواهد زد.

دوستان منتظر الو کاله

آقای می خواست و کیل مجلس شود، به همین جهت از او پرسیدند: — اگر انتخاب شوید، چه کار خواهید کرد.

منتظر الو کاله جواب داد:

— من از این لحاظ نگران نیستم، چیزی که برایم مهم است این است که اگر انتخاب نشوم چه کار کنم.

زنده

خانمی زیبا به مامور که احضاریه می گرفت گفت که: شوهرش چهار سال است فوت کرده ما مسور برسید:

— چند تا بچه دارید؟

سه تا.

— بچه هایتان چندساله اند؟

— یک ساله و دوساله و سه ساله!

— شما خوب گفتید شوهرتان چهارسال است مرده!

— ولی من خونمرده ام.



حف، حف، حف، خا موش باشی
مادرت حالا از سینما می آید
زوندون



کچالوی ایتالوی

خانم ایتالوی از سبزی فروشی تقاضای کچالو کرد سبزی فروش گفت:

— بلی کچالوی هالندی داریم.

— من کچالوی ایتالوی می خواهم — شما میخواید کچالوی بخورید یا میخواید با کچالو صحبت کنید؟



بدون شرح

این همه راه

دزدی محکوم به اعدام شد جلا دی او را پیاده به میدان اعدام می برد که گردنش بزند.

دزراه محکوم بی چاره گفت تو خود مرا می خواهی بکشی پس چرا دیگر این قدر زجر می دهی و این همه راه را پیاده می بردی؟

جلاد گفت ای برادر تو فقط تا میدان اعدام بیشتر نخواهی رفت مرا بگو که این راه را باز پیاده برگردم.

عاشق بی پول

جوانی با دختری آشنا شد و تصمیم گرفت او را برای ناهار به رستورانی دعوت کند. دختر هم دعوت او را قبول کرد، و به اتفاق به رستورانی رفتند در رستوران پیشخدمت پیش آمد و گفت:

— بفرمایید صاحب چه میسر دارید؟

دختر، برای آنکه اظهار ادب کند روبه جوان کرد و گفت:

— هر چه تو میخوری، برای من هم همان سفارش را بده جوان از جا بلند شد و گفت:

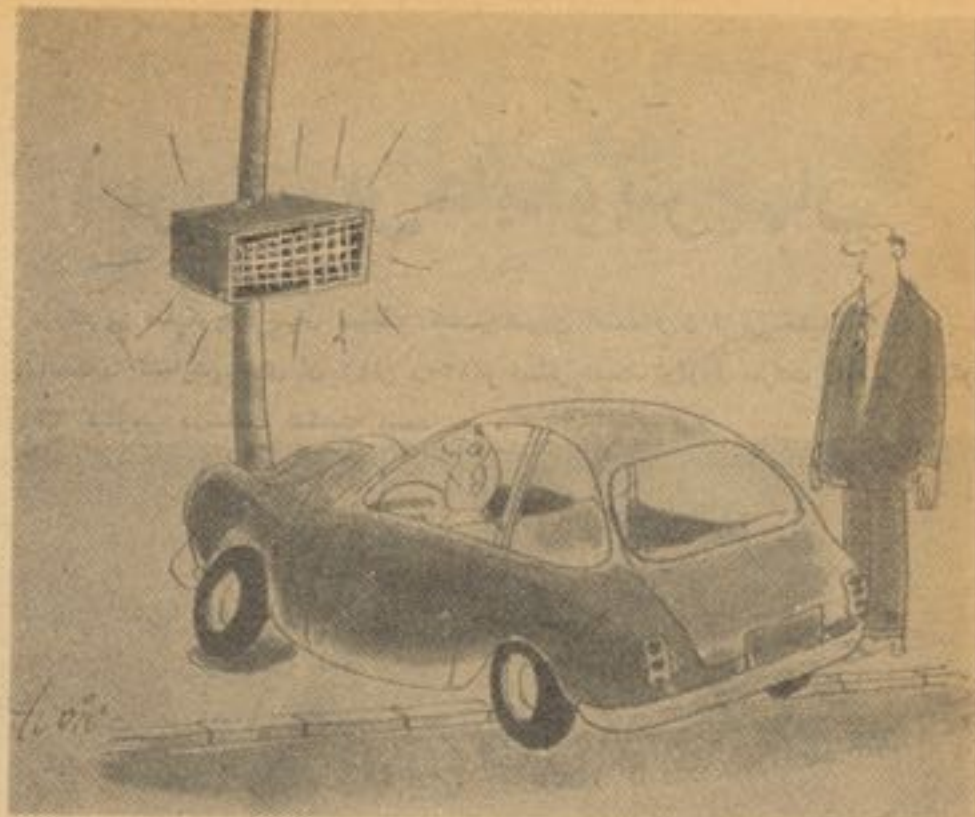
— من اصلا امروز میل به غذا ندارم، باشد برای یک روز دیگر.



بدون شرح

در امتحان

پروفسوری موقع امتحان به یکی از شاگردانش گفت :
 شما می خواهید به يك نفر مریضی تان که درد زیادی دارد
 مورفین بدهید، چه قدر باید استعمال کنید؟
 شاگرد گفت:
 يك قاشق ماست خوری ، - استاد.
 درین وقت پرو فیسور شروع کرد به خندیدن محصل که فهمید
 درست جواب نداده و پاسخ خوب نگفته است بلا فاصله اظهار
 داشت:
 استاد: من حالا تا چند دقیقه دیگر جواب میدهم.
 پرو فیسور به ساعت خود نگاه کرده گفت:
 متأسفانه دیگر وقت نیست زیرا مریض شما باهما ن نسخه
 اول فوت کرده است .



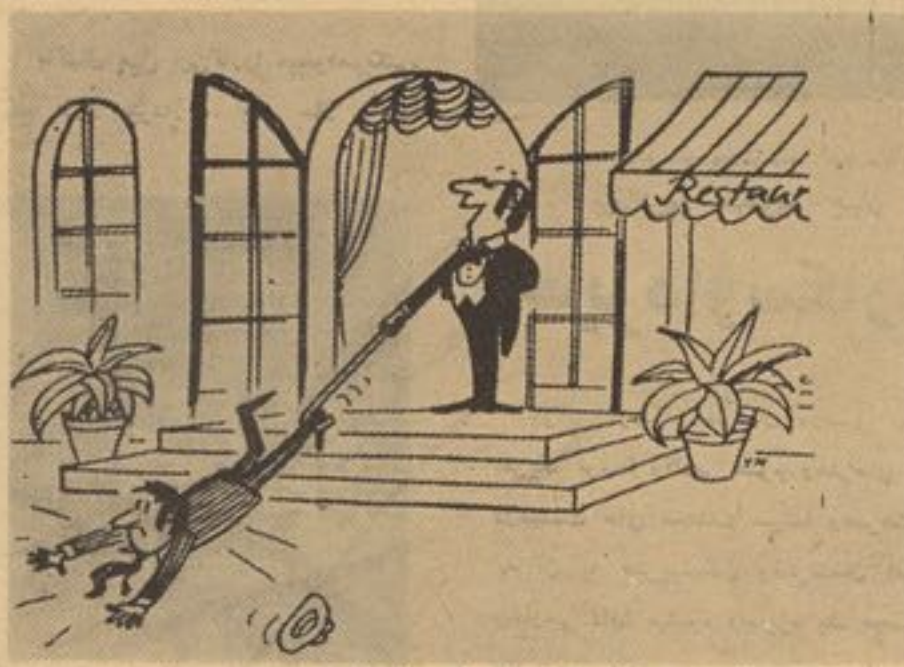
آه! اشاره سبز

گذشت

بین دو نفر از رفیق ها ، چند
 وقت نزاعی در گرفته بود تا مدتی
 باهم قهر بودند . تصادفاً یکروز
 مرد دو در یکی از پیاده رو هایی که
 توسط مردم آن منطقه ساخته شده
 بود ، و برای عبور یکنفر کافی بود
 نفر دوم قطعاً از آن عبور کرده نمی
 توانست با هم روبرو شدند چند
 لحظه بی گذشت و هیچ کدام از
 طرفین حاضر نشد راه را برای
 دیگری باز کند !

بالاخره یکی از آنها با عصبانیت
 گفت:

- من هیچ وقت برای آدمهای
 بی عقل و پررو راه باز نمی کنم!
 دومی وقتی حرف او را شنید،
 خودش را کنار کشید و گفت:
 - ولی من باز می کنم.



داماد گریز پاه و خسر چالاک

دندان فیل

يك عتیقه فروشی عصای بلندی را به اسم این که از دندان فیل
 ساخته شده به قیمت گزاف فروخت.
 خریدار وقتی عصای خود را به متخصص نشان داد معلوم شد از
 پلاستیک ساخته شده باشد ، پیش فروشنده رفت و با اعتراض گفت:
 این عصا از دندان فیل نیست .
 فروشنده جواب داده گفت : مطمئن باشید از دندان فیل است ،
 ولی شاید دندان فیل مصنوعی بوده باشد .

شاعر و رفیق

شاعر مهمل گوئی ، قصیده ای
 نامربوط ساخته ، برای شخصی
 که رفیقش بود خواند و از او پرسید:
 چگونه است ؟
 گفت بسیار بی مزه و نامربوط
 ساخته ای .
 شاعر خشمگین شده و او را
 دشنام داد آن شخصی گفت :
 الحاق نثرت به مراتب از
 شعرت بهتر است .



درس گیاهشناسی

یکی از معلمین کانادا شاگردان
 خود را به باغ ملی شهر به گردش
 برده بود. در ضمن گردش بدرخت
 پرشاخ و پرگی رسیدند و معلم به
 خیالش رسید که از موقع استفاده
 کرده چیزی بر معلومات شاگردان
 بیفزاید.

پس گفت: این درخت کهنی که
 می بینید ناجو است سپس شرحی
 در خصوص صیادت آن گفته اظهار
 نمود که سالها از عمر این ناجومی
 گذرد نسل ها از سایه آن استفاده
 کرده اند، و اگر این درخت ز بان
 می داشت چه حکایت های شیرینی
 توانست برای شما نقل کند .

از بدبختی معلم در همان هنگام
 پیرمردی از آنجا می گذشت و همین
 که عبارات اخیر را شنید ، روبه
 شاگردان کرده گفت .

- بلی ، اگر این درخت کهنی
 زبان می داشت به شما می گفت که:
 (آقایان محترم ، بنده ناجو نیستم
 اجازه بدید که خود را بلو طمعرفی
 کنم).

بزرگترین هلیکوپتر جهان

بزرگترین هلیکوپتر جهان ساخت کشور شوروی است وزن آن ۱۰۰ تن است. گنجایش باری آن ۱۲ تن و ۱۲۰ نفر مسافر است. رکورد سرعت را همین هلیکوپتر با ۳۳۹ کیلومتر در ساعت شکسته است.



بزرگترین هلیکوپتر جهان

کدام اطاق

مردی که در تصادف موتور به شدت مجروح شده بود، پس از چند ساعت به هوش آمد درحالیکه به زحمت حرف میزد گفت: من در کجا هستم؟ به او گفتند در اتاق ۱۰۸، مرد باز به اضطراب گفت: که لطفاً واضح تر بگویید اتاق ۱۰۸ شفاخانه یا بندگی خانه.

.....

گفته گوید: شخصی اگر فریب دوستانش را بخورد به مراتب بهتر از آن است که دوستانش را فریب بدهد.

جایزه اوسکار

جوایز اوسکار هر سال در شهر «هاری» در آمریکا توسط آکادمی علوم و هنرهای سینمایی در قسمت های مختلف سینما و هنرهای مربوط به آن به هنرپیشگان و هنرمندان آمریکا و خارجی داده میشود و جایزه یک مجسمه کوچک طلایی است که بر حسب تصادف توسط یکی از کارمندان آکادمی اوسکار نامیده شد و از آن به بعد نام اوسکار مترادف باشهرت و ثروت در جهان سینما گردید.



زن و مرد تحقق یافته است نه خیر زنان برای کار تقریباً یک لثت کمتر از مردان دستمزد میگیرند.

سهیم زنان در پوست های اساس از دو فیصد بیشتر نیست از ۴۹۶ نفر نماینده پارلمان آلمان فدرال فقط سی نفرشان زن هستند. مخصوصاً در حال حاضر در اکثر کشورها تعداد بیکاران به میلیون ها نفر میرسد و همچنان در حال افزایش است. که روی این اساس قبل از همه زنان بیکار میشوند و این خود یک امر عادی نیست. تبعیض در حق زنان تا امروز به حال خود باقی مانده است.

شاید آزادی، برابری، حقوق و تسلط زنان در کلیه شیون حیاتی فقط آرزوی دلکش است؟ نه خیر حال عملاً به ثبوت رسیده که ایسن هدف کاملاً تحقیر پذیر خواهد بود. بهبود مناسبات بین المللی برای آزادی واقعی زنان شرایط نوین فراهم می آورد و امید



جریمه بخاطر سنگ:

دهقانی که اوراسکی دندان گرفته بود. نزد صاحب سنگ که شوهرش وکیل بود رفت و با او گفت: سنگی که به همسایه ای تعلق دارد مرا دندان گرفته، حالا چه کار میتوانم بکنم؟ وکیل جواب داد: این کاملاً واضح است. زنی که سنگش شمارا دندان کنده، باید سی مارک جریمه به شما بدهد. دهقان که ازین پاسخ خوشش آمده بود گفت: سنگ خانم شما بود که مرادندان کنده بود. پس حالا پول را بدهید. وکیل که ازین ماجرا اوقاتش تلخ شده بود گفت: باکمال میل این کار را میخواهم بکنم. اما برای مشوره که به شما داده ام باید بیست و پنج مارک بپردازید. پس حالا پانزده مارک روی میز بگذارید.



جریمه بخاطر سنگ

موقف زن در جامعه

کلمات آزادی، برابری و حقوق زنان مورد شده است ولی این کلمات در همه جا با شرایط اوضاع فرق میکنند. در کشور های که زنان پایند کار های خانگی نیستند بسیاری از آنان شامل کار هستند مثلاً در جمهوری فدرالی آلمان تعداد زنان که کار میکنند تقریباً به نه میلیون نفر میرسد. این تقریباً نیمی از شماره تمام کارکنان کشور را تشکیل میدهد. آیدرین کشور برابری

برابری، ترقی و صلح وضع زنان در هر جامعه نمودار ماهیت آن جامعه است. البته در بسیاری از کشورها وظیفه زن کودک داری، خوراک پزی و خانه داری است. که اکنون ریشه کن گردیده است.

حکم بزکشی

طرفین صورت میگرفت و گاهگاهی در انلای محاربه شمشیر و یا نیزه یکی از طرفین به زمین می افتاد که برای گرفتن آن فرصت آنرا نداشتند تا از اسب فرود آیند و آنرا بدست آورند و آنرا کوشش میکردند با سرعتی که اسب دارد شمشیر افتاده خود و یا طرف مقابل را بدست آورند و گاهگاهی بسوی شخصی که شمشیری بدوش فرورفته حمله میکردند و با چابکی خاصی آنرا بدست می آوردند و به پیکار خود پیش ادامه میدادند و این امر بخاطر آمادگی بیشتر عساکر بالاخره رنگ و رخ و ورزش را بخود گرفت و میان مردم رواج پیدا نمود .

این ورزش که همه به آن علاقمند بودند در عروسی ها بخاطر هیجانی که داشت همیشه برگزار میشد تا اینکه تحت نظم و دستبندی خاصی بخود گرفت و بعد مرور قرنها بشکل امروزی آن درآمد این ورزش باعث تشویق مردم گردیده و ذوق نگهباری اسب ها و گله های آن در دل همه مردم پیدا شده و آنها را به داشتن اسب ها تشویق نمودند .

امروز آن تعداد از اسب هائیکه در افغانستان است از نسل های مختلفه پارتیکهای مختلفه آن است که گرگ و سمنند و غیره را میتوان نامبرد . گرچه اسب سواری و اسب داری در اعصار مختلفه از خصلت های مشهور مردم ما بوده ولی برای بار اول گله هائیکه در افغانستان بوجود آمد در زمان سلطنت امیر عبدالرحمن خان بود که درین زمان اسب عربی و اسپانی را که زبخارا آورده بودند در میان گله های آنوقت به نسل گیری آغاز کردند . اسب عربی (یا کهر) را در آن وقت (پیلوندیچه) که خودش عربی الاصل بود اسب بخارایی یا دسمنده را ملاکیم بای تحت تربیه و نگهباری قرار داده و از آن نسل گیری میکردند .

یکی از کرم های (کهر) را مردم تاتار که در دو آب زندگی میکردند بدست آورده تحت تربیه گرفتند که این کرم بعد از مدتی نسبت زخمی که دیده بوده همه وجودش پراز زخم های متعدد شد و بابه اصطلاح این کرم را (گرگ) زد و مدت ها بعد از آن این کرم دوباره صحت یافت و از آن نسل گرفتند که تا امروز به نام نسل (گرگ) یاد می کنند و در بسیاری از ولایات شمال کشور ماتحت این اسم اسب های قوی و عیقل و خوش اندامی وجود دارند که در بزکشی مورد استفاده قرار میگیرند .

حیثی (حیث) هم که امروز در میان اسب های افغانستان شهرت دارد از نسل (کهر) عربی است و آنهم از برادر های (گرگ) می باشد . ناگفته نیاید گذاشت که وقتی حیث میگوئیم هدف ما حیثی نبوده یعنی کدام نسل از اسب

های کشور چشمه نیست تنها مردیکه برای اولین بار این اسب را تربیه کرده و از آن نسل گرفته يك سیاه چهره بود که مردم او را حیثی میگفتند و اسپش نیز به این نام مشهور شده است .

بناغلی عبدالقیوم در اخیر صحبت خویشی از اسب هانام برده و چنین گفت :

«سنده» اسب هائیرا میگویند که در خان آباد و نهرین تحت تربیه گرفته شده و از آن جا به سایر نقاط رفته است و امروز بسیاری از اسب های بزکشی ما از همین نسل است .

(کهر) - (کهر سیاه) - (کهر تیلی) از نسل عربی است و هم اسب های چون (گرگ) که رنگش نزدیک برنگ حناست مایل به طلایی سمنند سیاه زانو نیز از انواع خوب اسب هاست (کیود) - (کیود سرخون) که در اصل سفید است و گل های کیود دارد .

مشکی (سیاه خالص) - ابلق (دو رنگ) شتری میباشد .

گرچه بناغلی عبدالقیوم پیرامون سوارکاری هم صحبتی کردند که مانسبت ضیقی صفحه از آن معذرت خواسته و شما خوانندگان ارجمند را بر خواندن آن به یکی از شماره های آینده انتظار میگذاریم .

دنفوسوزیا توالی

حیثی اقتصاد پوهان بدی عقیده دی چه به یوه هیواد کبسی دنفوسوزیا توب مو ضوغ هیخه دول اقتصادی علتونه نلری مثلا هغه وخت چه به یوه هیواد کبسی دملی طاقت او ملسی بشری بیاور تیا مسئله منخ ته راخی دغه دول استند لا لونه نسبت بخوا ته به اوسنی زما نه کبسی بی اساسه او غیر اقتصاد دی برینسی اون ورخ به یوه هیواد کبسی زیات نفوس -

حیثیت او اعتبار نه گنبل کبسی موئین ن ورخ دیر دسی ملتو نه بیژ نو چه نفوس بی لردی لاکن دو پانندی تک او مترقی حالت له بلوه نسبت دیر و هغو هیوادو نو ته چه نفوس بی زیات دی دستایینی و اعتبار و - هیوادونه گنبل شو او دنیوی به بین - المللی وضعیت کی ستر رول لوبوی دمثال به دول: که لویدیخی اروپا هیوادونه ، کاناډا ، استرا لیا اونوی زیلا ندر ژوری کتنی لاندی ونیسو سمد سستی دی نتیجی ته رسیدای شو

البته بدی برخه کی معقول کنترول اود کو چنیا نودم پینی او ضایع کولو مخنیوی دیر منطقی او قدر و کار دی ددی دپاره چه دنیوی به پولو هیوادونو له پولو نه زیات دودی به حال او - وروسته پاتی هیوادونو کبسی نوموپی مسئله پوره تحقق و مومی پکار ده چه پول هیوادونه دخیلو طبیعی شتمنیو بخه دساینس او تکنالوژی به مرسته کار و اخلی اود خیلو تولیدا تو حجم ته دماشین به قدرت نظم او ترتیب ورگری .

چه ددغو هیوادونو قدرت او نفوذ ساحه نسبت د هغوی جمعیت ته زبسته دیره ده او دملی تو لید او ملی شتمنی رابطه بی دنفو سو ددیر - نسبت سره هیخکله واندول و نه ده که چیری انسان دطبیعی منابعو بخه استفاده کوی نوداهم باید ونبی چه ساینس او تکنالوژی دانسانانو راتلو نکي ژوند تضمینوی او دیر وی او تازه منابع بی به خدمت کی گماری .

شمه ای از فیستوال

دختري بر میدارد که جز طبقه متوسط بوده به «پاکی» سخت ایمان دارد و در سن چهارده سالگی بخاطر تجاوزی که کاکایش بر او انجام میدهد از خانه فرار میکند و جز فحشا می گردد . این زن که بخاطر سر نوشت برش ، تحقیری که میشود سرشک میریزاند ، قلب تماشاچی را بلرزه می آورد .

سینما منحنط سکس برمی دورد . آن - فرانسیسکو کار گردان فلم سعی می کند در ژرفای زندگی رنجبار این ، هنر مند از نظر گاه انسانی نفوذ کند این فلم برده از روی قصه ،



نمایشگاه

فلم است که در آن بیگنا هسی و عصیان بهم می آمیزد و آنرا میتوان اولین فلم سکسی و پروتو گرافی در این فستیوال دانست . این فلم پوره از روی زندگی یکی از ستارگان

(حیث) هم که امروز در میان اسب های افغانستان شهرت دارد از نسل (کهر) عربی است و آنهم از برادر های (گرگ) می باشد . ناگفته نیاید گذاشت که وقتی حیث میگوئیم هدف ما حیثی نبوده یعنی کدام نسل از اسب

کاترینا بلوم

از ریالست ترین فلم ها بحساب آورد که نشان میدهد سینمای بزرگ آلمان که مدتی بخواب عمیق رفته بود ، رو باره بیدار می شود .



در بین فلم سازان این فیسوال ، گروهی که از همه بیشتر بچشم می خورد فلم سازان جوان آلمانی اند . در فلم (آبروی از دست رفته کاترینا بلوم) ولکر شوند روف و زن هنرمندش مارگرت دان تروت ناولی را که ، هائیش با ل نوشته است بسوی برده می آورد ، این ناول پوره از ، زندگی يك دختر خانه بر میدارد که شب شاری را با يك ماجرا جو گذرانده است و زندگی فردایش به تیر گسی کشانده می شود ، این فلم را میتوان

شخصیت زن در آئینه مطبوعات کشور

تیه و ترتیب از: رور

نویسنده: (ارمیت)

پایان

تراژیدی زن

آنکائیکه بشر در مغاره هازیبست مینمود ، آروز که انسان بدون از سنگ و صیقل آن، دیگر به چیزی شناخت نداشت و آزمان که انسانها از مکتب تمدن شمه را نمیدا نستند زن با مرد یکجا کار مینمود و در کوه پایه های خوش رنگ طبیعت قدم آزاد بخاطر تامین معیشت میبرد داشت. سیر تاریخ با گذشت ایام فرساز و نشیبی در زندگی این قشر معصوم پدید آورد ، لحظاتی چون متاع بازاری خرید و فروش شد ، روز گاری بسان مرغ های اسیر شده در قلب زمین مدفون گشت و ایامی مورد تاخت و تاز زمانه ها قرار گرفت. با آنهم این قشر در نهایت آنسو و مهربانی توانست موفقش را منجیت

بشر حفظ کند و حیاتش را به هر شکلی که بود ادامه داده در پدید آوری نسل های جدید بذل مساعی نماید . طو ریکه گفته آمد یم همراه با دگرگونی های دیگر در کلیه شئون حیاتی بشر ، جهان دانش روشنی انداخت تا زن هم در ساختمان جوامع بشری سهیم گردد و منجیت افراد مسؤول فردای جا معه طوری که بایست حرکات فعالانه شانرا به اتمام برسانند .

روی چنین اساس هما نشد که سال ۱۹۷۵ از طرف موسسه بین المللی جهان بنام سال پایان تراژیدی زن اعلام و روزنه های نمو، تکامل و ارتقا را منجیت مفکوره نهضت خواهی بر ایشان باز نمود .

اگرچه گفته میتوانیم که : این مفکوره از گذشته ها در مغز بشر و جوامع پیشرفته خطور نموده بود که، بایست این طبقه بذل مساعی کند اما مبرهن است که در طرز تفکر کلیه افراد جوامع بشری تفاوت هاموجود میباشد و استدلال های منطقی جنبه های افراطی و تفریطی دارد ، یعنی همانقسمیکه تمدن روشنی و نورش را در غرب منعکس ساخت مفکوره نهضت نسوان هم رنگ گرفت و در راه انکشاف دانش این قشر حرکات افراطی بعمل آمد اما برعکس در شرق چون مملکت عزیز ما یکی از ممالک شرقیست با وجود آنکه این پدید آوری نوین را شانزده سال پیش در صحنه عمل داخل ساخت مگر چون سطح دانش را مطالعه کنیم ، در آن روز ها هنوز چند فیصدی بیش از مردم ما از فیض سواد بهره مند نبودند .

حالا ازینکه سواد ودانش از یکطرف در سرزمین ما تور افگنی میکند و از جانب دیگر زمینه فعالیت این طبقه مساعد گردیده است آرزو مندیم تا کلیه زنان با شهنامت افغان سهیم شان را ایفا کنند و زنان رو شنفکسر افغانستان عزیز در راه روشنتسا زی اذهان عامه نسوان چنانی که بایست همراه با جوانان روشنگر در پیریزی اهداف عمده و شرافتمندانه شان رول شانرا طور احسن انجام بدهند. تابا شد با استفا ده از سال بین المللی زن همه زنان نهضت خواه ما از مزایای زندگی آزاد منشی مستفید شده و به خواسته ها و امیال دیرینه شان برسند .

زن در اجتماع

همانگونه که مرد وزن را مکمل یکدیگر گفته اند، این دو عنصر همیشه در سازماندهی حیات و تشکیل خانواده هاو جوامع نقش بساوری داشته اند که از آغاز پیدایش تا هم اکنون که عصر مدنیت است یکدیگر خود را درک کرده و در کار های زندگی از یکدیگر کمک چسته و بیهدیگر کمک کرده اند و همکار همبستگی در ساختن زمینه های حیاتی خویش بوده اند . از دوره بدویت که در کار تقلا ی غذا مشترکا تلاش کرده در تخم و بدرو آبیاری و حاصل گیری حتی شکار و نوآوری شریک واقعی یکدیگر بوده اند تا دوره دوخت و دوز و پختن غذا و گذشتادن ادوار مختلف حیات الی دوره مدنیت کنونی در شیوه های تکامل مددگار و مکمل یکدیگر بوده اند .

مگر چه یگروز مدنیت های نیم پخته بنام جانبداری از آن و بعنوان وقایه لطافت جسمی زن این موجود تشکر و کانون ساز را پرده نشین ساخت و بنام دلسوزی از وی، حصار ایزعتنا و رسوم و باب و رواج ناشیانه گرداگرد او کشید که از یکطرف پر ده نشینی ایشان محرومیت هایی در ساحات تلاش و فعالیت برایشان خلق کرد و از جانب دیگر نیروی خلاقه ایشان را هسته آهسته از خاطره هار برد تا بجایی که بنام عضو ناقص اجتماع شهرت یافت . اما یگروز آمد، که جهان بشریت بسپو بزرگ خودپی برده، در پرتو علم و دانش دریافته که نیم پیکر خود را بدست خود فلج ساخته اند و نیم قدرت خود را با دست خود زنده دفن کرده بنام دلسوزی ظلمی بر پیکر اجتماع خویش روا داشته اند .

سرانجام ، جهان باتکای که در خود احساس کرد با تابندگی و جنبش عظیم انسانی در صدد تکریم واقعی زن برآمد، در تنویر ذهنیت ها از موجودیت این ودیعه گرانی و نیروی عظیم خلقت دامنه مساعی را گسترده ساخت و برای احیای حقوق زن کوشید و با صدای بلند ایشان را در ساحه کار و عمل خواند، تا به آئین آفرینش همروش با مردان تا حدیکه توان شان است در کار ساختمان زندگی داخل شوند و همپای با مردان دارای حقوق مدنی باشند، از مزایای زندگی با حق تساوی برخوردار وهم آهنگ با مردان جهان در آموزش ، پرورش، فهم و دانش، کار و عمل، فکر و اندیشه، و بهره یاب شدن از آن ساختمان کشور و مردم خویش سهیم گردند .

امروز کاروان کوشش و فعالیت و بالاخره کاروان زندگی ما با همراهی زن و مرد بسوی اهداف مترقی کشور خویش روان میشود .



بر زنان و دوشیزگان منور و پیش آهنگ است تا مبارزه دواندار و پیگیر را علیه جهل و بیسوادی و این گابوس و خشتناک جهان بشری آغاز نمایند و به مادران و خواهران بیسواد خویش سواد آموزانده و ایشانرا در مقابل تخته های سواد آموزی قرار دهند .

نقش زن

در انکشاف جامعه

ثروت زن

به هیچ بحث و دیباچه ای قضا ننوشت
برای مرد کمال و برای زن نقصان

اگر فلاطن و سقراط بوده اند بسزرگ
بزرگ بوده پرستار خردی ایشان

به ماهواره مادر به کودکی بس خفت
سپس به مکتب حکمت، حکیم شدلقمان

چه پهلوان و چه سالک، چه زاهد و چه فقیه
شدند یکسره شاگرد این دبیرستان

حدیث مهر کجا خواند طفل بی مادر
نظام و امن کجا یافت ملک بی سلطان

همیشه دختر امروز مادر فرداست
ز مادر است میسر بزرگی پسران

توان و تونس ره مرد چیست؟ یادی زن
حطام و ثروت زن چیست؟ مهر و فرزندان

بهبود وضع زن در همه کشور ها و در تمام نقاط
جهان مساعی دامنه داری صورت گیرد روشن
است . که مشکلات زن روستایی هر گساره
بیشتر از مشکلات زن شهرنشین نباشد کمتر
هم نیست .
ازجانبی هم این مشکلات چنان ریشه دار،
عمیق و پیچیده است که برای از میان بردن آن
هاکار فراوان دقیق و دوامدار باید بعمل آید.
در کشور ما، اکنون تلاش صادقانه صورت
میگیرد که زن افغان همدوش با برادران خود در
تمام امور سهم مساوی داشته باشد .
این تلاش وقتی خوبتر برآورده می شود که
زنان کشور ما باصمیمیت و مطابق با شرایط
جامعه خود در تحقق آنها بدل مساعی نمایند .

نقش زن در پیشرفت و انکشاف جوامع بسا
ارزش و روشن است برای آنکه از استعداد
و نیروی زنان در فعالیت های اقتصادی اجتماعی
و فرهنگی استفاده موثر شود جنبش جهانی زن
گسترش بیشتر می یابد تا شرایط و امکاناتی
فراهم گردد که حقوق، امتیازات و وجایب زنان
محترم شناخته شود و تحقق یابد .
محروریت های زنان در جوامع در حال رشد
بیشتر است .
قیودی که نتیجه عنعنات ، رسوم و عادات
کهنه میباشد زن را از اشتراک موثر در ساختمان
اقتصادی جوامع باز داشته و آن را در محدوده
تنگی ازکار و طرز تفکر قرار داده است .
جنبش جهانی زن ایجاب می کند که برای

دسرور زوی ژباړه

ستاسی دوا د و نو په باب

یو په زره پوری از ما یست

- ۵- آیا په یوه بستره کې وید پیری؟
- ۶- آیا دهغه بی وفايي بخینلسی شی؟
- ۷- هغی به خپلو افکارو کبسی هم دهغه سره وفا لری؟
- ۸- آیا ستاسی لانجی تل په ښکلونو سره پای ته رسیږی؟
- ۹- آیا کله چه ستاسی میړه په سفر کوی د زړه تنگوا لی احساس کوی؟
- ۱۰- آیا دهغه له اشتهیا هاتوڅخه تیر پیری؟
- ۱۱- آیا داسی فکر کوی چه له هغه نه ښه او غوره میړه نه شی پیدا کیدلی؟
- ۱۲- آیا داسی احساس کوی چه که چیری تاسی پریردی هر څه موله لاسه ورکړی دی؟

که ژوند د تل د پاره ایده آل نه
وی خو له بده مرغه چه دغه مطلب
زیاتره خلک له وادونو نه وروسته
درک کوی او کله کله داسی هم
کیری چه د ښځی او میړه تر منځ د
عشق د کموالی مسئله نهوی چه
نیکمر غی منځ نه رانه وړی بلکه د
توافق او همفکری نشتوا لی دی چه
وادونه دنا کامی سره مخا منځ کوی.
هغه یو ښتنی چه په لاندی ډول
وړاندی کیری له هر ډول کموا لی
اوزیاد توالی نه پرته خواب کړی...
ستاسی د واده موده د پو ښتنو او
خوابونو په طرح کبسی څه اغیزه
نه لری خو موږ ستاسی د منغی او
مثبتو خوابونو په شمیر لو سره
تاسی ته ویلی شو چه آیا تاسی
د واده د پاره جوړ شوی یا ست او که
نه ښه به دوی چه یوازی ژوند ته دوام
ورکړی.

دایو ښتنی دمیرمنو دپاره دی:

- ۱- آیا د هغو کسانو به حال افسوس کوی چه تراوسه یی وادونه نه دی کړی؟
- ۲- آیا دو رځنیو کارو نو له پای ته رسیدو وروسته کورنه په تنگ کی تلوار او بیره لری؟
- ۳- آیا خپلی میرمنی ته دخپلو دوستانو په نسبت زیات ارزښت ورکوی؟
- ۴- آیا له روحی نظره هم دهغه وجود ستاسی د پاره خو ند وردی؟
- ۵- آیا داسی د پاره خو ند وردی؟

(نور بیا)



زن یعنی، نصف از بیکر اجتماع بشر از زمانه های خیلی بعید در تولید نعمات مادی و دیگر فعالیت های معنوی و اجتماعی رول فعال داشته و حتی در بعضی مساحتات نسبت به مردان بیشتر ابراز فعالیت و لیاقت نموده و خواهند نمود

بدختران شرق

ای دختر با تمیز ما در
ای تازه نهال باغ مشرق
ای شرق بساط گلشن از تو
ای نامه نانو شنه شرق
ای آمده ها بسه انتظارات
ای ما در مهربان فردا
د ربهر محاط زندگانی
زن لنگر و مرد باد بانست
زن ها دی کاروان هستیست
در حق و حقوق اجتماعی
سهم زن و مرد شد برابر
در محمل کاروان هستی
ای لخت جگر عزیز مادر
ای رو شنی چراغ مشرق
ای چشم امید روشن از تو
ای خورشید ای فرشته شرق
اقبال غبار هکذرات
ای گو کب آسمان فردا
در زورق این جهان فانی
زن با زوی مرد را توانست
زن تکیه نردبان هستیست
در جمله شقوق اجتماعی
این است وصیت پیامبر (ص)
هستند دو معنا هستی
دو دست ز هم گره گشاید
یک دست صدا نمی براید

(ارسالی شمس)



سپید رابما

این بار هم پیغله هو سی غشی متعلمه صنف هفتم رابعه بلخی برای ما جدو لی فر ستاده است ما از پیغله غشی تشکر نموده از دوستانی که علاقمند این صفحه می باشند خواهش میکنیم تا با ما همکاری نموده انتقادات و پیشنهادات خود را برای بهبود و زیبای این صفحه بما فرستند .

مسئله تشریح



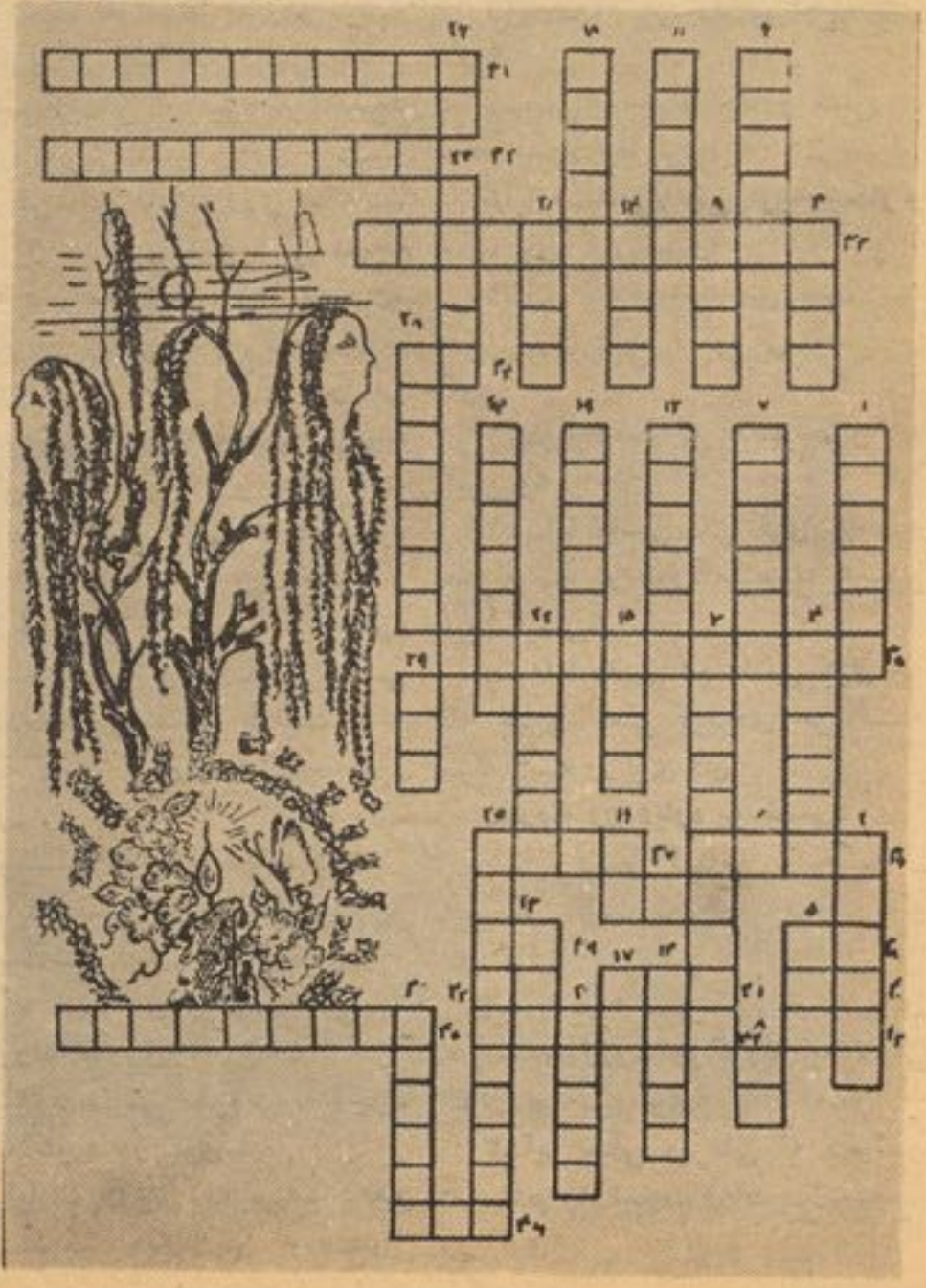
درین مساله سفید بازی را شروع نموده در دو حرکت سیاه را مات میکند، شما طرز حرکات مهربانان سفید را بنویسید.

- نویسندگان وفیلسوف افغانسی
- ۲۶- درنده ۲۷- اثری از نویسنده فرانسوی پرو سیه مریه ۲۸- از ادبای جهان ۲۹- از فلمهای هندی ۳۰- اثری از شو لو خف ۳۱- اثری از بالزاک ۳۲ اثر یکی از نویسنده های جهان ۳۳- مشهور ترین نقاش جهان ۳۴- نصف نژاد ۳۵ از مشهور ترین ادبای جهان است ۳۶- اگر راسته شود در قلم ایک موتی اسمان کار کرده ۳۷- قطره قطره ... میشود ۳۸- نصف تجمل ۳۹- اگر آخرش تکمیل شود فون می شود ۴۰- خودما ۴۱- سبب پراگنده ۴۲- لعل نارسیده ۴۳- مادر عزب ۴۴- آخرش را کسم سازید تا اثری از ارسطو باقی ماند ۴۵- اثری از الکساندر پو شکین ۴۶- نام

- ۱- اثری از دافنه دو موریه ۲- مخترعین ایپا لیا بی ۱۵ وعظ زوری کردن ۳ نفره سفید نیاتی ۴- از خواننده های رادیو افغانستان ۵- در جم مشهور است ۶- از ولایات کشور ما ۷- پایتخت کشور تایلند ۸- عدد دوم ۹- از قصول چهار گانه سنال ۱۰- اثری روزن شو ۱۱- کامل ۱۲- از مخترعین المانی ۱۳- از شعرا ی کشور ما ۷۴- از
- مخترعین ایپا لیا بی ۱۵ وعظ کننده ۱۶- مدت بی آغاز ۱۷- نصف ساعت ۱۸- اگر راسته شود آله موسیقی میگردد ۱۹- از مسالک امریکا بی جنو بی ۲۰- از فلم های هندی ۲۱- مددکار ۲۲- افلاطون به همین سرز میسین منسوب گردیده است ۲۳- از مخترعین امریکایی ۲۴- اثری بر جسته از لیون تولستوی ۲۵- از

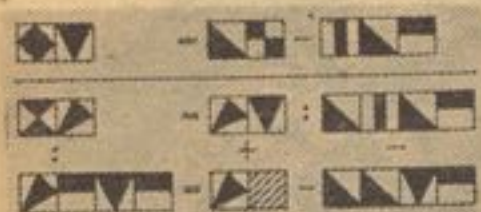


به کاپیتان کشتی دستور داده شده وقتی بمركز رسید به کشتی بانان خود دستور دهد تا شش جعبه ای راکه مواد محترقه و منفجره مثل باروت و دینامیت می باشد آرام از جای خود برداشته و داخل کشتی کوچک بگذارند و به صاحب منصب خویش تحویل دهد کاپیتان پس از براه افتادن کشتی میخواست جای آنها را با هم عوض کند و قو طهای مذکور را از جای خود حرکت دهد در جاهای مخصوص که برای آنها در نظر گرفته شده بگذارند عقلش بجای نرسید حالا شما می توانید با حداکثر هفت حرکت که بطور افقی و عمودی باید انجام شود این جعبه هارایک در میان در کنار هم بگذارید؟ اگر توانستید برای ما هم این حرکات را بنویسید



ستاره‌شناسی

اعداد تا صد

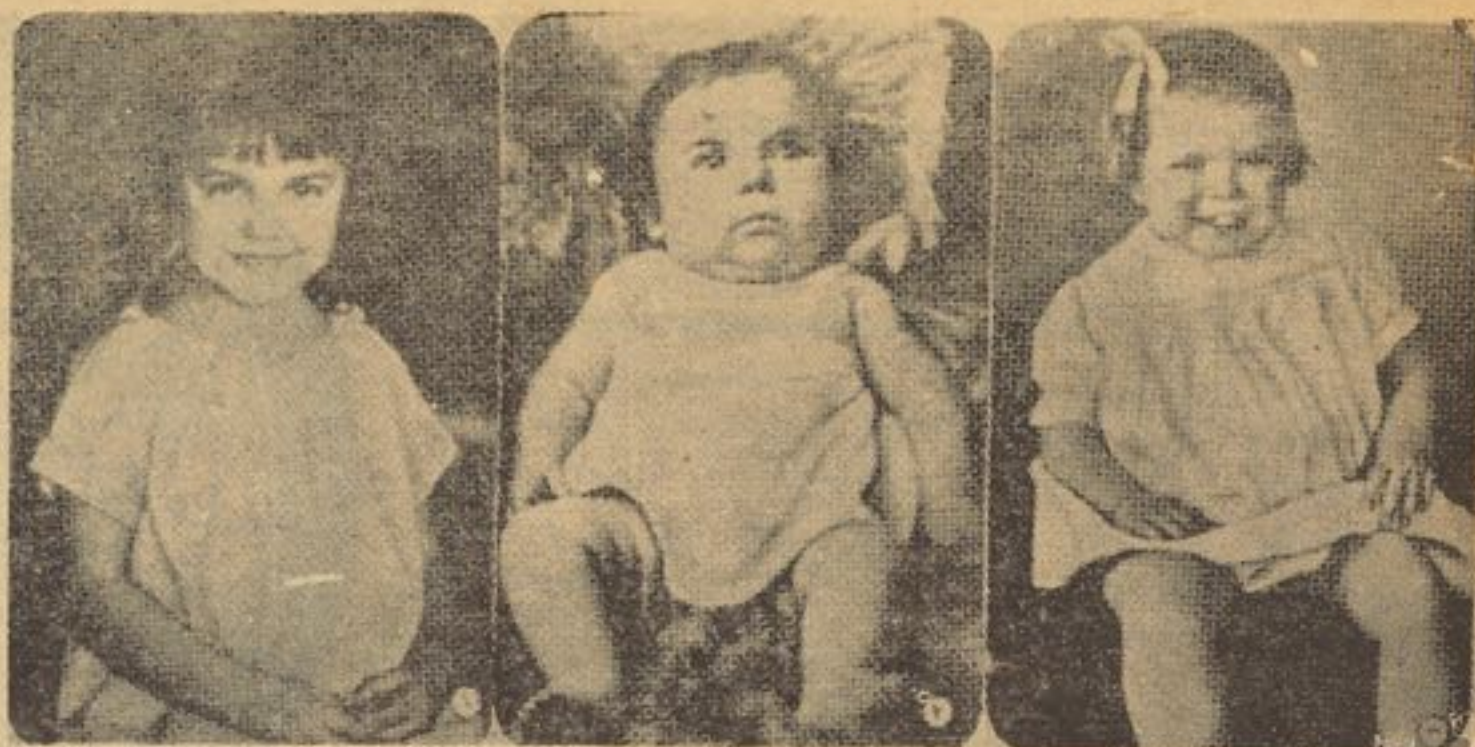


درین مساله حسابی بعوض اعداد اشکال گزاشته شده است آیا می‌توانید اصل اعداد را پیدا کنید؟

ع



این ستاره زیبا هندی امروز هم بقدر کافی شهرت و محبوبیت دارد و هنوز هم بحیث هیرو بین فلمبای هندی نقش‌های رب‌عبده اش می‌گذارند، منتبھی این عکس وی متعلق به زمانی است که تازه کار هنری خود را آغاز کرده در اولین فلمبایش نقش بازی میکرد اگر موفق به شناختن وی شدید اسمش را با نام یکی از معروفتترین فلمبایش برای ما بنویسید

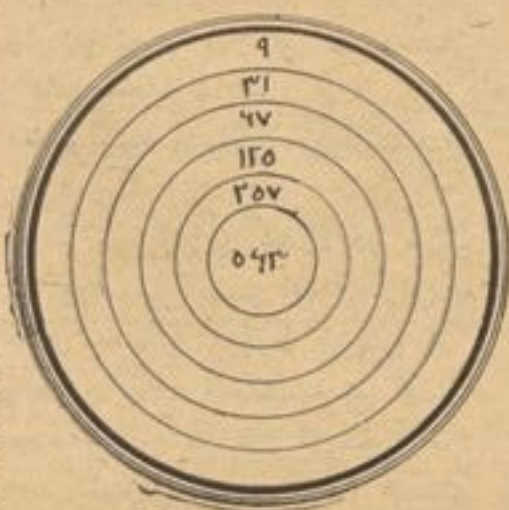


درین شش عکس شما سه کودک و سه زن جوان را مشاهده میکنید، باید عرض کنیم که این سه زن هر کدام از معروفترین ستارگان سینمای غرب هستند که فلمبای شان را بارها در سینماهای مشهور دیده اید اگر موفق به شناختن این سه ستاره زیبا روی سینما شدید اسمای شان را برای ما هم بنویسید

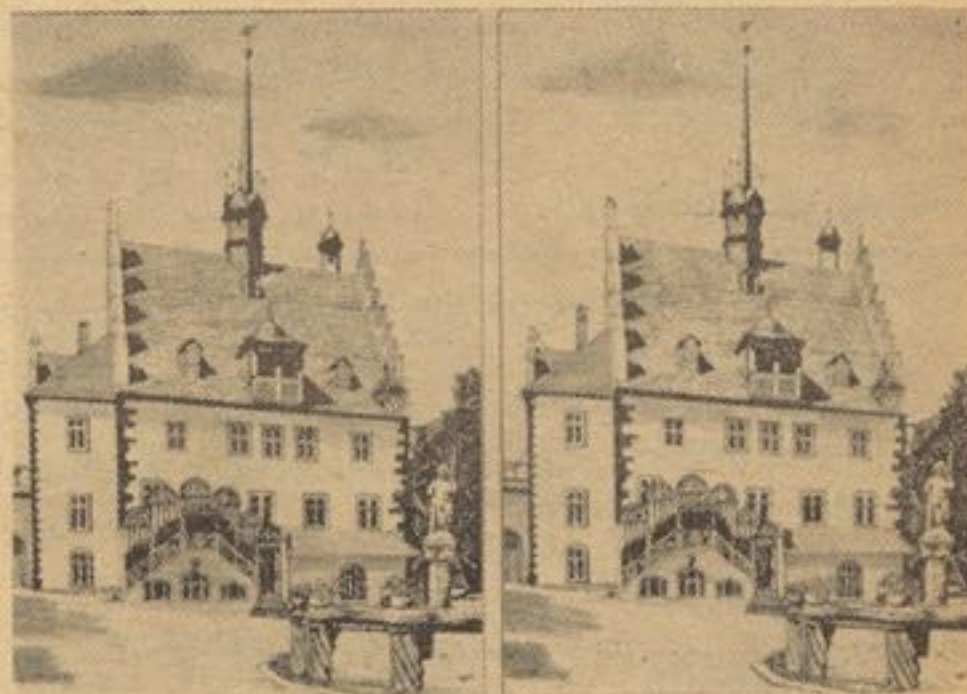
ولی باید بگویم که قسمت دوم سوال شناختن این سه کودک است این سه کودک نیز در حقیقت همین سه ستاره زیباست حال شما بنویسید که کدام عکس مربوط به کودکی این سه هنرمندی باشد،

عدد هزار

درین دایره چندین عدد را می‌بینید شما تیری را به اهدا فطوری شش بار فیر کنید که حاصل جمع آنها (۱۰۰۰) گردد تفاوت ندارد اگر در هر خانه چند بار تصادف کند منظور اینست که از شش بار زیادتر فیر نگردهد و هم حاصل جمع آن هزار گردد.



چند اختلاف



بین این دو عکس که شبیه هم بنظر میرسند هفت اختلاف وجود دارد اگر موفق بیافتن اختلافات شدید برای ما بنویسید



دو روز روز هفته که میخواهد فال بگیرد به تصویر بالا توجه نموده یک حرف از حروف نام خود را انتخاب کند و آنرا از دایره بزرگ پیدا نماید. (فرق نمی کند که حرف اول باشد یا دوم باشد یا سیم) در زیر همان حرف مثلثی قرار دارد که دارای خانه های سفید و سیاه میباشد و در داخل خانه های سفید آن سه عدد ثبت شده است از آن سه عدد هر کدام را که دلخواه شماست انتخاب کنید و آنگاه به همان شماره در زیر نام همان روز از هفته مراجعه کنید و جواب خود را از زبان حافظ شیرین سخن دریافت نمایید.

مثلا روز یکشنبه حرف چهارم نام خود را که سه است انتخاب و از جمله سه عددی که در زیر قوس مربوطه به این حرف دیده میشود بیت ۷۰ را اختیار نموده اید. باید به بیت هفتم روز یکشنبه به اشعار صفحه مقابل مراجعه کنید و بخوانید لسان اللقیب بشما چه می گوید!

۶۳ نفر دختر و پسر

۱۲ و ۱۴ باشد اینها در لیسه موزیک شامل صنف هفتم میشوند، شاگردان جدید الشمول در ایام زمستان یک دوره کورس مقداتی را تعقیب نموده، بعد امتحان کانکور میدهند و شامل میشوند که شمولیت آنها تا صنف (۱۲) دوام میکند امتحان کانکور در شروع شمولیت اخذ میشود.

موقعی که از او می پرسیم چگونه موسیقی افغانی را تقویه کرد؟ در جواب اظهار داشت: موسیقی اصیل افغانی بذات خود تقویه شده است، تنها تا حال شامل نوتشیمین بین المللی نشده است، اگر شامل نوت گردد و اشخاص فنی که بنوت موسیقی بلدیت داشتند میتوانند بصورت اعظمی از آن استفاده نمایند. اما حیث گیه

موسیقی غیر علمی، موسیقی افغانی را تحت تأثیر خویش قرار داده وی اضافه کرد: برای آنکه موسیقی اصیل افغانی بهتر تقویه گردد اشخاص فنی موزیک بصورت جدی بکوشند که موسیقی اصیل افغانی را از تأثیرات موسیقی غیر علمی مجزا نمایند.

مدیر لیسه مسلکی موزیک همچنان افزود: لیسه موزیک در حدود دو صد بارچه موسیقی اصیل افغانی را به همکاری معلمین مربوط خویش از اطراف و کناف مملکت جمع آوری و بصورت تیپ شده در آرشیف خود موجود دارد و ضمناً پارچه های متذکره را شامل نوت کرده و بقسم کتاب طبع نموده است.

فکر او عمل

همدی ډول دغه سیر مسلسل دوام مومی او هیخ قدرت ددغه مسمر سیر مخه نه شی نیو لی کله چه دواقعیت داړخو نو ترمنځ تضاد او تناقضس وده وکړی نو دتازگی او سمسور- تیا سبب کیږی او یونوی او بریا لی اړخ ظهور لری له همدی کبله ویلی شو چه طبقاتی مبارزی دیوی لوی او پر مختللی ټولنی دراپیدا کیسودو موجب اوسبب دی. دواقعیت متضاد اړخو نه یوتر بله بیلیدو نکی نه دی اومستمر وحدت تشکیلوی دغه اړخونه کله یوی خوا متعارض دی نو له بلی خوا تنک ارتباط لری یو په بل اغیزه کوی او یو پر بل بی ډډه اچولی ده دغه اړخونه یو په بل تفوق نه لری یعنی که یو تغییر وکړ هغه بدلیری اوله ادنی څخه اعلی ته بل ورسره ازومرو تغییر کوی او دانتقال لاره هواریری.

به طبیعت کی دحرکت اساسی بڼه دجذب او دفع دقواو ترمنځ له مبارزی څخه عبارت ده مثلاً دشمسی نظام مجموعی به نظر کی نیسو گورو چه دلمر نه چاپیره دستورو دگرځیدو او تاویدو مهم دلمر دجذب اودستورو دفرار ترمنځ له مبارزی څخه پرته ممکن نه دی په اتموم کی هم الکترون او پروتون نسبی توازن دمثبت او منفی برقی چار جوتو دجذب اودفعی دمبارزی نتیجه ده نو ویلی شو چه طبیعت تل تر تله متحول او بد لیدو- نکی دی او یوه شیبه مطلق سکون هم وجود نه لری بشری ټولنی هم زمونږ دنیو کونواو دطبیعت ترمنځ مبارزه له مبارزی څخه راپیدا شوی دی- له کار او عمل څخه عبارت ده چه هم یی به طبیعت کی بدلون راوستلی دی او هم یی به انسان کی. او همدغه کار او عمل دی چه د طبیعت په ضد

دثریا عادل الیاس رالیرنه

او بپاسخ سوال دیگری چنین بیان داشت: طبق پرو گرام مرتبه سال بسال شاگردان لیسه موزیک به صنوف بالاتر ارتقاء نموده ودر صنوف هفتم این لیسه شاگرد جدید پذیرفته میشود، آخرین صنف لیسه مسلکی موزیک صنف (۱۲) مد نظر گرفته شده که بعد از آن شاگرد یا به بوختون شامل خواهند شد و یا جهت خدمت به جا معه معرفی خواهند شد.

در آخرین پرسش میگویم: تاحال از لیسه مسلکی موزیک چه تعداد اشخاص فارغ شده است؟ بناغلی نبی و هاب مدیر لیسه میگوید: لیسه مسلکی موزیک معارف در حمل ۵۳ تاسیس گردیده فعلاً دارای یک صنف هشتم و (۲) صنف هفت میباشد. چون دو سال از تاسیس این مکتب میگذرد تا بحال شاگردان ازین لیسه فارغ نشده اند.

فناك حافظ

شنبه

۱- خم عاهمه درجوش و خروشنده زمستی
وان می که در آنجاست حقیقت نه مجازاست
۲- ازوی همه مستی و غرور ست و تکبر
وزما همه بیچارگی و عجز و نیاز است
۳- راز یکه بر غیر نگفتیم و نگوئیم

با دوست بگوئیم که او محرم رازاست
۱- شرح شکن زلف خم اندر خم جانان
کوته نتوان کرد که این قصه دراز است
۵- بار دل مجنون و خم طره لیلای

رخساره محمود و گف پای ایاز است
۶- بردوخته ام دیده جو باز از همه عالم
تا دیده من بر رخ زیبای تو باز است
۷- ای مجلسیان سوز دل حافظ مسکین
از شمع بپرسید که در سوز و گداز است

یکشنبه

۱- در حجر تو گر چشم مرا آب روان است
گو خون جگر ریز که معلور نماند ست
۲- صبر است مرا جاره هجران تو لیکن
چون صبر توان کرد که مقنور نماندست
۳- نزدیک شد آندم که رفیق تو بگوید

دور از رخت این خسته رنجور نماندست
۴- باغ مرا چه حاجت سرو و صنوبرست
شمشاد خانه پرور ما از که کمتر است
۵- صوفی از بر تو می راز نهانی داشت

گوهر هر کس ازین لعل توانی دانست
۶- می بیاور که نتازد بگل باغ چهبان
هر که غارت گسری باد خزانی دانست
۷- بدام زلف تودل مبتلای خوشتن است
بکش به غمزه که اینش سزای خوشتن است

دوشنبه

۱- صبا اگر گذری افتد بکشور دوست
بیار نفعه از گیسوی معسبر دوست
۲- اگر چه دوست به چیزی نمی خرد ما را
به عالمی نفروسیم مونی از سر دوست
۳- روی تو کس ندید و هزارت رفیق هست

در غنچه هنوز و صدف عنده لب هست
۴- در عشق خانقا و خرابات فرق نیست
هر جا که هست بر تو روی حبیب است
۵- بلبل برک گلی خوش رنگ درمغز داشت

وندوان برگ ونوا خوش ناله های زار داشت
۶- خیز تا بر ملک آن نقاش جان افشان کشم
کاین همه نقش عجب در گردش پر کار داشت
۷- به می عمارت دم کن که این جهان خراب
بر آن سر ست که از خاک مابسازد خشت

سه شنبه

۱- دیدی که یار جز سر جو رو ستم نداشت
بشکست عیدو از غم ما هیچ غم نداشت
۲- مپاش در پی آزار و هر چه خواهی کن
که در شریعت ما غیر ازین گناهی نیست
۳- عیب رندان مکن ای زاهد پاکیزه سرشت

که گناه دیگران بر تو نخواهند نو شست
۴- من اگر نیکم و اگر بد تو برو خود را بپاش
هر کسی آن درود عاقبت کار که گشت
۵- آن ترک پری چهره که دوش از بر ما رفت

آیا چه خطا دید که از راه خطا رفت
۶- تا رفت مرا از نظر آن چشم جهان بین
کس واقف ما نیست که از دیده چها رفت
۷- نا امید مکن از سابقه لطف ازل
تو پس برده چهدانی که کی خوشست و کی زشت

چهارشنبه

۱- ساقیا بیا که یار زوخ برده برگرفت
کار چراغ خلوتیان باز در گسرفت
۲- آن شمع سرگرفته در چهره بر افروخت
وین پیرسالخورده جوانی ز سر گرفت
۳- آن عشوه داد عشق که مفتی راه برفت

وان لطف کرد دوست که دشمن حذر گرفت
۴- ز تپار از آن عبارت شیرین دلفریب
کونی که بسته تو سخن در شکر گرفت
۵- میگرم و مرادم ازین سیل اشکبار

نغم مجبست که در دل بکسار مست
۶- تا دامن گفن تکشم زیر پای خا ک
باور مکن که دست ز دامن بدارمست
۷- ز حال ما دلست آکه شود مگر وقتی
که لاله برده از خا ک گشتگان غمت

پنجشنبه

۱- مدام مست میدارد سیم جعد گیسویت
خرابم می کند مردم فریب چشم جادویت
۲- پس از چندین شکبائی نسبی یارب توان دیدن
که شمع دیده افروزیم در محراب ابرویت
۳- سواد لوح بینش را عزیز از بر آن دارم

که جانرا نسخه باشد ز لوح خال هندویت
۴- دی پیرمی فروش که ذکرش بغیر باد
گفتا شراب نوش و غم دل پسر زیساد
۵- گفتم بیاد میدهد باده نام و نشنگ

گفتا قبول کن سخن و هر چه باد باد
۶- بیا بیاکه زمانی ز می خراب سویم
مگر ریسیم به گنجی در یسن خراب آباد
۷- ساروان بار من افتاد خدا را مددی
که امید گرم همزه این محمل بود

جمعه

۱- فردا که پیشگاه حقیقت شود بدید
شرمنده رهروی که عمل بر مجاز کرد
۲- دست در حلقه آن زلف دوتا نتوان کرد
تکیه بر عهد تو باد صبا نتوان کرد
۳- دل از من برد و روی از من نهان کرد

خدا را با که ایسن بازی نتوان کرد
۴- کی شعر ترا نگیزد خاطر که حزن باشد
یک نکته درین معنی گفتیم و همین باشد
۵- غمناک نباید بود از طعن حسودای دل

شاید که جو واینی خبر تو همین باشد
۶- چشمت از ناز حافظ نکند میل آری
سر گرانی صفت ترکس رعنا باشد
۷- خوشست خلوت اگر یار یار من باشد
نه من بسوزم و او شمع انجمن باشد

زبان پدیده ایست اجتماعی که ناسی از ضرورت میرم انسانی بوده و به منظور افهام و تفهیم مطالب حیاتی در مسیریک زمان پرماجرا و طولانی کسب وجود کرده است. و نظر به اهمیت و نقشیکه این پدیده از بدو اختراع و ایجاد خود در حیات مدنی انسان بجا گذاشته است. آنرا یکی از پایه های متین و تزلزل ناپذیر سه گانه تمدن و فرهنگ بشری شمرده اند. (۱) و الحقیقکه سطح حیات رو به ارتقاء انسان بر مبنای همین پایه های سه گانه استوار است. که آنها عبارتند از: زبان - آتش و کشاورزی که روح کنجکاو و بیکار جوی بشری بنا بر احتیاجیکه داشت در روند تاریخ متدرجا با اختراع آنها جهت حل معضله زندگی فایز آمدن و تمدن رو توسعه انسان از بدو تلاشها و جنبش های مدنی تا تسخیر کره ماه و شگافتن قلبان مبنی بر همین اختراعات سودمند است. و بیروزی های بشر معاصر بیوند بلا فصل و تردید ناپذیری به آنها دارد. و هر پیشرفتیکه در مسیر تاریخ و در پهنای جهان هستی نصیب نسل بشری شود بدون انکار ممثل نیروی خلاقه و مظهر تلاشیهای بیگروختگی ناپذیر نیاکان اولیه ما خواهد بود.

از آنجائیکه این مبحث خیلی دلنشین و شیرین است و مذاق هراسان با ذوق را که علاقه به فرهنگ جهان باستان و عرق ریزی های انسانان اولیه داشته باشد مسحوظ میسازد. لذا جریانات آن نیز نمیتواند در چنین مختصری گنجایش یابد از آنرو بادنبال کردن هدف اصلی و تئیل به ارمان غایی به همان تذکر فوق در قبال سه پدیده تذکار یافته اکتفا کرده و از آنجمله زبان آریایی را مطلق نظر قرار میدهم زیرا این مختصر تفصیلات مزید را در موارد فوق نسبت جلوگیری از تطویل کلام پذیراننده نمیتواند.

درک کردن زبان اولیه آریین ها کاریست سخت دشوار و این مشکل ناسی از فقدان اسناد موثقی است که بدسترس مافرا نندارد. و آنچه در این باره از خامه پژوهشگران تاریخ اعصار باستانی این نژاد تراوش کرده بر مبنای حدس و خیال استوار بوده و ریشه عمیقی ندارد. و از اینکه این گمانها از حقیقت فاصله دارند به آنها اعتماد کردن از محالات است. اما این قدر مسلم است و باید ایضاح گردد که منظور از طرح چنین وسیله ای آن نیست که نگارنده با همه نارسایی که در خود سراغ دارد خود را به تصریح این عقاید که آریا به چه شیوه و در کجا و در چه زمانی به سخن گفتن آغاز کردند مکلف نمیداند، زیرا الحقیق بیامون حل این برابلم هالز و جانب ایسن نبشته نیست و هم روحه این نبشته ایسن

(۱) تاریخ اجتماعی ایران تألیف مرتضی رادندی چاپ دوم سال ۱۳۴۷ ص ۱۹-۱-۱

نویسنده: غ. فاروق (نیل آب رحیمی)

زبان آریایی

(۱)



زرف تگری ها و ریشه یالی ها را ایجاد نمیکند. تجویز یک در این مورد اتخاذ شده ایضاح زبان اولیه آریایی دوسرزمین زیبا و باستانی بلخ است. زیرا این سرزمین مرکز کلیه فعالیت و نژاد آریین و گانون همه تلاشیهای ایشان و منبع بسط و گسترش و مهاجرت های شان بجانب شرق و غرب میباشد.

زبان از بدو تکوین با بشر همراه بوده است و تدریجا در اثر انکشاف ساحة فعالیت های حیاتی و وسعت و ارتقاء سطح ذهنی این پدیده نیز جامع ترو متکامل تر از آب برآمده و بسرحد کمال نزدیک تر شد. و زبان اولیه آریین ها نیز در بر توی این اصالت تاریخی موقف خود را با گذشت زمان تثبیت کرد و بدیسیست که در بدو مرحله کلیه عشایریکه از نژاد آریین مجزا شدند به همین زبان واحد مطالب خود را ادا میکردند. در نخستین مهاجرت هاییکه نسبت تنگی جای وقت و مراتع رونما گردید نژاد آریین نام هندواروپایی را بخود گرفت که زبان شان نیز در تحت الشعاع همین نام در تاریخ فرهنگی شان مندرج گردید. و این زمانی بود که محل بود باش اقوام آریین را حوزه سرسبز و شاداب سردریا تشکیل میداد. بنا بر این زبانها ی شان با هم شباهت داشت (۱).

تکثر نفوس و فشرده شدن جای آریین ها و ادانت تا وحدت اجتماعی خود را نادیده گرفته و از مشکلات روز افزون خود بگذاشتند لذا قدم دیگری در عرصه مهاجرت و بدست آوردن سر زمین های نوین بجلو گذاشتند همان بود که سررازه شان از هم متلاشی شده و عشیره های متفرق را ایجاد کردند. که این رویداد بنا بر بر اهن تاریخی در حدود سه هزار سال قبل از میلاد مسیح صورت گرفت. این مهاجرت ها بعضی را جانب هند و برخی را هم بصوب ایران رهسار ساخت و عده در باختر متمرکز ماندند و زبان واحدی را که این عشایر مدتها به

(۱) تاریخ قدیم افغانستان تألیف احمد علی کهنزاد ص ۳۶-۱-۱

و افزوده و تقریبا با هم رابطه بلا فصلی دارند. کلمه ای را مورد بررسی قرار میدهم، مثلا کلمه پدر را انتخاب می کنیم. این کلمه را که در ددی پدر میگویند. در فرانسوی (پسر)، در انگلیسی (فادر)، در سانسکریت (پتریل) در بتگالی (پتر)، در لاتین (پتر) و در پشتو (پلار) گفته میشود (۲). و این مشابهت بلا تردید بیاتر یک وحدت ریشه ای بوده و یک پیوند تاریخی ای را نشان میدهد. بدین ملحوظ و با نگاهی این برهان شک و تردید را کنار گذاشته ابراز عقیده نمائیم که زبان آریین باستانی

زبان های چینی، سریانی، عبری و عربی، مادر اکثر زبان های زنده جهان معلوم بوده که آنها را در کانون قلب خود پرورش داده است. شعباتیکه از زبان اولین آریین ناسی شده و در جهان شایع اند خیلی زیاد بوده که از آنجمله مابه فرس باستان، سانسکریت یا زبان ویدا اوستا، سغدی، تغاری پهلوی، لاتین، یونانی سکی، اسلاوی، سلتی، توتونیک و غیره را میتوان نامبرد که هر کدام این زبان ها بتوجه خود منشاء زبان های دیگر بوده و لپچه های مختلفی از آنها مشتق شده است که هم اکنون در بعضی قسمت های افغانستان مثل نورستان سغنان، بامیر، درواز، بلوچی، پشه ای و غیره مروج بوده و به آن سخن میگویند و نفوس زیادی در قلب هندوکش و دره های پر خم و بیخ سرزمین باستانی افغانستان و میادین هموار آن با استعمال زبان های فوق الذکر مشکلات حیاتی خود را مرفوع می سازند.

در اوپسین تحلیل این مبحث بایست تذکر داد که زبان های آریایی بنا بر پژوهش و تدقیق علمای زبان شناسی و در تصنیفیکه زبانهای جهان را کرده اند آنها را به سه بخش (یک) عجیب، مستحق و بیوندی (سهم نموده اند که از مرز زبان های بیوندی است. درین زبانها بر ریشه لغات های هیجاها افزوده می شود. و این افزودن منحصر به آخر نیست. بلکه نظریه ایجاد لغت و موضوع در اول آن نیز به مثل آخر بیوند هیجا صورت میگیرد. اما در اثر این افزایش ریشه لغت تغییر می کند و فاصله ای بین ریشه کلمه و قسمت مضاعف شده احساس نمی گردد و تصور می شود که با همچون خورده است و بیوند یافته است (۱) و این خصوصیت محدود یک شاخه نبود بلکه

(۱) ص ۵ تاریخ هند-تالیف ت.ف. در لایور. ترجمه فخر داعی کیلانی چاپ اول سال ۱۳۱۶.
(۲) تاریخ ادبیات ایران تألیف جلال همایی ص ۹۵-۹۶.
(۱) ص ۵۹ تاریخ ادبیات ایران - جلال همایی.
(۱) ص ۲-۱-۱ سیک شناسی تألیف ملک الشعرا محمد تقی بهار.



از راست به چپ: استاد محمد عمر، گل علم، شمس الدین مسرور، مجید و ملنگ

بجواب نامه های شما

قبل از اینکه بجواب نامه های این هفته بپردازیم باید بگوئیم که به نشر نامه های حق تقدیم داده می شود که در مورد مجله ژوندون باشد چه همانطور یک در شما ره گذشته اش را کردیم، تصمیم اینست تا به کمک خوانندگان ژوندون مجله بهتر داشته باشیم. خوب حالا هم بجواب نامه های رسیده می پردازیم تا دیده شود خوانندگان عزیز درین هفته برای مجله شان چه چیز های دارند.

پیغله فوزیه موج متعلمه صنف یازدهم لیسه ملا لی:

برای بهتر شدن مجله ژوندون پیشنهادات و نظریات درخور تامل عرضه کرده اند که البته قابل تطبیق هم است، مثلاً محترم موج از ما خواسته اند تا برای بلند بردن سطح ژوندون از نظر محتوی از نویسندگان ورزیده و خوب بطلب همکاری کنیم.

دوست ارجمند:

کارکنان ژوندون نیز اهمیت بیشتری به محتوی ژوندون قابل انداخته شکل و سایر موضوعات. چه به نظر ما هم این یگانه را هیست که ما را به هدف مان نزدیکتر ساخته و مجله ازین طریق کسب محبوبیت بیشتر می نماید. باتوجه بهمین نکته اخیراً یک تعداد از نویسندگان

خوب با ما وعده همکاری داده اند. که مطمئناً به وعده خود وفا دارند خواهند ماند.

آقای غلام مصطفی:

مامور وزارت زراعت تصمیم دارند با مجله ژوندون همکاری نمایند. ازینرو طالب معلومات در مورد شرایط همکاری با مجله ژوندون شده اند.

عرض شود همکاری (بدو ن قید و شرط) چون شما در مکتوبتان نحوه همکاری را بایک نشریه خوب تشریح کرده و زمینه های همکاری را هم تذکر داده اید.

شاعلی عبداللطیف از لیسه حبیبیه:

طی نامه کوتاهی پرسیدند: چرا مجله ژوندون با کاغذ بهتر چاپ نمی شود البته منظور از همین کاغذ سفید است که فقط یکی دو صفحه ژوندون روی آن چاپ می شود.

دوست عزیز:

استفاده از کاغذ درجه اول آن جهت برای ما در تمام صفحات ژوندون مقدور نیست که مصرف بسیار را ایجاب میکند. از آن گذشته چون مجله ژوندون در ماشین های طبع حروفی به نشر میرسد، گلکیش یعنی عکسها روی کاغذ درجه اول «افسیت» خوب رنگت نمی گیرد.

شاعلی محمد کریم «آرزو»

از مدیریت عمومی تعلیم و تربیه م ه خواجه رواش طی نامه می نویسد: (باباز شدن این صفحه مشکل عده خوانندگان مجله حل می شود چه هم بسوالات آنها پاسخ گفته میشود و در ضمن انتقادات و نظریات آنها منعکس می گردد.

اگر چه درین آواخر مجله بانشر مضامین آموزشی، داستانی، جالب وده ها مطلب خواندنی به عده خوانندگان خود افزوده است ولی اگر انتقادات و پیشنهادات معقول خوانندگان پذیرفته شده و عملی گردد در آن صورت به مزیت این مجله محبوب خانواده ها افزوده می گردد.

حالا پیشنهادی داریم که امید است در صورت امکان عملی گردد.

اگر صفحه برای معرفی هنرمندان، نویسندگان و شعرای نامدار گذشته و حالیه کشور باز گردد بهتر خواهد بود.

بهمین ترتیب اگر صفحه بنام (شما و صحت و شما) در مجله کثوره شود مشکلات صحیح خوانندگان

مجله راحل می نماید.

در مورد پیشنهادات شاعلی محمد کریم آرزو باید بگوئیم که نظریات شان در مجله ژوندون عملی است. تصمیم داریم برای معرفی هنرمندان نامدار متقدم کشور صفحه داشته باشیم.

ولی در مورد صفحه (شما و صحت شما) باید گفت که همچو پروگرام در رادیو افغانستان بنام (طیبیب - رادیو) صبا نه به نشر سپرده می شود که فکر میکنم یک تعداد کثیر شنونده ها از آن استفاده میکنند.

نشر همچو پروگرام از طریق یک وسیله سمعی متمرکز هم است از آن گذشته در روزنامه جمهوری هم در مورد مسایل صحی هر هفته مضامین به نشر میرسد که می شود از آن استفاده کرد.

• • •

شاعلی حبیب الله از کندز:

باید بگوئیم که نزد شما (سفید روی) شدیم چون همانطور یک ملاحظه میفرمایید به خواسته شما ترتیب اثر دادیم و حسب فرمایش صفحه به جواب نامه های شما را سر از شماره گذشته باز کردیم.

مبارزه برای ریشه کن

ده هزار میلیون فرانک را بالای سگرت بمصرف رسانیده است. میرمن ویل در اولین روز مبارزه خود درین راه شاهد یک پیروزی جزئی بود و آن اینست که در کنفرانس مطبوعاتی وی هیچیک از خبرنگاران سگرت دود نکرده اند.

خواهد بود تا جلو گیری کنند. میرمن ویل که تا همین او آخر خودش سگرت بسیار دود میکرد بخبر نگاران گفت که فرانسوی ها نسبت به مصارف نان و میوه پولی بیشتر بالای سگرت مصرف مینمایند سال گذشته مجموع فروش سگرت تنباکو که در انحصار دولت میباشد به ۹۲۰۰۰ تن رسیده بود. وی گفت فرانسه در سال گذشته

دولتی مطبعه



**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**